ژوندون

د ملاتړ او کلتور وزارت

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 1 1 1980
COPY
ORDER DIVISION

15521/0291

ببرک کارمل منشی عمومی کمیتهٔ مر کزی‌حزب دموکراتیک خلق افـغانستان ، رئیس‌شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان موقعیکه رام‌ساتهی معیـن‌وزارت خارجهٔ‌هند رابرای ملاقات بحضور پذیرفتند

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امورخارجه خبر میدهد ، از طرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان تلگرام تبریکیه به مناسبت انتخاب چیومن میاتوویچ بحیث‌رئیس ریاست جمهوری جمهوریت فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا عنوانی‌موصوف به‌بلگراد مخابره گردیده است .

• • •

سلام های گرم ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیک‌خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم روز ۲۶ ثور توسط عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی حزب ، عضو شورای انقلابی و وزیر اطلاعات وکلتور طی گردهم آیی وسیعی که در باغ ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش آن ولایت ابلاغ گردید .

• • •

مدیر یت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبر میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلـق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکر- اتیک افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۲۸ ثور رام ساتهی معین وزارت امور خارجه هنـدرا در مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند.

• • •

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغا- نستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران روز ۲۹ ثور درمقر شورای انقلابی جلسه‌نمود.

شورای وزیران در جلسه همان‌روزخودضمن غور و صدور فیصله‌روی یک‌سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسایل آتی تصمیم اتخاذ نمود :

باساس پیشنهادوزارت‌فواید عامه خریداری وسایط وپرزه جات طرف ضرورت ریاست میخانیکی فواید عامه به قیمت اضافه از پنج میلیون ونهصد وهفتاد وچهار هزار دالر از کمپنی های اتحاد شوروی ، چکوسلواکیا ، رومانیا وجاپان منظور گردید .

نظر بدرخواست وزارت معادن و صنایع خریداری ششصد هزار خریطه پولی اتیلین ضرورت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح لیتراف کریدت آن‌از کمپنی توزای جا پانی منظور شد .

• • •

درودها وشادباش های صمیمانه ببرک‌کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان،رئیس‌شورای انقلابی‌وصدراعظم جمهوری دمـو کراتیـک افغانستان روز۲۹ثور توسط نظام الدین تهذیب عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلقا فغانستان و عضوشورای انقلابی به مشران و نمایند گان مردم ولـوالی های سرکانـی خاص کنر، اسمار، چو کـی، نورگل ونرنگ که در باغ ولایت کنر گرد آمده بودند رسانیده شد .

• • •

جلسه‌فوق العاده‌مشترک بخشی ازسازمانهای ناحیه اول حزبی ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ ثور در قصر ستور وزارت امور خارجه تشکیل ودر مورد نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث صورت گرفت .

در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلسه به اتفاق آراء تایید گردید سلطانعلی‌کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حـزب دموکراتیک خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان‌جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه مفصل وجامعی ایراد کرده ونتایج دومین پلینوم کمیته‌مرکزی حزب وبیانیه تاریخی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شو رای انقـلابی و صدراعـظم را در دومین پلینوم کمیته مرکزی با ارزش ارزیابی نمود .

• • •

نمایشگاه عکاسی مربوط به المپیای ۱۹۸۰ مسکو تحت عنوان مسکو والمپیک عصر ۳۰ ثور از طرف سفارت کبرای اتحاد جماهیـر شوروی سوسیا لیستی به همکـاری وزارت اطلاعات و کلتور در سا لون ښاروالی کابل افتتاح شد .

در مراسم افتتاح این نمایشگاه داکتراناهیتا راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه ورئیس انجمن دوستی افغان وشوروی شاه محمد دوست وزیر امو رخارجه بعضی از اعضای شورای انقلابی ، کدر های برجسته حزبی و کارمندان‌عالیرتبه دولتی ، سفیر کبیر اتحاد شوروی و بعضی از سفرای کبار کشور های دوست مقیم کابل اشتراک نموده بودند .

سلطانعلی کشتمند عضو بـوروی سیا سی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان،معاون شورای انقلابی،معاون صدر اعظم‌ووزیرامور پلانگذاری هنگام ایراد بیانیه در جلسهٔ فوق‌العاده مشترک بخشی ازسازمانهای نا حیه‌اول الف حزبی

رفقا ! حزب دموکراتیک خلق افغانستان یك ارگنیزم زنده است که بشکل دایمی با ارتباط ناگسستنی به تغییرات انقلابی جامعه تکامل می‌نماید.

ببرك کارمل

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹ـ۲٤ می ۱۹۸۰

دست نیرو مند صلح و دوستی بسوی همسایگان

نیازی به اثبات ندارد که دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان ، دولت قانونی مردم این سر زمین کهنسال وتاریخی می باشد که اکنون باگام های جدی وانقلابی برهبری‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان وعیلرغم دسایس توطئه ها شانتاژ و تهدید قدرت های ارتجاعی وعقبگر او شبکه های تخریبی امپریالیستی به پیش میرود واین نیاز مبرم زمان است که‌باید افغانستان انقلابی به پیش رود وهر خس و خاشاکی را که در مقابلش قرار گیرد ازسر راهش جاروب نموده وطبق پلان در جهت ترقی و تعالی مردم این وطن اهداف انقلابی راتطبیق نماید .

به این ارتباط ، بعد از انقلاب شکوهمند ثور ، آنگاهیکه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان مشی وپروگرام دگر گونی ها را در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت دول جهان افغانستان انقلابی را بر سمیت شناخت وروابط افغانستان آزاد ومستقل درگام اول بادول همسایه تامین گردید و افغانستان قهر مانانه در چوکات پرو گرام های سازمان ملل متحد ودیگر سازمان های بین المللی در خشید .

این پیروزی وکامگاری مردم ستمدیده و داغدیده افغانستان آتش بجان دشمنان‌سوگند خورده خلق افگند واز داخل وخارج شبکه‌های تخریبی امپریالیستی بصورت مشخص در امور داخلی افغانستان مداخله نمودند تاآنجائیکه انقلاب از مسیر اصولی آن به بیراهه کشانده شد وحفیظ الله امین در راس قدرت قرار گرفت وتا توانست در سر کوبی نهضت وانقلاب ورزمندان واقعی و سر سپرد گان راه آزادی واستقلال وسعادت مردم کوشید وچه جنایات نابخشودنی وشرم آوری که باباند آدمکش وجلادش مر تکب نگردید ؟

اما مبارزان ، فرزندان آگاه و صدیق مردم آنهایی که در حزب د مو کراتیك خلق افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند. یکجا بامردم به پیکار ادامه دادند و قدرت جبار امین فاشیست وباند تبهکارش را بتاریخ ٦ جدی ۱۳۵۸ سر نگون نمودند که بعد از آن نیز مداخلات ارتجاع وامپرلیزم باز هم بیشتر از پیش وسعت یافت وبد بختانه این دست درازی تاکنون نیز ادامه دارد.

دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان بعد از مرحله نوین انقلاب ثور که با قیام ٦جدی برهبری حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان آغاز گردید ،از همان روز اول با تشریبانات انقلابی حسن نیت خودرا در جهت دو ستی‌با کشورهای منطقه وجهان اعلام داشت‌ودرین مسیر باز هم لحظه ای آرام نه نشست چنانچه به ارتباط اسناد مو ثق مداخلات خارجی درامور داخلی افغانستان ، یکبار دیگر دولت انقلابی افغانستان در روشنی مشی صلحدوستانه و انسانی خویش با نشر اعلامیه ای در زمینه انکشاف روابط افغانستان با ایران وعادی‌ساختن روابط میان افغانستان و پاکستان اعلامیه ای را به نشر سپرد که خوددست نیرو مندیست که از طرف مردم ودولت افغانستابن بسوی کشور های همسایه دراز گردیده واین عمل انقلابی از متانت وپایداری و خصلت انسانی جمهوری دموکراتیك افغانستان سر چشمه میگیرد که اهمیت ومقامش در تاریخ معاصر منطقه با ارزش بوده ونیت صادقانه دو لت انقلابی افغانستان را در زمینه دوستی باکشور های منطقه و جهان می نمایاند .

چنانچه در همین اعلامیه می خوانیم «خلق افغانستان می خواهد در شرایط صلح ، انکشاف مناسبات دوستانه وهمکاری با همسایگان‌کشور های مسلمان وتمام دول جهان حیات نوینی را برای خود ایجاد نمایند . خلق افغانستان مصمم است تا از آزادی واستقلال کشور واز حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی واجتماعی شان دفاع نمایند .»

بعد از پخش این اعلامیه یکبار دیگر برای جهانیان به اثبات رسید که مردم و دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان واقعاً موضع صلحدوستانه در منطقه داشته وآنچه را اعلام مینماید صادقانه در جهتش تلاش می ورزد . چنانچه مطبوعات جهان بصورت‌وسیع‌وگسترده از آن استقبال نمودند .

بگذار در مقابل هر عمل انقلابی دولت ما ودر مقابل آرمان های والای مردم ما در جهت تامین صلح و آرامش در منطقه که همه به آن واقعا نیاز دارند عمل باالمثل صورت‌گیرد واین دست صلح ودوستی ، صفاوصمیمیت راستی وصداقت که عملا دراز گردیده خلق های کشور های منطقه را هر چه بیشتر باهم متحد سازد ومساعی مشترك نیرو های انقلابی صلح استوار و جاودان رابه ارمغان آ ورد .

ما یقین داریم که عمل وبر خورد انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان هر گز بی تاثیر بوده‌نمی تواند واگر چه تخریباتی در مقابل پیاده گردد بازهم مشی انسانی مارا در باره دو ستی با مردم منطقه تغییرنداده و این روابط بالاخره جوشش خورده واستحکام می یابد .

آنچه درین میان روشن است شکست ارتجاع وامپریالیزم می باشد که عاملین اصلی ایجاد وتشنج ونا آرامی ، تشویشرو دهشت افگنی درمنطقه وجهان است.

به پیش در جهت انکشاف روابط دوستانه خلق های منطقه .

زنده باد مردم سر بلند افغانستان

بر افراشته باد درفش صلح ودوستی میان ملل .

درین شماره

افغانستان خواهان صلح ودوستی با همه کشورهاست

• • •

نگرشی کوتاه وشتابنده به‌دو نشریه تازه کشور

• • •

زموږ ددموکراتیك جمهوری دولت اساسی اصول په دموکراتیکو ....

• • •

سلسله گفت‌وشنود ها ونشست های اختصاصی ژوندون درمیزگرد

• • •

زندگی نامه هوچی مین

• • •

اعلامیه حکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان

• • •

دکور په‌لارکی

• • •

تصویب اصول اساسی ج،د،ا، گام فراخی است درجهت بهروزی

• • •

زنان آزاده‌ای ما این مشعل داران راه‌آزادی

• • •

درمحکمه فامیلی چه‌خبر است؟

• • •

عشق به‌انسان

• • •

شرح پشتی سوم :

هموطنان سلحشور زحمتکش ووطنپرست کوچی ما دوباره به آغوش گرم وپراز محبت در وطن برمی گردند وبا حزب ودولت ملی ودموکراتیك خود یکجا در کار وپیکارانقلابی در راه اعمار وطن همدست می شوند .

هوچی مین، دزیار کښانو دلاری ستر سرغندوی

کله‌چې په ۱۹۷۵ کال دویتنام د خلکـــو په‌میړانه اوشوروی اتحاد په مادی اومعنوی مرستې سره‌دامریکې امپریالیزم دقهرمان‌ویتنام څخه وشړل شو ترڅو لو نه مخکې او زیاترهٔ آزادی خو ښونکو خلکو له‌خولی نه‌دهو چې-مین نوم اوریدل کیده داځکه چې دغه ستر شخصیت پدغه لاره کې یعني د خپل هیواد دخلاصون اوخپلواکۍ په لاره کې‌نه ستړی-کیدونکې مبارزې یې تر سره کړی ؤ .

دقهرمان ویتنام خلک دخو لسیزو په اوږدو کې دخو یرغلګرواو تیری کونکو امپریالیستی او استعماری قوتونو په وړاندې په قهرمانۍ‌سره جنګیدلی دی اوددغو زړه ورو مبارزو په ترڅ کې یې نه یواځې دخپل هیواد ، یووالی ،ارضی تمامیت او خپلواکی تر لاسه کړی ده بلکـــی دسیمې یعنی دآسیا دجنـــوب ختیځې سیمې انقلابی غور ځنګونه او نهضتونه یې هم‌پیاوړی اوغوړولی دي. دامپریالیزم او نورو تیری کوونکو قوتونو پر ضد جګړوکې هوچی مین ترڅولونه لوړ ستره او ددرناوی لوړه څیره بلل کیږی داځکه چې دغه ستر شخصیت د ویتنام دخلکو عادلانه او قهرمانانه مبـارزی رهبری کړی دی . هوچی مین دیو ستر ملی قهرمان په څیر خپلو دخلکو قهرمانانه مبارزی قدم په‌قدم په‌وړاندی اودبری ترپولی پـوری رسولی دی . هوچی مین خپل ژوند‌دخپل وطن او خپلو خلکو دنیکمرغی په لاره کې وقف کړاو له همدې امله دهغه نوم دویتنام لـــه نوم سره جوخت په تاریخ کې ثبت شوی دی او دهغه کار نامې دویتنام دخلکو په زړونوکې خاص ځای لري . هوچی مین دخپلو خلکو د مبارزو دلینګو لیکو په سر کې نړیوالو تـــه دغه حقیقت په ثابته کړه چې دخلکو دارادې اوقوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، داځکه چې دخلور ولسیزو په‌اوږدوکې سره‌له‌دې چې ویتنام څو ځلی دتیری کوونکو استعمـاری قوتونو له‌تیری سره مخامخ شو اوان دنـړی ستر امپریالیستی هیواد خپل ټول قوت اوقدرت سره و نشو کړای چې دویتنام‌دخلکو تصمیم او اراده دآزادی په‌لاره کې ماته کړی.

هوچی مین د۱۸۸۰ کال دمی په نو لسمه نیټه دترنګی ثین په ولایت کې په یوه‌متوسطه کورنی کې زیږدلی ؤ . دغه ولایت دفئودالیزم او استعمار دلاس یو ځی حکومتونو سره پـه مقاومت کې ډیر نوموتی ؤ .هوچی مین کله چې دفکر کولو سن ته ورسید تصمیم یې‌ونیوو چې دخپلو خلکو دژغورلو په لاره کی‌فعالیت وکړی .

د۱۹۱۱ کال دجون‌په میاشت‌کی هوچی مین له‌خپل هیواد نه بهر لاړ هغـــه فرانسی، اود آسیا او امریکا نورو هیوادونو ته سفــر وکړ او هلته یې هم دکارګرانو او استعمار ځپلو خلکو سره یوځای ژوند، او دخپل ژوند دتامین لپاره کار کاوه . کله چې دیپلوپیلو سیاسی دکتورینو په هکله مطالعه او څیړنه کوله په ۱۹۱۷ کال‌کی داکتوبر دستر‌انقلاب بریالی توب ترسره شو او پر هوچی مین هم دغه انقلاب اغیزه وکړه او دمارکسیزم،لنینیزم په‌مطالعاتو بوخت‌شو. د مارکسیسزم لنینیزم مطالعې‌هوچی‌من‌ته داډاډورکړچی‌مترقی اوانقلابی مبارزه دخلکو او زیار کښانو د خــلاصون یواځنی لاره ده . او په هماغه کال کی یې دویتنامی وطنپرستانو سازمان جوړ کړ چې ددغه سازمان اصلی هدف په فرانسې کـــې داوسیدونکو ویتنامیانو دیووالی منځ ته‌راوړل و. هوچی مین په ۱۹۱۸ کـــال دفرانسی د سوسیالیست‌ګوند په غړیتوب ومنل شو اوپه عین زمان کی یې دفرانسی دکارګری طبقـی په جنبش کی یې پراخه ونډه درلوده . ده په ۱۹۱۹ کال کی په خپل مشهور پیام کی چې د(وریږ) کنګری ته‌یې و لیږه او په‌هغه کی یې له فرانسی څخه غوښتنل شوی وچی دویتنام دخلکو، حقوق، خپلواکی و مساوات په‌رسمیت وپیژنی . نه ۱۹۲۱ کال کی هوچی مین داستعمارځپلو خلکو دسازمان په جوړیدو کې ګډون وکړ اوپه ۱۹۲۲ کال کی یې (دفرانسی پیوزلو) نومی جریدی په خپرولو لاس پـوری کړ اود ۱۹۲۳ کال دجون په میاشت دنړی لومړی سوسیالیستی هیواد یعني شوروی اتحاد ته ولاړاو دمارکسیزم ، لنینزم مطالعې ته یې دوام ورکړ اوپه کمونیستی انترناسیونال کی هم ګډون وکړ اوپه هماغه کال کی دبزګرانو دانترناسیونال دمشر په توګه وټاکل شو . په ۱۹۲۵ کال کی یې دویتنام دځوانانو‌دانقلابی سازمان منځ ته راوست چې چې ددغه‌سازمان محور کمونیستان وو .

هوچی مین پر ته له دې چې دستړیا احساس وکړی دیو ستر مبارز په څیر دخپلواکی او آزادی په‌لاره‌کی دخپل ملت لارښوونه وکړه، اوخپل عمریې په ټری کی او په لیره بیـا دآسیا دجنوب ختیځې سیمې دسولی اوعدالت په لاره کی وقف کړ.

هوچی مین ډیروروالوپه بناثت سره غږیده اودخپل غږیدا او لهجې سره یې مخاطب تر زیاتې اغیزی لاندی راوسته . هوچی مین ته حتی دخپلو مخالفانو له خوا هم احترام کیده هغه په هندوچین اوپه ټری کی دملی خپلواکی غوښتنی ، دانقلابی افکار اوروش دلارښود په توله اوهمدا راز دیو انقلابی اوسیاستمـدار په توګه په هندوچین او دنړی په نورو سیمو کي نوموتی و . هوچی مین دلومړی ځـل لپاره د ۱۹٤٥ بحرانی کال کی دیوی مهمی دندی خاوند شو او دهماغه کال د آګست په‌میاشت کی دخپل هیواد دموقت حکـومت دمشر په‌توګه وټاکل شواو دسپتامبر په‌نوهمه نیټه یې دویتنام دموکراتیک جمهوریت اعلام کړ. د ۱۹٤٦کال دمارچ په میاشت هوچی‌مین دملی اسامبلی ته لومړی جلسه کی دویتنام دلومړی جمهور رئیس په توګه وټاکل شو او د۲۵ کلونوپه اوږدو کی یعنی دعمر تروروستی شیبی پوری په دغه مقام کی پاته شو . اوپه عین حال کی هوچی مین دویتنام دکارګری ګوند رئیس هم و . دغه ګوند په ۱۹۱۵کال کی دهوچی مین له خوا تاسیس شوی و . هوچی مین ډیر اوږده کلونه دخپل هیواد دملی خپلواکی دنهضت لارښوونه په شـایه درلوده اوپه عین وخت کـــی یې له نړیوالو انقلابی جنبشونو او غورځنګونو سره یې دخپل هیواد دخپلواکی او انقلابی غورځنګ اړیکی ټینګولی .

د۱۹٤٥ کال دآګست انقلاب چې‌دفرانسوی یرغلګرو په وړاندی دنیو کلونو مقاومت نتیجه وه بریالی شو، ددغو سختو کلونو په‌اوږدو کی‌هوچی‌مین دسوسیالیزم او دمقاومتی جګـړه له پاره خپل خلک رهبری کړه .

په ۱۹٦٦ کال کی کله چې دهانوی پاسه دامریکایی الوتکو بمونه دلومړی ځل لپاره ولویدل ، هوچی مین دخپل ملت په عنوان یو پیام خپور کړچی وروسته بیا همدغه پیام د ویتنام دخلکو دمبارزی دپروګرام په توګـــه ومنل شو . دهمدغه کال دجولایی په ۱۷نیټه دویتنام غږ رادیو دویتنام ملی سرود خپور کړ او وروسته هوچی مین خپلو هیوادوالو ته په خطاب کـــی داسی وویل : «ګـــرانو او جنګیالیو وطنوالو! موږ غوښتلی یو ځکه چې زموږ دریځ دحق او عدالت پر ستنوولاړدی ، زموږ خلک په شمال او جنوب‌کی سره یوموټی او متحد دی، ځکه چې موږ دپرله پسی‌مبارزی عنعنات لرو، ځکه‌چې موږ‌دنورو‌لوسوسیالیستی هیوادونو او دنړی دمترقی خلکو همدردی او همکاری له ځانه سره لرو، موږ به بریالی‌شو، هو، بریالی کیږو »؛ اوهماغه وچی دامریکې دوخت جمهور رئیس په ۱۹٦۸ کـــال کی دشمالی ویتنام دبمباریو دبندولو امر صادر کړ اوله دموکراتیک ویتنام سره یې جګړه بنده کړه . دادهوچی مین زعامت وچـــی دویتنام خلک یې دوروستی بری ترپولی پوری ورسول. دویتنام اتل خلک په ډیره‌مینه سره چمتوکیدل چې د ۱۹۷۰ کال دمی په ۱۹ نیټـه دستر هوچی مین دزیږیدنې د اتیایمی کالیزی جشن ونیسی خوله بده مرغه دغه لوړوتی انقلابی د۱۹٦۹ کال دسپتامبر په میاشت کې مړشو. هوچی مین اوستی لمل ته یوپیام لـــری : «داستقلال او خپلواکی څخه هیڅ شی ګـران اوپه‌زړه پوری ندی ...» اوس، اوس دهوچمین نوم ټولو خلکوته دملی استقلال، دسوسیالیزم اوخپلواکی دلاری دنمونې په څیر برېښی .

دافغانستان خلک ددغه نامتو مبارز اوانقلابی شخصیت دزیږیدنی لویمه کـــالیزه دویتنام ورونو خلکوته مبارکی وایی او دغه ورځ په درنښت سره نمانځی دا ځکه چې‌اوس او س زموږ خلک هم دخپل هیواد دسمسورولو او د خپل ملی خپلواکی اوارضی تمامیت دټینګولو په لاره کی لګیادی مبارزه کوی او هماغـه ټری خوړونکی امپریالیزم چې پنځلس کاله‌یې دویتنام اتل خلک و خپل زموږ دهیواد په بولو کی دلویی غوښتونکی شوونیزم اونوروسرتجعو قوتونوپه مرسته او ګډون زموږ هیواد‌تر‌ګوابی لاندی نیولی خو موږ هم په ثابته سره وایو: هماغسې چې دویتنام اتل خلک په میړانه خپل غلیمان ونګـــولی اوله خپل هیواد څخه یې وشړل موږ هم به ډیر زربریالی شو چې ددغو دلړی دخلکو قسم خوړونکی غلیمان لاسونه دخپل خواږه او مقدس ټاټوبی څخه لنډ کړو او دسمسور او بسیا افغانستان دجوړولو او د خپلو خلکو دنیکمرغی‌مزلو نه یودبل پسی‌ووهو

ویاړدی وی په اتل هوچی مین داناتل‌ویتنام دانلوخلکو ستر لارښود .

ویاړ دی وی دلړی پر مترقی او انقلابـــی غورځنګونو .

ویاړدی وی دافغانستان پراتلو خلکو .

وړاندی دیو آباد، خپلـــواک او سمسور افغانستان دجوړولوپه لپاره کی .

اعلامیه حکومت ج، د، ایکبار دیگر ثابت می کند که:

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشور هاست

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی وصلح بین همه مردمان و کشور های گیتی علاقمند بوده واست همانطوریکه می دانیم زمانی افغانستان محل عبور کاروان های طویل تجارتی که در تاریخ بنام راه ابریشم نامیده شده است، بود ومردمان سایر کشور هااین کشور را بحیث یك کشور دوست شناخته وبااطمینان کامل به این کشور رفت وآمد نموده وهکذا در نتیجه‌ی این رفت وآمد ها علایق نزدیك ودوستانه بین مردمان افغانستان وسایر کشور ها بخصوص کشور های همجوار قایم می‌شد. ولی با تاسف باید اظهار داشت که در گذشته ها چون حکومات ارتجاعی وفئودالی نمایند گان واقعی مردم ما نبودند وتنها از طبقات حاکمه‌ی ارتجاعی وقت نمایندگی می کردند نمی‌توانستند ونمی خواستند روحیه‌ی صلح جویانه وحسن نیت مردم مارا در قبال مردمان وکشور های جهان انعکاس دهند از همینرو دولت های ارتجاعی سابق بهیچ صورت سیاست صادقانه وواقعی را پیش نمی بردند بلکه سیاست تزو- یروریا و تامین کنندهٔ منافع خود و متحدین بین المللی خود را پیش می‌بردند .

مردم افغانستان درطول تاریخ برای اولین بار موفق شدند تا با به پیروزی رسیدن انقلاب زنجیر شکن ثور حکومتی را بمیان بیاورند که واقعاً از خود آنها ، نماینده‌ی خود شان وانعکاس دهنده‌ی آرمان ها واحساسات خود شان باشد . آری دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان که با پیروزی انقلاب ثور تشکیل گردید در تاریخ اولین دولت واقعاً ملی وواقعاً مردمی درافغانستان‌میباشد.واما باتاسف باید گفت که چون‌اتخاذچنین‌سیاستی مخالف منافع‌امپر- یالیزم وارتجاع بودبعد از چندی‌نسبت به‌دولت هاو دسیسه های ارتجاعی وامپریالیستی این سیاست به بیراهه رفت وحفیظالله امین این جاسوس خائن و سفاك نه تنها نمی توانست و نمی خواست مطابق خواست مردم ما عمل نماید لذا برخلاف اراده‌ی مردم‌دولت افغانستان را چه‌در ساحه‌ی سیاست داخلی‌وچه درعرصه سایست بین المللی به گمراهی کشانیدبطور مثال موضع گیری امین جاسوس در قبال انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی وضد سلطنتی مردم ایران عیناً مطابق خواست امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا بود این اجنت سی ، آی ، ای خیره سرانه وبیشرمانه از سیاست امپریالیزم در برابر مردم ایران‌پیروی می‌نمود . ولی چون امین وباند فساد پیشه‌اش خلاف روند تاریخ وخلاف خواست مردم عمل می کرد بسیار زود طوفان خشم مردم اورا از ریشه برکند ونا بود ساخت ، آری مردم افغانستان به پایمردی اردوی رهایی بخش‌خود وبه ابتکار ورهبری زعامت انقلابی حزب ودولت مترقی توسط قیام پیروز مندانه‌ی ششم جدی ۱۳۵۸ یکبار دیگر در عمل ثابت کردند که خواست واراده‌ی شان محور واساس تحول و عمل است وهر آنکسی که بناحق بر سریر قدرت واراده‌ی شان تکیه بزند بزیر می‌افگنند ونابودش می کنند . زعامت مرحله‌ی نوین وتکاملی انقلاب ثور دوباره افغانستان انقلابی رابه راه اصلی و صراط المستقیم‌سوق دادند. چنانچه ببرك کارمل طی بیانیه‌ی ملی وتاریخی شام ششم جدی ۵۸ خویش ضمن ارائه خطمشی سیاسی دولت در ساحه‌ی سیاست خارجی منجمله فرمودند :

« ... دولت افغانستان در حالیکه انقلابی ملی واسلامی ضد امپریالیستی وضد سلطنتی توده های عظیم خلق های برادر ایران را شاد باش می‌گوید، ابتکار نزدیکی وتحکیم‌دوستی میان دوکشور دوست را که رشته های‌مشترك تاریخی بهم بسته دارند ودر ماهیت امر کوچکترین اختلافی در بین نیست ، در دست خواهد گرفت ...» هم چنان درین بیانیه‌موضع سیاسی وهمسایگی نیك افغانستان انقلابی در قبال کشور همسایه‌ی ما پاکستان باحسن نیت فراون چنین ابراز شده است :«ملل افغانستان وپاکستان باهم رشته های جدا ناپذیر برادری دارند . دولت افغانستان از طریق مذکرات دوستانه با زمامداران مسوول پاکستان ، در راه رفع هر گونه اختلافات وسوء تفاهمات ، صادقانه وبرادرانه سعی و تلاش خواهد کرد ...» .

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج‌ماه می‌گذرد جمهوری دموکراتیك افغانستان بادید عینی وحوصله‌ی فراخ منتظر عمل باالمثل و دوستانه بودولی بکمال تاسف‌باید اظهارداشت که این حسن نیت دولت وحکومت ما بارویه‌ی غیر دوستانه‌ونا عاقبت‌اندیشانه‌ی محافل‌حاکمه‌ی پاکستان مواجه گشت وآن‌دولت نه تنها در برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن نیت نشان نداد بلکه خاك پاکستان را محل تربیه ومسلح نمودن عناصر ارتجاعی وشرور ساخت وپیاده کننده‌ی نقشه های سوء امپر- یالیزم ، شوینیزم وصهیونیزم در قبال‌افغانستان مردم افغانستان وانقلاب ملی ودمو کراتیك‌ثور گردید وبا این اعمال خود صلح منطقه رابا خطر جدی مواجه ساخت . از جانب دیگر در عرصه‌ی تبلیغات نیزسرو صداهای پروپاگندی ودروغین فراوانی رابراه انداخت. امپریالیزم امریکا وعظمت طلبان مرتد چینی وسادات و بیگین وغیره توام باین رویه‌ی خصمانه از هیچ نوع توطئه ودسیسه وتبلیغ رو گردان نشدند . حوادث سوم حوت در شهر کابل، دست گیری جاسوس مصری بنام ضیاالدین محمود که از طریق پاکستان در وطن ما داخل وفعالیت جاسوسی می‌نمود وچندین سند انکار ناپذیر دیگر همه وهمه نمایانگر موضع گیری خصمانه وموقف تجاوز کارانه‌ی زمامداران پاکستان ، امریکا ، چین وسایر کشور های ارتجاعی امپریالیستی وتجاوز گر می‌باشد . این محافل در تبلیغات دروغین خود اولامسئله اسلام وبخطر بودن !؟ اسلام در افغانستان را طرح اوتبلیغ می کند ، ثانیاً آنها کمك های متعدد مادی ومعنوی کشور دوست وبرادر افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص کمك‌نظامی اعزام دسته های محدود نظامی‌آن کشور را که به اراده وخواست خود مردم افغانستان وبرای طرد تجاوز بیگانه بخصوص از خاك پاکستان وبه اساس معاهده‌ی دسمبر ۱۹۷۸ صورت گرفته است ، قلب جلوه داده وآنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان قلمداد می کنند وبالاخره بسیار بیشرمانه تبلیغ صورت می گرفت وصورت می گیرد که گویا افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده است . این تبلیغات وتحریکات وروغ پراگنی ها بحدی وسیع ولحام گسیخته صورت گرفت که دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان یکبار دیگر جهت برملا شدن واقعیت بتاریخ ۲۴ ثور ضمن نشر اعلامیه‌ی موضع اصولی ، صلح خواهانه وواقع بینانه‌ی‌مردم افغانستان را توضیح نمود . یعنی همانطوریکه مابارها گفته ایم ارتش محدودیکه بنا بدرخواست مردم وحکومت قانونی افغانستان به کشور ما آمده برای تجاوز واشغال نی بلکه برای یاری رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع وطرد تجاوزات ارتجاع منطقه ، ارتجاع امپریالیستی وارتجاع شوونیستی صورت گر فته است وهر زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت موجودیت این قوا نیز از بین می رود . ثانی اینکه اسلام برای اولین بار در افغانستان بشکل واقعی وراستین آن ساحه‌ی فعالیت‌یافته است ودولت وزعامت انقلابی مابار ها طی اعلامیه ها با بیانیه ها وبالخصوص در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان که می‌توان آنرا قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیك افغانستان نامید مؤکداً طر فداری دفاع واحترام بدین اسلام ومناسك مذهبی ، اظهار شده است . چنانچه در ماده (۵)اصول اساسی ج ، د ، ا چنین گفته شده است : «در جمهوری دمو کراتیك افغانستان احترام ، رعایت وحفظ دین مبین اسلام تامین می شود وآزادی اجرای مراسم مذهبی ودینی برای تمام مسلمانان تضمین می‌گردد ...» .

لذا آن همه چرندیات ودروغ پردازی‌هاییکه از طرف محافل ارتجاعی وامپر یالیستی جهانی علیه مردم وانقلاب مردم افغانستان می شود همه وهمه بسبب برباد شدن منافع ومواضع آنها در کشور ما می باشد . حزب و دولت وحکومت انقلابی ، برای اینکه یکبار دیگر موضع اصولی ، صلح جویانه وصادقانه‌ی خود را برای ایجاد تفاهم وارائه سیا ست عدم مداخله درامورداخلی کشورهای‌دیگر وخواهان بودن دوستی وحسن‌هم جواری باکشور های همسایه اعلام‌میدارد حکومت‌ومردم‌افغانستان‌بابه پیروزی رسانیدن انقلاب ملی ودمو کراتیك ضد امپریالیستی ، ضد فئودالی وضد کمپراد وری یعنی انقلاب ثور تصمیم راسخ ، قاطع وخلل ناپذیر دارند که‌به پیش بسوی آ رمان های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و

بقیه درصفحه ۲۳

نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه تازه کشور

نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» در هشت صفحه به قطع روزنامه از نشر برآمد این نشریه تازه که حیثیت ارگان مرکزی وزارت دفاع کشور ما را دارا بوده و عهده دار پخش و گسترش آگاهی و دانش در میان سربازان، افسران و کارکنان امور نظامی کشور میباشد بدون شک باجهت گیری مثبت و فعال نشراتی خود بعد از این موقف پرخواننده ترین روزنامه کشور را در میان سربازان و افسران وهمه دست اندرکاران امور نظامی ودفاعی کشور خواهد داشت.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان - رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان با توجهی که به نقش سازنده مطبوعات در این مقطع خاصی تاریخ پرشکوه کشور ما دارند، در پیامی عنوانی این نشریه که در صفحه اول آن به نشر رسیده است خاطر نشان می سازند که:

«... قبل از پیروزی انقلاب ثور - درزمان زمامداری رژیم های فاسد فیودالی سخنی از روزنامه نظامی در میان نبود، زیرا هیات های حاکمه ی وقت از نقش چنین ارگان نشراتی در امر بسیج و روشنگری سیاسی در میان نظامیان در هراس بودند، آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی در میان توده های سرباز و افسر می ترسیدند ...»

ببرک کارمل بعد از تحلیل اوضاعی که در مجموع خود موجب پیروزی انقلاب ثور در کشور ما گردید در مورد رسالتی که این نشریه باید آنرا به عنوان منشی نشراتی خود بپذیرد چنین تاکید می کنند:

«... روزنامه «حقیقت سرباز» باید بازتاب صادق حقیقت پیروزی انقلاب ثور در برابر ضد انقلاب باشد.

روزنامه باید در راه تطبیق نظریات انقلابی، حفظ دست آورد های انقلاب ثور، فراخوانی مردم در راه ساختمان افغانستان نوین، آباد، مرفه، مترقی و سربلند، تحکیم رشته های گسست ناپذیر عینی بین توده های ملیونی مردم زحمت کش و اردوی قهرمان ما نقش شایسته خود را ایفا نماید.

انقلاب وطن و مردم ما با دشمنان گوناگون ومحیل در نبرد اند، روزنامه «حقیقت سرباز» در امر افشای جنایت ها، تجاوزات، توطئه ها و دسایس امپریالیزم ودیگر دشمنان مردم ما بر علیه منافع حیاتی ملی خلق ما، در امر انعکاس وقف وفداکاری، دلیری و قهرمانی های افسران سربازان و خرد ضابطان اردوی آزادی بخش ما که در سنگر دفاع از انقلاب، وطن ومردم مردانه می رزمند ودر امر تقویت روحیه‌ی شریفانه وفاداری بوطن، مردم وانقلاب نقش بس عظیمی را باید ایفا نماید.

روزنامه «حقیقت سرباز» باید بازبان بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود، آموزگار، رفیق ویار ویاور خوبی برای سربازان و افسران قوای مسلح ملی ما باشد...»

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی با نگارشی زیر عنوان «از میهن انقلابی تان دفاع کنید» با تحلیلی همه جانبه از اوضاع و شرایط کنونی انقلاب در برابر باندهای خراب کار و ضد انقلاب موجودیت قطعات محدود کشور دوست ما اتحاد شوروی را به خاطر جلوگیری ازنفوذ امپریالیزم خونین در کشور ما امری ضروری میداند ودر این مورد چنین می نگارد:

«... قوماندانان، کارکنان سیاسی وفعالین سازمان های جوانان و فعالین حزبی باید به افسران، خرد ضابطان وسربازان معاونت های سیاسی، معنوی، اقتصادی و نظامی اتحاد جماهیر شوروی را به میهن ما تشریح و توضیح نموده در تربیت همه جانبه پرسونل مربوط با روحیه دوستی وبرادری با عساکر قوای مسلح شوروی بکوشند.

عساکر ما مکلف اند به صورت خستگی ناپذیر امور عسکری را از رفقای شوروی خویش فراگیرند واز تجارب ارزنده شان استفاده ببرند، دروسی که در کوه‌ها و صحرا ها، پولیگون ها میدان های انداخت ومیدان های دربوری تانك ها پیش برده میشود باید با مهارت و توانایی قابل ملاحظه ای توام باشد ...»

«دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دملی آزادی بخښونکی اردو د لارښود په توګه» عنوان مضمون با ارزش دیگری است پیرامون رهبری خردمندانه وعلمی واصولی حزب از اردو که برید جنرال گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوریت دموکراتیك افغانستان آنرا به نگارش آورده است.

«صحبتی با خوانندگان» عنوان مقاله «حقیقت سرباز» است که در بخشی از آن می نگارد:

«... نشر جریده «حقیقت سرباز» ارگان مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان جرخشی است از تاریکی به‌سوی روشنایی.

نظامیان میهن با عظمت ما که درمکاتب عسکری، در قشله ها، در پوهنځی ها و پوهنتون و در هیچ جایی اجازه مطالعه حتی یك صفحه یك کتاب، یك داستان و یا پارچه شعری را نداشتند، اکنون جریده ای دارند که حداکثر نیازمندی های خود را توسط آن رفع خواهند کرد ...»

«زموږ ملی اودولتی بیرغ ددرندو مراسمو په ترڅ کی او چت کړی شو»

«نو مین سال انقلاب شکوهمند ثور»

«بیا هم په هوا کی» «رمز پیروزی»

«دثور پر تمین انقلاب په پلو شو کی سیاسی درنده ی دندی» «سربازان واقعی وطن پرست موضع شانرا ترك نمی گویند» در کنار ماشین محاربوی «آنها که همیشه زنده اند» «ماراه پیروزی را دریافته ایم» «زنان مبارز» «دیو قهرمان پیلوت پیغام» «نو سله وال پوځ ښو و نه او روزنه په پراختیا یی پراوکی» «خاطرات تلخ وشیرین» «دثور دپرتمین انقلاب په رڼا کی به زموږ دافسرانو او سربازانو هوساو نیکمرغه ژوند به برخه شی» «جبه دموکراتیك ملی» و صایای امیر امان الله وولادیمیر ایلیچ لنین تحکیم میابد» «بازدید دوستانه» «شوروی اتحاد دافغانستان وفادار ملگری» شعری زیر عنوان «به لنین» «اطلاعات، وقایع، حوادث در جهان، پهناور»

«رویداد های مهم کشور های مترقی» «درقلمروفرهنگ‌وهنر» «مسابقات المپیك ۱۹۸۰» و «اهمیت سواد» عناوین دیگری است که‌در نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» به چشم می خورد و نشان میدهد که گردانندگان این روزنامه نه تنها کوشیده اند در مشی نشراتی این نشریه با ارزش به آگاهی رسانی در زمینه های مسلکی و پهلو های سیاسی واجتماعی اولیت هارا در نظر بگیرند - بلکه با گرد آوری های جالبی که در بخش های فرهنگ و هنر، ورزش، خاطره نویسی به بیوگرافی وموضوعات اطلاعاتی و خبری دارند هیچ گونه توقع خوانندهٔ مشکل پسند را ازیك روزنامه خبری و آموزشی از یاد نبرده اند تا آنجا که اگر شماره های این نشریه کلکسیون شود خواننده دراخیر سال در واقع صاحب دایرت المعارفی شده است که ارزش نگهداری درکتابخانه ها را دارا میباشد.

نشر نشریه «حقیقت سرباز» را که‌به زودی حیثیت روزنامه را خواهد یافت به وزارت دفاع ملی -به همه روشنفکران جامعه به سربازان و افسران اردوی قهرمان افغانستان و خوانندگان و علاقمندان آن وکارکنان باذوق آن صمیمانه شادباش میگوییم و آرزو داریم این روزنامه‌وزین در رساندن پیام های انقلاب و اهداف والای آن هر روز پیروزتر از روز پیش باشد.

بقیه درصفحه ۱۹

۱۳۵۹
سه‌شنبه
۱۶
ثور
شماره دوم سال اول

حقیقت سرباز

ارگان مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان

بگذار «حقیقت سرباز» مظهر ظفرمندی نجیبانه سربازان و افسران دلیر ما باشد. «ببرک کارمل»

دثور دژغورنده انقلاب دوهمه کالیزه په شاندارو مراسمو سره و نمانځل شوه

دثور په اومه نیټه د کابل په شارکی په داسی حال کی چی دخلکو د دموکراتیک گوند عمومی منشی دانقلابی شورا رئیس او صدراعظم په مخصوص لوز کی تشریف درلوک نظامی ټولګی په خاص برم سره د ملی دفاع وزیر برید جنرال محمد رفیع له خوا معاینه شول. دوسله وال بوځ د افسرانو، وړو ضابطانو او سربازانو له ستر گو څخه د غیرت پلوشی خپریدلی او په ټینګ نظم او دسپلین سره به بیساری توګه په منظمو لیکو کی ولاړ وو. له معاینی وروسته د ملی دفاع وزیر یوه انقلابی ویناهم ایراد کړه. نظامی پریډ د مرکزی قول اردو د قوماندان په قوماندهٔ پیل شو. لومړی د عالی کورس افسران ورپسی حربی پوهنتون، هوایی پوهنتون د تخنیک او خارندوی اکادمی او حربی شوونځی. مخصلین او زده کوونکی په خورا منظم او دسپلین سره تیر شول.

له هغه وروسته پراشوتی قواوو، دژغورو قواوو، طوپچی قوتونو او د راکټ د قواوو پریډ اجرا شو. د کابل به شنه آسمان کی دول دول الوتکو هم په دی پریډ کی برخه واخیستله. له نظامی پریډ وروسته گوندی پولیټیز سازمانونه هم په خورا خوشحالی او دیووالی د احساساتو په څرګندولو سره د مخصوص لوز ترمخ تیر شول او د خپل احترام مراتب یې د خلکو دگوند عمومی منشی دانقلابی شورا رئیس او صدراعظم نه وړاندی کړل.

ببرک کارمل

کارتهای افسرانی را که به رتبه جنرالی ترفیع کرده‌اند توزیع نمود.

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ببرک کارمل که بعد از توزیع کارتهای ترفیع یک عده افسران قهرمان با آنها یکجا دیده میشود.

اول می روز همبستگی کارگران در سراسر کشور تجلیل گردید

[illegible]

پیام شاد باش قوای مسلح بمناسبت اول می روز همبستگی زحمتکشان جهان به کارگران افغانستان

که از طرف تورن جنرال عبدالقادر عضو کمیته مرکزی حزب، عضو هیات رئیسه شورای انقلابی و مسوول کمیسیون دفاعی و عدلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرائت گردید:

کارگران زحمتکش و مبارز وطن!

[illegible]

بقیه به ص (۲)

دثور د پرتمین انقلاب د دوهمی کالیزی له امله د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د ملی دفاع د وزیر جنرال محمد رفیع د ویناستن

[illegible]

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی در کنفرانس تیوریکی - نظامی که در قرارگاه وزارت دفاع ملی برگزار شد اشتراک ورزید

[illegible]

بقیه به ص (۲)

دثور د پرتمین انقلاب د دوهمی کالیزی له امله د کابل په شارکی درسم گشت د مراسمو یوه څنډه

وزیر صحت‌عامه درحالیکه تصادیق‌شاگردان‌نرس قابلگی راتوزیع میکند

وزیر صحت عامه میگوید :

از پنج تاده‌سال دیگر تعمیم صحت در کشور عملی میگردد

تبلیغات و تعلیما ت صحی در سا ل ۱۳۵۹ تو سعه نموده تا با وسایل ومیتود ها ی جدید تبلیغ و تعلیم صحی راگسترش دهدودر سا ل ها ی آینده به دیگر ولایات کشور نیز وا حد ها ی تعلیما ت صحی‌تاسیس خواهد شد وهم درکنترول امراض سا ری که یك جزء اپید یمیا لو ژی میبا شد از قبیل اسهالات مو سمی دیفتری ترا خم امرا ض مقا ربتی تو بر کلوز گا م ها ی وسیع بر داشته شده و امسا ل جهت‌رفع نقیصه به کم آبی اطفال جهت هایدرشن اطفا ل‌شهر کا بل و تما م ولایات مراکزی تا سیس گر دید ه تا اطفال مصا ب به‌کم آبی اسها لات توام دار تو سط پا کت های‌مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان در قسمت صحی سا ختن فابر یکا ت- شهر ها و منا زل پرو گرام های در دست اجرا است که در سا ل جاری به فعا لیت آغاز می نما ید به این تر تیب در قسمت عرضه مواد غذائی سا لم بعد از معاینه و کنترو ل اقدامات میشود و در زمینه پلان ها ی ساخته شده عملی میگر دد .

-کلنیك ها ی مجانی با اینکه درخدمت مردم قرار دارد اما نقش اقتصادی قو ی‌ندارد به این دلیل که بیما ری که مجبور ا ست به خا طر معا لجه و خرید دوا پول‌هنگفتی را بپر دازد پر داخت فیس دو کتور برا یش زیاد مشکل نیست - از این گذ شته اعتراض ها هم چنا ن بلند است که دو کتو را ن با آن د قتی که‌مریضان را در معا ینه خا نه ها ی شخصی خود می بینند درکلنیك ها ی مجانی مورد معا ینه قرار نمید هند- چگونه میتوانیم نقش این کلینیك هارا مو ثر تر بسا زیم شما نباید انتظار داشته باشید همه ی امور و از جمله امر مهم ملی شدن طبا بت که بصورت تد ریجی به عمل پیاده میگردد یکباره یی حل شود- این در ست است که تا اندازه انتقاد شما بجا میبا شد . اما مادر قدم نخست کیفیت‌موضوع را بیشتر از کمیت آن در نظر داریم . به این مفهو م که ایجاد رو حیه طبا بت در خد مت مرد م قرار گر فتن است که دراین مر حله ارزش‌وا فردارد . اینکه بعضی از دو کتو را ن در کلنیك ها ی مجا نی‌بیماران را در ست مورد معا ینه قرار نمید هند - ما تا کنو ن با چنین انتقا دا تی به وسیله مر یض دارا ن موا جه نشده ایم واگر بشوریم .

آنرا زیر تعقیب اصو لی قرار مید هیم- واگربشوریم‌آنرا زیرتعقیب‌اصولی قرارمیدهیم از طرف دیگر شما نقش اقتصادی این کلینیك هاو را زیاد مو ثر نمیدا نید -چرا مو ضو ع را به این شکل طرح می کنید ؟ چرا نمی خواهید قبول کنید که در اقتصاد ور شکسته مردم ما بیش از ده تا بیست با رارزان شد ن ادویه و مجانی بود ن معاینه بی تا ثیر نمیبا شد ؟ وا ستقبا ل‌گرم مردم از این کلینیك ها خود گواه راستین ادعای مامیباشد.

میگو یید مرد م شکا یت دارند وا ین شکا یت در مورد بی تو جهی دو کتوران در معا ینه مر یضا ن است شا یدعده بی چنین با شند - اما شما بنو سید که شکا یا ت خود را با ما مطرح کنند تا به آن رسید گی گر دد در غیر آن ما چگونه بتوا نیم به حقا نیت گفته ها ی این‌شاکیان اطمینا ن پیدا کنیم ؟

-کار تکمیل پروژه ها ی شفا خا نه‌های منطقوی به‌کجا انجا میده است با تو جه‌به ارزش که این شفاخانه ها مخصو صا در شرا یط کنو نی در معا لجه بیما را ن ولایات دارند وزارت صحت عا مه چه نجا ویزی را برا ی تکمیل آن گر فته است ؟

-چون شفا خا نه ها ی فعلی در ولا یات نمیتوانست بصورت صحیح جوابگو یی نیاز مند یهای مردم گر دد، و نا گزیر مجبور بودند برا ی تداوی خو یش به شفاخانه های مراکز مراجعه نمایند وزارت صحت عا مه دو لت جمهوری دمو کرا تیك افغانستا ن با پیروی از خطوط اسا سی کشور برای جلو گیری از ترا کم مرا جعین در شفا خا نه ها ی مرکز و عدم سر گردانی مردم تصمیم گر فت درپنج ولایت کشو ر شفا خا نه های حوزوی بظر فیت ۲۰۰ الی ۲۵۰ بستر اعمار نماید.

با اعما ر این شفاخانه ها نه تنها خدمات صحی به پیمانه و سیعتر و خو بتر بمردم صورت خواهد گر فت بلکه بحیث یك مرکز ریسر چ و تر یننگ فعا لیت‌نموده‌و در سا حا ت مختلف از آنها استفاده خواهد آمد .

شفا خانه - حوزهٔ کند هار- در اواخرسال ۱۳۵۷ بظر فیت ۲۵۰ بستر تکمیل وافتتا ح وشروع به فعالیت نموده است از این‌شفاخانه بر علاوه اها لی ولایت کند هار مرد ما ن ولایت ارز گا ن هلمند - نیمروز و زا بل استفاده مینما یند .

شفا خا نه حوزوی هرات :

کار سا ختما نی شفا خا نه مذ کور بظر فیت ۲۰۰ بستر درسال ۱۳۵۵ ذریعه دستگا ه سا ختما نی بنا نی شرو ع‌وا لی اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشر فت نموده‌است‌امیدمیرود در اوا خر سال۱۳۶۰ کار سا ختما نی آن خا تمه‌و آماده بهره بر داری گر دد .

از این شفاخانه بر علاوه اها لی ولا یت هرا ت مردمان ولایات فراه یا دغیس وغور استفاده می نما یند .

شفا خا نه جلال‌اباد -

کار سا ختما نی شفاخانه مذ کور بظرفیت ۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۱ ذریعه دستگاه سا ختما نی بنا نی آغاز گردید ه ا مور

یکی از راه های حمایه طفل ومادر توزیع‌مواد به مادران حامله است.

نمایی ازگرسنگی وبی غذایی کودکانی که‌به سوء تغذی‌مصاب‌بوده اکثرامحکوم‌به‌مرگ‌بودند

سا ختما نی مر حله اول آن خا تمه یا فته‌و سا ختما ن مر حله دوم آن الی اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (٦٠) فیصد پیشر فت نموده است .

تا گفته نباید گذاشت که کار ساختمانی شفا خا نه مذ کور در اواخر سا ل ۱۳۵۹ تکمیل خوا هد گردید . از شفا خا نه‌مذکور بر علاوه اهالی ولایت ننگر هار مردمان‌ولایات لغمان و کنر ها استفاده بعمل خوا هند آورد .

شفاخانه حوزوی مزار شریف :

نقشه ها وزمین شفاخانه مذکور آ ماده گردید ه قرار داد سا ختما نی آن‌بادستگاه سا ختما نی بنا نی عقد شده است قرار بود کار سا ختما نی آن در سا ل ۱۳۵۹ـ آغاز یابد لیکن بنا بر عدم موجو د یت وجوه کمك از جانب دولت عربستان سعودی شروع کا ر شفا خا نه مذکور معطل قرار داده شد از شفاخانه مذکور بر علاوه اها لی ولا یت بلخ و لایات جوز جان فا ریاب وسمنگان استفاده خواهند نمود .

شفا خانه حوزوی کندز :

این شفاخانه بظر فیت ۲۰۰ بستر به کمك دو لت دو ست اتحاد شوروی درولایت کند ز اعما ر میگر دد اسناد تخنیکی آ ن تکمیل و پرو تو کول تهیه نقشه های مهند سی آن با مقا مات اتحاد شو رو ی امضا ء گردیده و قرار است طی ۱٤ ماه آینده بد ستر س مقا ما ت افغانی گذاشته شود .

کار سا ختمانی آن در اوایل سال ۱۳٦۰ آغاز خو ا هد یافت از شفاخانه مذکور بر علاوه اها لی و لایت کندز مردمان ولایات بد خشا ن بغلان، و تخار استفاده مینما یند .

ـکمبود نر س قا بله مخصو صا دردعات که اکثر تو لدات بو سیله دایه ها ی غیر فنی صورت می گیرد عوا قب نا گوا ربیار می آورد برای رفع این معضله شما چه می کنید ؟

ـدر این مورد با ید بگو ئیم که جهت حل این معضله علاوه برا ینکه به تر بیه بیشتر معاو نین نر س قابله پر دا خته میشود وزارت صحت عا مه تحت پرو گرام مراقبتها ی او لیه صحی به تر بیه کارگران صحی انا ثیه ودایه ها ی محلی می پر دازد به اسا س این پرو گرا م تا فعلا بیش از ۷۰۰ نفر دایه ها ی محلی در ولسوالی های مختلفه مملکت تربیه گر دید ه وقرار است تاختم پروژه در تمام قرای کشور دایه های محلی تر بیه گردند . جهت عر ضه بهتر خد ما ت صحی اسا سی در مرا کز صحی اسا سی و مخصو صا خدمات جما یه طفل و مادر که از جهت کمبود معاو نین‌نرس قا بله از نظر کیفی و کمی نوا قص را در بر دارد دخترا ن با سواد و لسوا لی ها و علاقه داری ها ی‌کشور با تدریس نظر ی کوتاه مد ت تحت پرو گرا م تر بیه کارگران انا ثیه صحی تر بیه خوا هند گردید تا کمبود معاو ن نر س قا بله را در این مرا کز تکمیل نما ید .

ـدر افغانستا ن هیچ مو سسه و جودندارد که از حقو ق بیما ر در برابر بی تو جهی وبی مبا لاتی و یا احینا نا خیا نت‌دوکتوران و پر سو نل طب به بیما ر دفاع کند دو کتورا ن و پر سونل طب انجمن و یا اتحاد یه یی ندارند که از حقوق وامتیازت شان دفاع بتوا نند طب عدلی سا حه کار بسیار محدود دارد. به عقیده شما آیا ضرور نیست که اتحاد یه ها ی دو- کتو را ن برای دفاع‌ازحقوق‌صنفی‌شان‌و مراجع عدلی اختصاصی برای دفاع‌ازحق بیمار بوجود آید ؟

ـطب عد لی بصورت یك ریا ست‌مستقل به همین منظور تا سیس گردید ه و برای اینکه در آینده این ریا ست در زمینه موارد ی که شما ازآن یادکردید اقدام بتوا ند انکشا ف بیشتر خوا هد یا فت.

در مورد اینکه دو کتو را ن اتحاد به صنفی دا شته با شند تا کنو ن اقدا می نشده امادرنظر است که‌زیر نظر مشاوران خا رجی و با در نظر داشت اینکه این انجمن ها در کشور ها ی متر قی نحوه کا ر شان بر چه پایه هایی استوار است تا سیما تی از این قبیل را به وجود آوریم که دو کتو را ن خلاف کار در آن محاکمه شوند .

علاوه از آن با تو جه به اینکه موسسات مختلفی صحت عامه روبه تزاید بوده و قوا ی بشری مورد نیاز در حال رشد و انکشاف میبا شد وهم اینکه مو سسات‌مذکور از نگاه کیفیت علمی و مسلکی بررسی و موا ظبت شده بتوا نند وزارت صحت‌عامه روی همین اصل ریاست قوانین صحی‌و بر رسی را در داخل تشکیل‌مستقل درسا ل جاری روی کا ر اورده که البته ار گا ن مذکور حینکه قا نو ن صحت عا مه‌مفردات و لوایح وسایر ضمایم آن یکی پی دیگر طر ح ، تر تیب ، تجدید و مورد تطبیق قرار گیرد میتوا ند در برابر بی مبا لا تی ها ئیکه شما از آن متذ کر شده اید معا مله وبر خورد نما ید که خو شبختا نه این معمو ل ارزو میرودعنقریب بر آورده گر دد .

ـیکی از پروژه ها ی که بعد از پیروزی انقلاب در افغانستا ن در دست اجرا گرفته شد تبد یل سا ختن مرا کز معا لجو ی‌به مراکز تر بیوی و معا لجوی بود که با این اقدام تا حدودی جلو تا بسا ما نی ها ی کمبود متخصصا ن طب در سا حات مختلف گرفته می شد اکنو ن این پروژه در حه موقفی قرار دارد وبرا ی تو سعه بیشتر آن چه اقدا ما تی را در طرح و اجرا دارید ؟

ـدر رو غتو نها ی مر کز و انستیتو ت ها ی مر بو ط طب معا لجوی در پهلو ی عرضه خد ما ت معا لجوی خدمات لابراتواری وسایر خدمات متممهٔ معالجوی پرو گرام های تربیوی برا ی کنگوری پر سو نل مختلفه مورد نیاز نیز از پیشبرده میشود .

در رو غتو نها و مو سسا ت مذکور نظریه

بقیه در صفحه ٤٥

بافعالیت گسترده‌یی که‌درراه امحای چیچك‌صورت گرفت بالاخره‌این مرض ساری‌ازکشور مارخت‌بربست

رو کیانی په قلم

زموږ د دموکراتیک جمهوری دولت اساسی اصول په دموکراتیکو ارزښتونو ولاړدی

دثور دپر تمین انقلاب د نوی پړاو په بر یالیتوب سره زموږ زیار ایستو نکی ولس د خپل ټولنیز ژوندا نه په یو ه نوی تکا ملی مر حله کی قدم کیښود او پدی ډول سره د حفیظ الله امین دترور او وحشت دوره چی دیوی لنډی مودی له پاره یی زموږ په شر یفو او بی دفاع خلکو ظالمانه استبدادو چلاوه پای ته ورسیده ، او دثور دپر تمین انقلاب چی زموږ دزیار ایستونکو او خوار یکښنا نو له پاره دنوی ، هو سا او پتمن ژوند زیری ګڼل کیږی له ماتی او سر کوب څخه بچ کړی شو.

دکار ګری طبقی دایډ یالوژی د عاموقوا نینو له مخی پو هیږو چی دهر انقلاب د بر یا لیتوب له پا ره عینی او ذهنی شرایط لازم دی اودټولو انقلاب ونو اسا سی مسله دسیا سی واك تر لاسه کول دی . کله چی یو ګوند اود هغه رهبری په ټو لنه کی دانقلاب عینی شرا یطسم درك کړی او د هغه څخه داستفادی سره سیاسی واك تر لاسه کړی نو د انقلاب د بر یالیتوب او دوام له پاره وظیفه لری خو دخلکو پراخی پرګنی سیا ست ته جلب او په اجتما عی ، اقتصا دی بد لونو کی دهغوی مستقیم ګډون تا مین کړی. خو څر نګه چی غدا رحفیظالله امین یوازی په خو له د انقلاب ناری وهلی او په وا قعیت کی یی دامپر یا لیزم دیو وفا دار نو کر په صفت دجها نی امپر یا لیزم او داخلی ارتجاع په خوښه دخلکو او انقلاب دګټو په ضد عمل کاوه. نو په همدی دلیل سره ډیر ژر په هیواد کی دزیار ایستونکو پر ګنو دکرکی سبب وګرځید. اود خلکو په خو روورو پر ګنو کی زموږ اکثر وطنوا لو هغه ته په خپلی کر کی او نفرت سره ځواب ورکاوه .

خو له نیکه مر غه دثور انقلاب د نوی پړاو په رڼا کی دهیواد دټولو زیار کښو پر ګنو او متر قی قشرونو او اصنافو ته دازمینه برابره شوه چی دپلاروطنی پراخی ملی جبهی په شاو خوا راټول شی ، چی له یوی خواد خپل ګران هیواد اود ثور دپر تمین انقلاب دګټو څخه ددفا ع په سنګر کی اوله بلی خوا دخپل هیواد دآبادی په لاره کی په داو طلبا نه تو ګه پراخه برخه واخلی .

زموږ ددی خبری رښتینوا لی او واقعیت تر هر څه زیات دافغا نستان ددمو کراتیك جمهوریت په اساسی اصولو کی ډیرښه ثابت کیدای شی.

داځکه چی په دی اسا سی اصولو کی د هیواد دټو لو شر یفو او میړنیو خلکو ټولی مادی او معنوی اړتیاوی په نظر کی نیول شوی دی او ددوی دهیلو او آرزو گا نو سره سم تدوین او تصو یب شوی دی .

دغه اسا سی اصول زموږ دهیواد پالو خلکو دټو لنیز، سیا سی، اقتصا دی نظام دټینګښت اود هغوی په ورځنی ژوند نه کی ددوی دآزا دیو اسا سی حقو قو او همدا رنګه ددوی دمسو لیتو نو او وظیفو په ټاکنه کی عمده او اسا سی رول لو بوی.

ددی اسا سی اصو لو په تصو یب سره خود سری او سر کشی له منځه ځی او هیڅوك به دا حق ونه لری چی د خپلو شخصی ګټو و غرضونو څخه دافغا نی ټولنی دنورو غړو قانو نی حقوق او آزا دی تر پښو لاندی کړی او یادا چی ددوی سو کاله او آرام ژوند ته خطر پیښ کړی.

څرنګه چی زموږ زیار ایستونکی او میړ نی هیواد وال دثورپر تمین انقلاب له بر یا لیتوب څخه د مخه فیو ډا لی او ما قبل فیو ډا لی شرا یطو سخت خورو لی او کړو لی دی نو په دی لحاظ سره دافغانستان ددمو کرا تیك جمهور یت په اساسی اصو لو کی هڅه شوی ده چی دزیار ایستو نکو پر ګنو له پا ره دهر اړ خیزی ودی او دمو کراتیکو آزادیو پراخه زمینه برابره کړی . لکه څنګه چی دافغا نستان دخلك ددمو کراتیك ګوند دمر کزی کمیټی عمو می منشی او د افغا نستان ددمو کرا تیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس اوصدر اعظم ببر ك کار مل په خپل هغه رپوټ کی چی د حمل په پنځه ویشتمه نیټه یی دانقلا بی شورا فوق العا ده غو نډی ته دافغا نستان دد مو کرا تیك جمهور یت اساسی اصولو دتصویب پا منا سبت ورا ندی کړ په دی باب داسی اشا ره کړی ده :

«اساسی اصول زموږ په هیواد کی دملی دموکراتیك انقلاب دراتلونکی ودی او بشپړ تیا اود هغه دوروستی بری په برخه کی دافغا نستان دخلك ددمو کرا تیك ګو ند دسیا سی کړنلاری مستقیم ښکار ندوی دی او په هیواد کی د دمو کرا تیك ژو ند دعملی کولو اود خلکو ددمو کرا تیك دو لت دټینګو لو له پاره کلکی او ټینګی ستنی پیدا کوی .

داسا سی اصو لو تصو یب دافغا نستان دخلکو تر منځ پیو ستون د ټینګښت او زموږ د هیواد دسیاسی نظم دګډو ډ و لو د پاره دکور نیه اوبهر نیودښمنا نو د هلو ځلو دشنډ و لو په لاره کی یومهم ګ دی.

دټولودو لتی ار کا نو نو اوساز-
مانو نو فعالیت ، دورځیو قـوا-
نینو زیا توا لی او پرا ختیا ،دنو یو
حقو قی مو سسو جوړ یدل بـه د
اساسی اصو لو داحکا مو له مخی
وشی .«دافغا نستان ددمو کرا تیک
جمهوریت په اسا سی اصو لـو
کی دا اصل هم په ګو ته شوی دی چی
دافغا نستان په دمو کراتیک جمهو-
ریت کی دولتی قدرت دښار او کلی
په زیار کښیانو پوری اړه لری ، او
همدا رنګه دولت به هڅه وکړی چی
دخپلو هیواد والو دخدمت پـه لاره
کی ددوی دژوندا نه بیلو بیلـو
اړ خونو ته ددمو کراتیک نظام اوله
هغه څخه دزیږ نده‌اسا سا تو په رڼا
کی‌سا لمه وده ورکړی . ددی اسا-
سی اصولو په دوهمه ماده کی‌لیکل
شوی دی :

«دولت دخلکو دسو کالـی او
نیکمر غی له‌پاره خد مت کوی. د-
افرادو سوله ییز مصون اوسو کاله
ژوند او هر اړ خیزه وده اود هغوی‌د
حقوقو، ملکیت ، حیثیت، رسو مـو
اوملی عنعنا تو سا تنه تا مینوی . د
افغا نستان په دمو کرا تیک‌جمهور-
یت‌کی دولتی قدرت دښار او کلـی
په‌زیار کښا نو پو ری اړه لری اود
بشپړو دو لتی‌او سیمه ییزو ارګانو-
نـو له خوا چی په دمو کرا تیـک
ډول منځته راځی عمل کیږی.»

زموږ دمو کرا تیک جمهوری دو-
لت هغه‌څه چی په خو له وا یی په
عمل کی یی هم سرته رسـوی او
هیڅکله په دی عقیده نه لری چی
خلک دی‌وغو لیږی او دوی دی‌ددولتی
کارو نو دسر ته رسو لو له جر یان
څخه بی خبره پاتی شی . آن‌دجدی
په‌شپږم ما ښام دخا ین حفیظالله‌امین
اود هغه دباند له نسکور یـدو
څخه څو شیبی ورو سته دافغانستان
دخلک ددمو کراتیک ګوند دمرکزی
کمیټی عمومی منشی او دافغانستان
ددمو کراتیک جمهوریت دانقلابـی
شورا رئیس او صدر اعـظم ببر ك
کار مل په خپله قیمتدا ره تا ریخـی
ویناکی دډیرونورو مهمواو عمده‌مو-
ضو عا تو په‌څنګ کی دغی مهمـی
او اساسی مسالی ته هم اشـاره
وکړه چی :

«.... هغه اسا سی اصو ل چـی‌د
افغا نستان نظام پری ټینکیږی اود
دافغا نستان دمو کراتیک جمهـوری
دولت ، دافغا نستان دکارګری طبقی
اوټولو زیار ایستو نکو ګو ند یعنی
دافغا نستان دخلك ددمو کرا تیك
ګوندپه مشرۍ زموږدپلرنی وطن‌ملی
متحد ی جبهی دجوړ یدو په بنیاد
دهغو په تامین او دفاع موظف دی‌له
ملی حا کمیت، ملی خپلوا کی،دځمکی
له‌تمامیت ، رښتینی دمو کرا سـی
ددو لت او ادا ری ددمو کرا تیـك
سیستم له جوړیدو، دټولنی او دولت
په‌ژوندا نه کی ددمو کرا تیك‌انقلابی
قانونیت دښسټ له ټینګتیـا او د
پرګنیزو ساز ما نو نو له پرا ختیا
اوزیا تیدو څخه عبا رت دی ....»

زموږ دمو کرا تیك جمهوری دو-
لـت د پورتنی اصـل په نظر کـی
نیو لو سره جو خت د ملی و حدت‌د
لاټینګتیا او زیات کلکوا لی په منظور
اوزموږ دوروڼو خلکو دلایـو -
موتی کیدو او متشکل کیدو پـه
غرض هڅه‌کړی‌ده چی دی مهمی او
اساسی مو ضوع ته زیاته پا ملرنه
وکړی او او کوښښ یی‌کړی دی چی
حتی دقا نون‌بڼه ور ته ور کړی.
زموږ دد مو کرا تیك جمهوری دو-
لت داسا سی اصو لو په در یمـه
ماده کی داسی لیکل شوی دی :

«دافغا نستان په دمو کرا تیـك
جمهوریت کی دزیار کښانو قـدرت
دپلار وطنی په‌پراخه ملی جبهه متکی
دی. چی کار ګران ، بز ګـران،
کسبګران ، کوچیان ، رو شنفکران
ښځی ، ځوانان اود هیواد دټولـو
ملیتو نو او قو مو نو ، ټو لو متر قی
او وطن پالونکو قوتو نواو ټولنیزواو
سیاسی ساز ما نو نو نما یند ګان‌د
افغا نستـان د خلك دد مو کرا تیك
ګوند ترلا رښوو نی لاند دنوی آزادی
اودمو کرا تیکی ټو لنی دجوړ و نو
ترعمو می پرو ګرام لاندی سره یـو
مو تی کوی . دپلار وطنی ملـی
جبهه مو ظفه ده چی دهیواد د ملـی
پراختیا او دمو کرا تیکو دندو پـه
تعمیل، په وطن پا لو نکی رو حیه‌د
خلکو په‌روز نه اودټو لنی او دو لت‌د
چارو په اد اره کی داتبا عو دپراخه
جلب له پاره د خلکودټو لو قو مو په
یومو تی کو لو کی مر سته وکړی.»

داخو ټولو ته ښکاره وه چـی د
ثور دپر تمین انقلاب یو شعا ر او
هدف داسلام مقد س دین ته کلـك
درنا وی او احترام و اود ثور دپر-
تمین انقلاب په بر یا لیتوب سره هغه
توپیرو نه چی دنا در ،داود غدا ری
کورنی زموږ د خلکو په عقیدو اومذ-
هبونو کی را منځتـه کړی وو او
ځینی یی په ځینـو نـو رو
بر ګنړل اویا داچی په‌آزاد ډول سره
یی نه‌شول کو لای چی خپل مذ هبی
مرا سم او منا سك بی له قید او
شرطه‌اجرا کړی ، بیخی له منځـه
لاړل اود افغا نستان ټو لو شر یفو
هیوادوا لو ته په دی بر خه کی لـه
تبعیض څخه بر ته یو ډول حـق
ور کړای شو . خو په خوا شینی
سره با ید ووا یو چی امین اود هغه
باند په خپله لنډه دو ره کی دافغا-
نستان د خلکو دد ین او دد وی‌د
سپیڅلو دینی معتقدا تو په خـلاف
ستر جنا یتونه وکړل . شیعه یـی
دسنیا نو ، یو قوم یی د بل قوم او
همدا رنګه یو ولا یت یی د بل‌ولایت
په خلاف ولمسول او پـه دی ډول
سره یی زموږ په خلکو کی بی اتفاقی
واچوله. اوپه‌خاینانه ډول‌سره یی‌ډیر
مذهبی عالمان ، ملا یان ، شیخـان
خطیبان، پیران اود بیلا بیلـو
قومو نو سپین ږیری و څو رول،
زندانونو ته یی ټیل‌وهل او شهیدان
یی کړل. خو کله چی د۱۳۵۸ کـال
دجدی دشپږ می نیټی بریا لی قیـام
سرته ورسیداو دثورپر تمین انقلاب
دخپل تکامل په دویم پړاو کی‌ودرول
شو زموږ دمـو کرا تیك جمهو -
ری دو لت‌ډیر ژر دغی مو ضوع ته
په جدی ډول سره تو جه وکړه .

زموږ دمو کراتیك جمهوری دولت
په دی برخه کی یوازی‌په همدی‌اکتفا
ونه کړه، بلکی په‌دی مورد یی خپله
وظیفه په عمل کی هم سرته‌ورسوله.
اوهغه داچی نو مو ړی مو ضوع ته
یی دافغا نستان ددمو کرا تیك‌جمهو-
ریت په اسا سی اصو لو کی ، چی
په او سنی وخت زموږ ددمو کرا تیك
جمهوری دولت قا نونی بنسـټ
تشکیلوی، هم‌ځای ور کړ. ددی‌اسا-
سی‌اصو لو په پنځمه ما ده کی په
څرګند ډول سره لیکل شـوی دی
چی:

«دافغا نستان په دمو کرا تیـك
جمهور یت کی داسلام دسپیڅلی‌دین
درناوی رعایت او سا تنه تا مینیږی.
اود ټولو مسلمانانو له پاره ددینی‌او
مـذهبی مرا سمو دپای ته رسو لو
آزادی‌تضمینیږی . د نورو اد یا نو
پیروان د خپلو دینی او مـذ هبـی
مراسمو په سر ته رسو لو کی چی‌د
ټولنی هو سا یی او امنیت ا خلال نه
کاندی بشپړه آزادی لری . له‌اتباعو
نه‌هیڅوك حق نلری چی له دین نه د
ملی ضد او خلکو ضد تبلیغا تو او
دافغا نستان ددمو کرا تیك‌جمهور-
یت اود افغا نستان دخلکو دګټـو
خلاف دنوو اعمالو دار تکاب دوسیلی
په مقصد استفاده وکړی .

دو لت درو حا نیو نو او دینی‌عا-
لمانو وطنپر ستا نه فعا لیتو نو
سره دهغوی ددندو او مکلفیتونو
په‌پای ته رسو لو کی مر سته اومسا-
عدت کوی.»

لنډه دا چی ددغو اسا سی اصولو
عمو می رو حیه ډیره دمو کرا تیکه
ښکار ی‌او داسی هیلی او امیدونه
ورڅخه کیدای شی چی ددی اسا سی
اصولو په رڼا کی به زموږ دمو کرا-
تیك جمهوری دو لت د خپلو هیواد-
پالو خلکو په بی دریغه مرستی سره
په‌دی‌بریا لی‌شی چی دشرا یطو پـه
مسا عد والی سره به ډیر ژر لویـه
جرګه جوړه کړی‌تر څوچی زموږدرا-
تلونکی اساسی قانون تصویـب
کړی او په ی ډول سره به‌دقا نونیت
په‌لور یو بل اسا سی قدم هم پور ته
کړی او په دی تر تیب به زموږ د
څورید لو خلکو دآرزو ګا نو یـوه
بله‌غوټی هم و غوړ یږی اود خپلوبی
شمیره ارما نو نو په بهیر کی به‌یی
دا ارمان هم ترسره شی .

سلسله گفت وشنود ها ونشست های اختصاصی ژوندون در میز گرد

مسایل سیاسی واجتماعی ، فرهنگ و هنر، نوجوانان ، جوانان وخانواده ها

در زیر ذره بین نقد وانتقاد

زیر نظر : گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چه اشتباهاتی رخ داد؟

☆

نمای کامل از طرح وتطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی در کشور وجدلی پیرامون آن

در این دور سخن:

۱ـ دکتور عبد الغفار لکنوال معین اصلا حات ار ضی .

۲ـ بهادر آقتاش رئیس تصفیه وثبت .

۳ـ عبد المقصود شکو ری رئیس تنظیم امور ارا ضی .

٤ـ ا نجنیر وهاب آصفی رئیس بانك انکشاف زرا عتی

٥ـ عبد الطیف معا ون ریاست عواید وزا رت مالیه

٦ـ عبد الجبار ثا بت مشا ور ریاست تقنین وزا رت عد لیه

۷ـ حسین وفا سلجو قی مد یر نشرات وزا رت زرا عت واصلاحات ارضی

۸ـ علی احمد عضو کمیته ولا یتی حزبی کابل

۹ـ غلام سخی

۱۰ ـ محمد رحیم

۱۱ـ رجب علی

۱۲ـ محمد انور

۱۳ـ شاه ولی نما ینده های دهقا نان ولسوا لی های ولایت کا بل اشتراك داشتند .

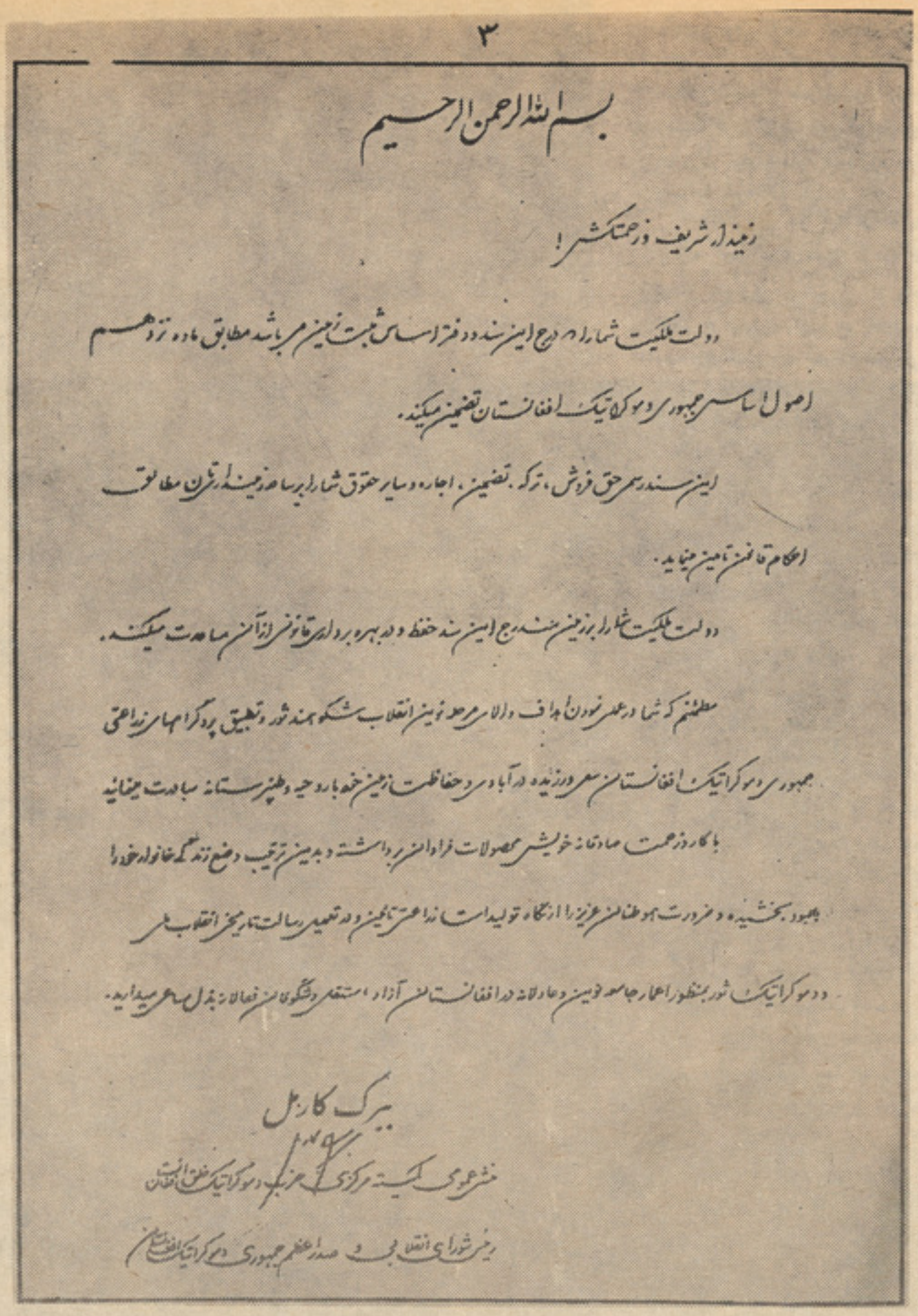

۳

بسم الله الرحمن الرحیم

زمیندار شریف و زحمتکش!

دولت ملکیت شما را در ج این سند و دفتر اساسی ثبت زمین می باشد مطابق ماده ترد هم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تضمین میکند.

این سند رسمی حق فروش، ترکه، تضمین، اجاره و سایر حقوق شما را بر ساحه زمین دارتان مطابق احکام قانون تامین مینماید.

دولت ملکیت شما را بر زمین مندرج این سند حفظ و در بهره برداری قانونی از آن مساعدت میکند.

مطمئنم که شما در عملی نمودن اهداف والای مرحله نوین انقلاب شکوهمند ثور و تطبیق پروگرامهای زراعتی جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی ورزیده در آبادی و حفاظت زمین خود با روحیه وطنپرستانه مساعدت مینمائید با کار و زحمت صادقانه خویش محصولات فراوان برداشته و بدین ترتیب وضع زندگی خانواده خود را بهبود بخشیده و ضرورت هموطنان عزیز را از نگاه تولیدات زراعتی تامین و در تعمیر رسالت تاریخی انقلاب ثور و دموکراتیک ثور بمنظور اعمار جامعه نوین و عادلانه در افغانستان آزاد، مستقل و شکوفان فعالانه بذل مساعی میدارید.

ببرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان

واینك باز بعد از یکسال‌وا ندی که‌از سانسور بی رحمانه سلسله گفت وشنود های مادر دور میزگرد ژوندون میگذرد ،بار دیگر آنرا به آغاز می گیر یم وبا همان مشی ژرف‌نگری وعمیق گرا یی به طر ح همگا نی ترین دشوا ری های زند گی مردم د ربخش های گونه گون آن می پرداز یم، تابا بر رسی وانگیزه یابی همه جا نبه کا ویشگر راه ها وروش های اصلا حی باشیم که حلال مشکلات در زمینه های به‌جدل‌آورده شده‌باشد.

برای باز گو یی نقش‌اسا سی‌این گرد هم آیی ها وآنچه از گفتنی ها که در دور میز های پیشین ما به طرح آمده است شا ید بهتر ین‌گواه این‌باشدکه‌از آغازکار این جدل ها تا کنون ، هیچ بحثی در سا حه مطبو عات نه به اندا زه این‌سلسله جدل ها جنجال بر انگیز بوده است ونه‌هم با قیچی سا نسورچیا نی که‌از پذ یر ش رو حیه‌انتقادپذیری هرا س داشته اند ، آشنا شده‌است.

سخن را کو تاه بگیر یم ، ژوندون این تنها هفتگی نا مه همه خانوا ده های کشور اگر زبان احسا س واند یشه خا نوا ده های افغا نستان نباشد وباز گو کننده دشوا ری ها ، نا بسا ما نیها ونا هنجا ری های که د ختران ،وپسران ماومادران وپدرا ن ما، با آن‌رو برو اند ، دیگر نشر یه خانوا ده ها نخوا هد بود .

وما این جدل هارا به این جهت دنبال می کنیم که می خوا هیم مجله ماموقف پر خوا ننده تر ین نشر یه خانواد گی را بیا بد وآنرا حفظ کند.

برای اینکه جدل های ما در گرد هم آیی که بعداز این مر تبا دا یر خوا هیم کرد یك‌رخ ویك جهت نیابد ودر آن عمده تر ین‌دشوا ری های‌زند گی همگا نی مردم در بخش های فرا وان به طرح آید گر وه مشورتی ژوندون تصمیم گر فت این گفت و شنود ها بیشتر پیرامون مسا یل ، سیا سی واجتما عی، فرهنگ وهنر و ، نو جوانان،جوانان وخانوا ده ها دایر گردد و در هر زمینه زبده تر ین دانشمندان ومسوولان با صلا حیت به بحث نشینند.

نخستین دور سخن ما در این نو بت گشا یش، به بر رسی‌شیوه های کارمر حله او ل تطبیق اصلاحات ارضی در کشور واشتبا ها تی که در نخوه پیا ده شدن آن وجود داشته است ، اختصا ص می یابد،و شنا سا یی دو مین مر حله این اصلا حات که به زودی کار آن آغاز خوا هد گرد ید .

ما در این گرد هم یی جمعی از نمایند گان دهقانان را با مسوو لان اصلاحات ار ضی دور یك میز نشا نده ایم تا به گو نه‌رو دررو یی دشوا ری ها به طرح آید وبه آن‌پاسخ داده شود که امید وا ریم این کار مورد تو جه خوا ننده آگاه وبا ذوق‌ما قرار گیرد .

درانتظار پرسش‌هاانتقادهاونظردهی های فرد فرد شما هستیم وآرزودا ریم مسا یلی را که از نظر شما به عنوان یك دشوا ری همگا نی‌زندگی مردم میتوا ند تلقی گردد ، با مادر میان گذا رید . تاماآنرا به شو ر وجدل گذاریم وپل های را بطه‌میان مااستحکام بیشتر بیا بد .

شاد وپیروز مند باشید .

• • •

سخن رادراین دور جدل راحله راسخ خرمی بامروری کوتاه وگذرا از گردهم آیی های قبلی ژوندون وبرای نتایج آن به آغاز می‌گیرد وبعد از گفتاری پیرامون اهداف این مجله ازتدویر چنین گردهم آیی هایی یاد آوری میکند که‌جدل در دور این میز کاملا آزاد است و هیچ پیرایه یی از تشریفات ندارد وهر یك از اشتراك کننده هابدون درنظرداشت‌مقام‌اداری‌ویااجتماعی همدیگر میتوانند روی گفته‌هابه نقد وانتقادونظر دهی بپردازند را حله راسخ گوشزد میکند که بعد از نشر این سخن پراکنی هاهر گوینده مسوول گفته های خود بوده وژوندون نه تنها در رد ویا تایید آن نقشی ندارد بلکه هر اظهار نظر ویا احیانا انتقادی راکه از گفته هابه اداره برسد نشر خواهد کرد ـ اوبعداز این مقدمه باارائه این پرسش ازمعین‌اصلاحات ارضی‌بحث رابه تطبیق اصلاحات ارضی میکشاند •

ـاهداف مرحله دوم اصلاحات ارضی درچه مواردی خلاصه میگردد ودر مجموع کدام بخش دشواری های امور زمینداری‌با تطبیق این‌مرحله اصلاحات ارضی حل میگردد • از نظر شمادر نخستین مرحله تطبیق‌اصلاحات ارضی چه اشتباهات رخداده واثرات این اشتباهات اکنون چگونه به بررسی گرفته میشود ؟

لطفا ورق بزنید

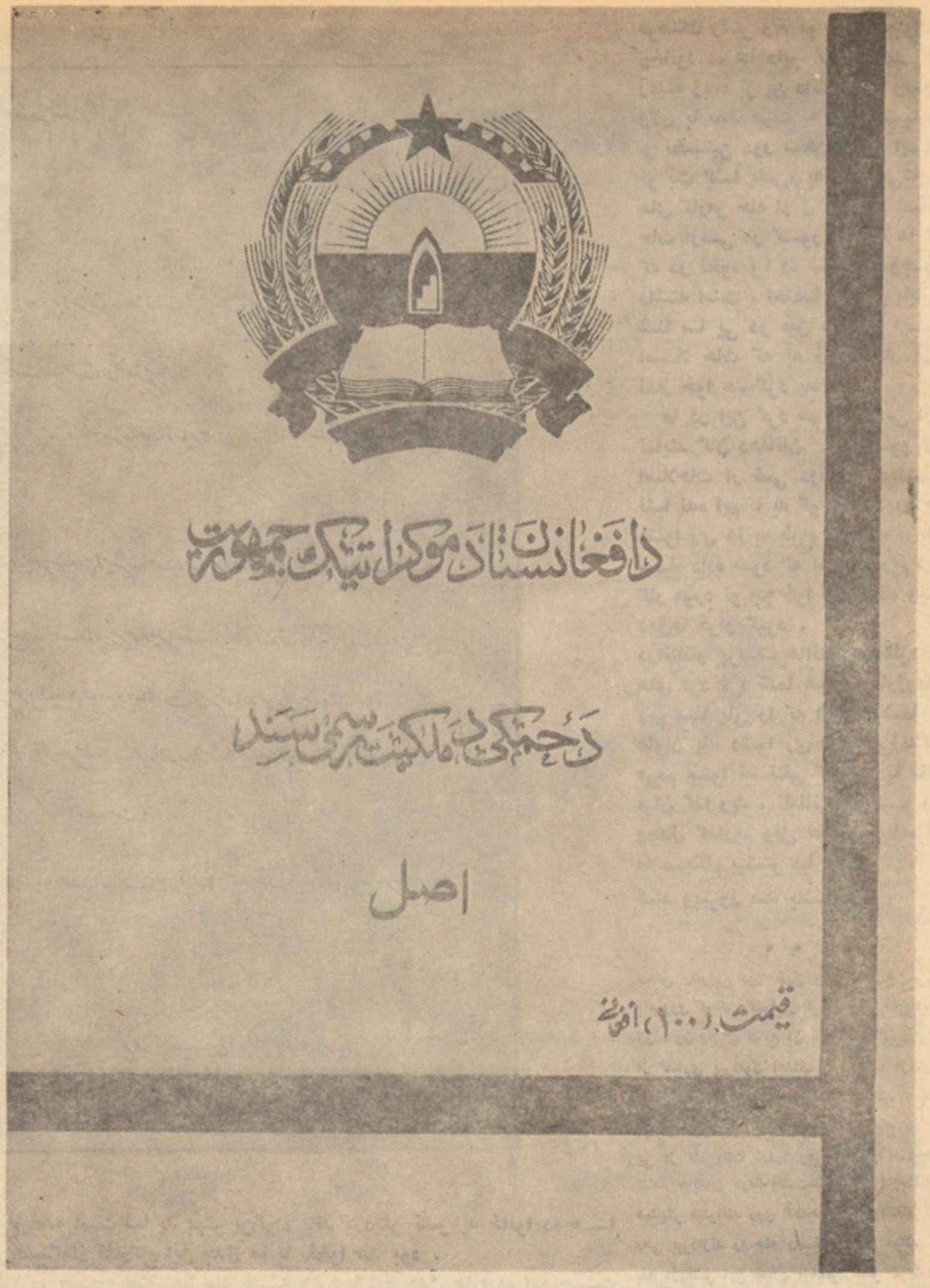

معین اصلاحات ارضی :

ـبه اجازه شما نخست سپاسم رااز کارکنان وزین نامه ژوندون ابراز میدارم که بازمینه سازی برای این گردهم آیی که‌در آن مسولان اصلاحات ارضی ـعدلیه ومالیه‌به ارتباط مسایل اصلاحات ارضی کشور دوریك میز گرد آمده اند ـ نقش ورسالت بزرگ مطبوعاتی خودرادر آگاهی رسانی به‌مردم به‌انجام میرسانند. به‌اجازه شماپیش‌ازآنکه‌سخنانی‌پیرامون‌چگونگی تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی‌به‌بیان‌آورم به پاسخ یك بخش از پرسش پرسنده‌محترم نکاتی درمورد مرحله اول این اصلاحات راباز- گومیکنم .

هم میهنان ماآگاهی دارندکه انقلاب شکوهمند ثور بعداز آنکه در کشور ما به پیروزی رسید وقدرت سیاسی رااز طبقات مرتجع حاکم بـــه طبقات زحمت کش محروم انتقال داد همانگونه که وظیفه هر انقلاب ضد امپریالیستی وضد فیودالی میباشد تا اساس تمام تحولات بنیادی قرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیك خلـــق افغانستان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر کشور سلسله رفارم های را در دست اجرا گرفت‌که اصلاحات ارضی در شمار آن میباشد .

این‌اصلاحات که‌اکنون‌مادرآغازدومین مرحله تطبیق آن قرار داریم، کاملا به نفع دهقانان کم‌زمین‌وبی‌زمین بوده واثراتی‌انکارناپذیر در بلندرفتن سطح تولید ورشد وانکشاف سریع پهلوهای اقتصادی، اجتماعی‌وفرهنگی جامعه‌ی ماوبه‌سود بیش از نود وهشت در صد مردم ما میباشد .

برای یك بررسی مقایسوی ازوضع دهقان و امورزمینداری درکشور پیش ازانقلاب وبعداز تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چگونگی وضع ملکیت های زمین را مرور می‌کنیم:

در کشور ماتا پیش از پیروزی انقلاب ثور سه در صد زمینداران یك سوم از مجموع‌تمام زمین های زیرکشت رادر ملکیت خودداشتند در حالیکه ششصد وشصت‌ویك‌در هزار دهقانان ماحتی صاحب یك‌وجب‌زمین هم نبودند درحالیکه باتطبیق اولین مرحله اصلاحات امور زمین داری برای بیش ازسه صدهزار خانواده های دهقانان مستحق به‌اندازه سه میلیون وسه‌صد وبیست وهشت هزار جریب زمین توزیع گردید که خود نمایی از مبارزه علیه فیودالیزم مسلط درکشور وضوابط غیرعادلانه آن به شمار میآید .

مسوولان این میز گرد از اشتباهـــاتی نام گرفتند که‌در جریان‌تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به‌وقوع پیوست ـ این انتقاد باتاسف کاملا به مورد است ـ در تطبیق این مرحله اصلاحات عمدا وبه صورت شعوری چنان مشی تطبیقی دردست‌اجرا گرفته‌شدکه‌محتوای اساسی ومترقی اصلاحات ـ تحریف ودگر گون‌گردید، چنانکه :

باید پیش از آغاز کار اصلاحات ارضی‌جنبش های دهقانی باتاسیس وحمایت اتحادیه ها ـ صندوق هاو کمیته های دهقانی شروع میشد تا تقسیم‌عادلانه زمین بااشتراك خود دهقانان وبدون اعمال زور وقوه‌عملی شده میتوانست وتمام اقشار وگروه های وسیع مردم به صورت شعوری وآگاهانه در مقام دفاع آن میبرآمدند که چنین نشد .

۲ـ در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به رسوم وعادات ورواجهای عنعنوی و حتی اعتقادات مذهبی مردم وقعی نهاده نشد .

۳ـ دراین مرحله‌تطبیق‌خلاف‌مقرره‌اول فرمان شماره هشتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از هموطنان مابی توجهی هایی‌صورت گرفت که موجب حق تلفی های فراوان گردید وامروز این مساله که حقوق تلف شده آن عده‌یی که‌در جریان تطبیق مرحله‌اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان متضرر شده اند وباید ضرر شان جبران گردد یکی از دشواری های عمده‌یی است که مابا آن روبرو میباشیم .

٤ـدرجریان تطبیق‌ریفورم‌برای تعداد بیشمار دهقانانی‌که‌زمین داده‌شد،هیچگونه‌کمك‌کوپراتیفی تخنیکی وفنی صورت نگرفت که‌به‌این دلیل سطح تولید پائین آمد ودهقان نتوانست از زمین زیر کشت خود بهره کافی بردارد .

٥ـ جنبش کوپراتیفی‌نه تنهاتقویت نشد بلکه بانحوه عملی که صورت گرفت ضعیف نیـــز ساخته شد .

٦ـ ازطرح عملیاتی یك پلان علما تنظیم شده به منظور تزئید حا صلات زرا عتی‌عملا جلوگیری شد .

۷ـ بالغو اداره اصلا حات ارضی کو شش به عمل آمد که از تطبیق مرا حل بعـدی اصلا حا ت ارضی در افغانستا ن جلو گیری شود .

۸ـبا ختم دوره او ل اصلا حات ار ضـی که با ید ختم مر حله نخست اعلام میگردید پایان تطبیق اصلا حا ت ارضی‌در کشوراعلام گردید .

و بد ین تر تیب بود که در دوره حکومت خود کا مه امین این نما یند ه امپر یا لیزم خو نخوار به صورت شعوری از تما م‌ارزش ها ودست آورد ها ی که از تطبیق‌مو فقانه اصلاحات ار ضی متصور بود جلو گیـــر ی

شد وباید کثیف او قصدا کو شید نـد جهت متر قـی این اصلاحات رابه انحـراف کشا نند ـ اما با قیا م ششم جدی که باند فاشیستی امین از میا ن رفت زمینه برا ی تطبیق مرا حل بعدی اصلا حا ت دموکراتیک ارضی که در بر گیر حل کا مل تما م معضلات ودشواری های امور مـربوط بـه زمیند اری ، محو کا مل بقایا ی فیودالیزم، بلند رفتن سطح تو لید زرا عتی در کشور و تا مین رفا ، اقتصادی ـ اجتما عی و فرهنگی همه دهقا نا ن وزحمت کشا ن ما مهیا شد مهیا گرد ید اهدا ف عمومی تطبیق مر حله

حق ما لکیت با لای زمین .

٤ـتشویق زمیندار ودهقا ن برا ی بهر ه بر داری بیشتر از زمین وبالا برد ن سطح محصو ل .

٥ـ سهم گیری فعا لا نه دهقا نا ن در ایجاد و تقویت کو پرا تیف ها ی دهقانی با استفاده ، از زمینه ها ی مسا عد ی که دو لت به و جود میا ورد .

٦ـ تا سیس مرا کز کرا یه دهند ه ترا کتور ها و سا یر ما شین آلات زرا عتی به منظور کا هش زحمت طا قت فر سا ی دهقا ن و ما شینی شد ن زرا عت تطبیـق

١ـ تصفیه سا حات پراکنده و قطعـات کو چك زمین به اشترا ك و سهم گیری‌فعال دهقا نا ن .

٢ـتر تیب یك سند متحد الشکل رسمی برای تمام ملکیت هـای ز مین ونو کـردن وتجدید تما م اسناد ملکیت زمین .

٣ـ فرا هم آوری تسهیلات لازم در امـور خرید ـ فرو ش ـ تبد یل ـ بخشش‌ـتقسیم ودیگر امور انتقا لی زمین .

٤ـمهیا سا ختن زمینه ها ی مسا عـد برا ی تضمین والتزام .

٥ـ تنظیم عا دلا نه امور مربو ط به‌اجاره

دوم تطبیق اصلا حا ت ارضی به و سیله هفتاد نفر از آمرا ن عملیا تی به صورت مرحلوی ودر مد ت سه سا ل به انجام‌خواهد آمد .

راحله راسخ خرمی :

تعدادی پر سش را دهقا نا ن عزیزشرکت کننده دراین جدل که بسمت نماینده هـای دهقانان و لسوالی هـای خـود را نیـز دارند به طر ح آورد ه اند که اینك یك‌یك آنرا به نو بت مطر ح می سازیم واز مسوولان امور در این گرد هم آیی می خو ا هیـم

گوشه‌یی ازمیز گرد ژوندون که‌پیرامون‌مرحله دوم تطبیق اصلاحات ارضی دایرگردید

دوم اصلا حا ت ار ضی را در این نکا ت میتوا ن خلا صه یا فت :

١: تو زیع عا دلا نه آب وزمین وبهبود کمی و کیفی حا صل و با لا رفتن سطـح تو لید به کمك دو لت وبه نفع‌دهقا نا ن‌به گونه یی که سطح زند گی در بخش ها ی اقتصادی ، اجتما عی و فر هنگی بلند رود ودر مجموع مسایل مربوط به انکشاف عمومـی کشور ما تحقق یا بد .

٢ـ یکپارچه سا ختن هر چه بیشتر دهقانان وکا ر گرا ن به منظور دفا ع از انقلاب.

٣ـ پیاده سا ختن طرح ها ی علمی به منظور انکشا ف سریع زرا عت و تضمیـن

مرحله دوم اصلا حا ت‌ارضی این‌اهدا ف را به ثمر میر سا ند :

١ـ تر تیب و تنظیم امور مر بو ط بـه اسناد زمین وزمین داری.

٢ـ تا مین منا سبا ت عا دلا نه در امور زرا عتی .

٣ـ تر تیب احصا ئیه ها ی دقیق زمین در کشور .

٤ـ مساعد ساختن زمینه بـرای ا نکشاف زرا عت .

در مر حله دو م تطبیق اصلا حا ت ارضی بصورت مرحلوی با درنظر داشت اهـداف بالا این امور به‌انجام میاید:

زمین .

٦ـحل کرد ن مسا یل مربو ط به اضا فه جر یبی موا فق با عدالت اجتما عی .

٧ـطرح پلان ها ی انکشا فی به منظـور بالا رفتن سطح‌و حجم تو لید زرا عتی .

٨ـتنظیم دفاتر امور زمینداری ما نندد‌فتر ثبت اسا س زمین ، دفتر اسا سی مالیه‌ـ دفتر اسا س زمین ها ی دو لتی و غیره .

٩ـتضمین حق مالکیت براساس بیـا نیـه مورخ ده دلو ٥٨ ببرك کارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم و ماده نزد هم اصو ل اسا سی جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان. با رعایت موازین علمی وا صو لی مر حله

که به ار تبا ط مسئوو لیت ها ی اداری خود آنرا پا سخ گو یند .

نخستین سوال از غلا م سخی دهقـا ن ولسوالـی ده سبز است که از خود شان می‌خواهیم آنرا درمیان گذراند.

غلام سخی :

معین صاحب اصلاحات‌ارضی در گفتار خود یاد آورشدند کـه سند مربوط بـه ملکیت زمین تبادله و تجدید میگر دد. سوا ل من این است که چرا این اسناد مورد تباد له وتمد ید قرار می گیرد ؟

بقیه‌درصفحه٣٣

هوچی مین هنگا میکه
جبهه جنگ قوای آزادیبخش
ویتنام را رهبری میکرد

بمنا سبت نود مین سالگردتولد هوچی مین فقید
«۱۹ می ۱۸۹۰ ـ ۱۹۸۰»

زندگی نامه مختصر هو چی مین

هو چی مین در ۱۹ می ۱۸۹۰ در شهر نگی تین در یک خا نواد ۀ وطن‌پر ست وروشنفکر که اصل روستایی دا شتند به دنیا آمد. نگی‌تین شهر یست که مردم آن‌سابقۀ طولا نی مقا ومت علیه استعمار وفیو دا لیزم دارند. هو چی مین از کود کی زیر ـ تاثیر عمیق محیط اجتما عی وتر بیۀ خانواد گی خو یش در آمده بود .

هو چی مین در ماه جون ۱۹۱۱ عازم خارج شد و به فرا نسه ودیگر کشور های ارو پا ، آسیا ، افر یقا و امریکا سفر کرد. وی درین شهر ها با کارگرا ن ومر د م تحت استعمار زند گی میکرد ودر حا لی که نظر یات گونا گون انقلا بی را مطا لعه می نمود برای گذرا ن معاش کار می کرد. در سال های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر اکتو بر هو چی مین را به دانش انقلا بی رهنما یی کرد وبه وی اطمینا ن بخشید که این تنها را هی است به سوی آزاد ی اجتما عی وملی. در همان سال وی ساز ما ن وطن پرستا ن ویتنا می را تشکیل داد که هد فش ایجاد و حدت میا ن ویتنا می های مقیم فرا نسه بود. وی در ۱۹۱۸ به حزب سو سیا لیست فرا نسه جلب شد در حالیکه در جنبش طبقۀ کارگر فرا نسه نیز سهم فعال دا شت .

در ۱۹۱۹ وی به کنگر ه وار سا ی پیام مشهور مرد م ویتنا م را فر ستاد که درآ ن از حکو مت فرا نسه تقا ضا شده بود تا حقوق و آزادی‌و تساو ی مرد م ویتنام را به رسمیت بشنا سد .

هو چی مین در دسمبر ۱۹۲۰ در هجد همین کنگر ه حزب سو سیا لیست فرانسه به طر فدار ی از کمینترن تاسیس حزب کمو نست فرا نسه را پیشنهاد کرد . در سال ۱۹۲۱ در تا سیس ساز مان مردم استعمار شده اشتراك نمود ودر ۱۹۲۲ به انتشار هفته نا مۀ«بی نوا یان در فرا نسه» پر دا خت. در جون ۱۹۲۳ از فرا نسه عازم نخستین کشور سو سیالیستی جهان یعنی اتحاد شو روی گردید وبه مطا لعۀ دا نش انقلابی ادامه داد و در فعالیت های انتر ناسیو نال کمو ـ نستی سهم گرفت ودر همان سال در هیات رئیسه دهقانان جها نی انتخاب شد. در۱۹۲٤ در پنجمین کنگرۀ کمینتر ن اشترا ك نمود و به حیث عضو دیپار تمنت شر ق انتخاب گرد ید ومسوو لیت بخش جنوب را نیز به عهده دا شت ومو ظف بود تاجنبش های انقلا بی مرد م تحت استعمار را رهبری کند .

در جون ۱۹۲۵ هو چی مین جمعیت جوانا ن انقلا بی ویتنا م را ساز مان بخشیدکه هستۀ آن را لیگ کمو نست تشکیل می داد. وی به افتتاح مجلۀ جوانا ن پر دا خت و کور سی راباز نمود. که طی‌آن صد ها کادر را برای اعزام و خدمت به وطن تحت تر بیه گرفت .

در ۲ فبروری ۱۹۳۰ هو چی مین کنفرا نس کا ولو (هانگ کانگ) را دا یر نمود که هد فش تو حید گرو ه های‌مترقی‌ویتنام تحت‌نام‌حز- ب‌کمونیست ویتنام بود .

در سال های ۱۹۳۰ـ۱۹٤۰ هوچی مین در خار ج به سر برد و طی اجرای امور انتر ناسیو نال کمو نیستی جنبش های انقلابی در وطن را تعقیب و دستورا ت با ار زش به کمیتۀ اجرا ئیو ی مر کزی حزب می فرستاد .

در سال ۱۹٤۱ هوچی مین پس از ۳۰ سال فعا لیت در خارج کشور به و طن باز گشت و هشتمین پلینوم کمیتهٔ اجرا ئیوی مر کزی را دایر، ودرآن خط مشی حزب را اعلام نمود که ر هنمون به‌کیفیت،جنگ با فرانسوی‌ها ،اخراج جاپانی ها، ایجاد یك جبهه متحد ملی به نام لیگ‌ـ آزاد ی ویتنا م (ویتنام مین) وتشکیل قوا ی مستعجل، تشدید بخشید ن به مبارزا ت انقلا بی گروه ها وآما د ه سا ختن قیام عمو می به خا طر به دست آوردن قدرت سر تا سری در کشور گردید .

در ۲۲ دسمبر ۱۹٤٤ دستور تاسیس و ا حد تبلیغا تی ویتنا م را به خاطر آزاد ی ملی صادر کرد که در وا قع بنیان اردو ی مرد م ویتنام راگذا شت ودر اگست ۱۹٤٥ در فضای هیجان‌انگیز انقلا بی در استا نهٔ قیام ملی هوچی مین همراه با کمیتهٔ مر کزی ،کنگرهٔ ملی رادر تان ترو دایر کرد. این‌کنگره اورا به حیث رئیس حکو مت مو قت جمهوری دموکراتیك ویتنام بر گزید . وی بعدا فرمان داد تا قیام عمو می برای گرفتن قدرت درسراسر کشور اغاز شود .

در ۱۹٤٥ هو چی مین خطاب به ملت ویتنام وجها ن استقلا ل ویتنا م را اعلا م‌کرد و نخستین دو لت کار گران ، دهقانان را در جنوب شر ق آسیا به نام جمهوری دمو ـ کرا تیك ویتنا م تا سیس کرد .

ویتنام در اوایل انقلا ب‌به مشکلا ت متعدد رو برو و از هر جانب در محا صره بود فقر میرا ث استعمار جا پا ن وفا شیست های فرا نسو ی زند گی بیش از دو ملیون انسا ن را گرفت . درسپتامبر ۱۹٤٥ دست استعمار گرا ن فرا نسو ی د ر دستکش امپریا لیستها ی امر یکا یی وبرتانوی و کومینتانگ چین دو باره برای از میان برد ن دست آورد انقلاب بر ویتنام حمله کرد و مردم ویتنام با استعمار گرا ن فرا نسو ی در جنو ب وبا مر تجعین چیان کای شك در شمال به نبرد پردا ختند .

در ۱۹٤٦ کنوا نسیو نی بین جمهوری دمو کرا تیك ویتنا م وفرا نسه امضا شد. قشون تا را جگر چیان کای شك از شمال عزیمت کرد ونیرو های فرا نسو ی مواضع خودرا در ویتنا م گستر ش دادند وخوا ستند آن کشو ر را به این تر تیب تجر ید نما یند .

هوچی مین برای مقا بله با این وضع در دسمبر ۱۹٤٥ اغاز یك جنگ مقاو مت ملی‌را مطالبه کرد وهمراه با کمیته مرکزی حزب، پیکار فرساینده تمام عیار مقاو مت را علیه استعمار گرا ن فرا نسو ی تا پیرو زی تاریخی دین بین‌فو رهبری کرد .

در جون ۱۹٥٤ قرار نا مهٔ ژنیو امضاء شد وشمال‌ویتنام آزاد گردید و لی امپریا لیزم جهان خوار امریکا بخش جنوب را به مستعمرهٔ جدید تبدیل کرد. هو چی مین ؛ کمیتهٔ مر کزی حزب هم، گروه های مردم رابرای‌تعقیب دوهدف استراتیژیك رهنمایی کرد .

ـ در شما ل انقلاب سو سیا لیستی و در جنو ب انقلاب دمو کرا تیك خلق .

در سپتا مبر ۱۹٦۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هو چی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا ئیو ی‌حزب بر گزیده شد ودو هد ف استرا تیژ یك فوق به‌تصویب رسید .

مردم ویتنا م تحت رهبر ی رئیس هوچی مین و کمیتهٔ مرکزی حزب از جا نبی سا ختمان سو سیا لیز م را در شمال سر عت می بخشید ند و از طر فی جنگ مقاو مت میهنی را بخا طر دفاع از شمال ونجات جنوب علیه امریکای تجاوز گر ادامه دادند .

رئیس جمهور هو چی مین در سوم سپتا مبر ۱۹٦۹ در هفتاد مین سال زند گی‌خویش در گذ شت .

وی یك انقلا بی بزرگ ، قهر مان شنا خته شدهٔ ملی ورز مندهٔ هو شیار جها نی بود که بدون احسا س خستگی رزمید وسر تاپای زند گی رابه وطنش ، به مردمش ، به ارمان انقلابی ، به آزا دی و نجات ملت ها وصلح وعدا لت در جهان وقف کرد .

هوچی مین رهبر ومؤسس اردوی آزادیبخش‌ویتنام است

تصویب اصول اساسی ج،د،ا گام فراخی است در جهت بهروزی

پیوست بگذشته

در اصول اساسی ج ، د ، ا بعد از آنکه وظایف ومکلفیت های دولت در قبال عنعنات ملی ، تاریخی وکلتوری ودینی مردم ما درج شده است و برای همه مردم اطمینان وآرامی خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها وتشکیلات توده ای رانیز بمثابه متحد کننده‌ی زحمتکشان و وطنپرستان تاکید می‌نماید ، دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان بحیث نماینده‌ی کارگران ، دهقانان ، اهل کسبه ، کوچیان ، روشنفکران وسایر اقشار وطبقات زحمتکش وملی ودموکراتیك بمیان‌آوردن‌وتقویه وتحکیم وبسط هرچه بیشتر سازمان های اجتماعی ومردمی را بشکل سالم آن از وظایف خود می شمارد در ماده ششم اصول اساسی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان چنین می خوانیم :«در جمهوری دموکراتیك افغانستان فعالیتهای اتحادیه های کار گری سازمانهای جوانان وزنان ، انجمن های علمی ، کلتوری وهنری وسایر سازمانهای اجتماعی ودموکراتیك زحمتکشان که در صفوف خویش کار گران، دهقانان ، کسبه کاران ، روشنفکران وسایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل وارتقای فعالیت های اجتماعی وتولیدی ، تعمیل اهداف ووظایف انقلاب ثور وتامین منافع خاصه‌ی ایشان متحد می سازند . تشویق وپشتیبانی می شود » .

جمهوری دموکراتیك افغانستان همانطوریکه در عمل ثابت ساخته است با جدیت وپشتکار فراوان در صدد آنست که اتحاد واقعاً ملی ودموکراتیك را میان کلیه اقوام و قبایل اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و مترقی آن تامین نماید وهکذا اتحاد ویکپارچگی همه زحمتکشان همه ملیت هارا جداً در نظر دارد ودر راه آن پیکار بی امان می نماید . چون افغانستان وطن واحد ومشترك همه ملیت ها واقوام برادر ساکن درآنست و همه ملت ها واقوام اعم ازپشتون ، هزاره ، تاجك ، ترکمن ، بلوچ ، ازبك وغیره باهم برادر و برابر اند واگر دست های غرض آلودرژیم های فاسد فئودالی وبخصوص حفیظالله امین دژخیم تخم نفاق وپراگندگی را بین آنها کاشته، بزودی درپرتو سیاست واقعا ملی ومترقی دولت وکمك وهمکاری مردم شرافتمند افغانستان محو ونابود خواهد شد . هکذا در افغانستان همه پیروان مذاهب دین مقدس اسلام اعم از سنی وشیعه برادر وبرابرهستند وهیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و پلان های شوم دشمنان در ین ساحه نیز خنثی خواهد شد . در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان بوضاحت روشن ساخته شده است که دولت جمهوری دموکر اتیك افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب ثور سیاست تساوی حقوق ودوستی برادرانه میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهند برد ومجدانه در راه رشد همه جانبه‌ی تمام اقوام وملیت ها وقبایل افغانستان مساعی‌لازمه را بخرج خواهد داد وحقوق دموکراتیك آنها را کاملا تضمین می‌نماید . وهکذا از بین بردن همه نابرابریهای اجتماعی ، اقتصادی ، کلتوری در تمام نقاط کشور محبوب ما از جمله‌ی‌وظایف حزب ودولت ج ، د ، ا بشمار رفته است

خلق کوچی وطن‌مانیز که‌هرگز درگذشته ها توجه بحال شان نشده است بیاد دولت بوده ودر اصول اساسی ج ، د ، ا موکدا تذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط بهتر زندگی را مهیا خواهد ساخت وهکذا امکانات استفاده‌ی دموکراتیك ورایگان‌شانرا از چرا گاها ی وطن برای حیوانات شان‌مهیا خواهد ساخت .

بخش بسیا ر مهم دیگری در اصول‌اساسی جمهوری دموکراتیك‌افغانستان چگونگی‌سیاست خارجی وهم چنان توضیح موقف افغانستان‌در قبال سازمان های بین المللی ومنشور سازمان ملل‌متحد ، میباشد . جمهوری دموکراتیك افغانستان با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور و بخصوص بعد از ظفر یابی خیزش قهرمانانه‌ی ششم جدی ۵۸ در عرصه‌ی گیتی بحیث یك کشور صلحدوست عرض وجود کرد وباپیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته درصدد آنست تاباکلیه کشور ها روابط دوستانه داشته وروابط برادرانه وصمیمی موجود میان افغانستان وکشور های صلحدوست ومترقی و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشترتقویه واستحکام بخشیده است این روابط برادرانه که‌به اساس اصول مترقی انتر ناسیونالیزم کار گری استوار است بنفع جانبین وصلح جهانی میباشد. عملا وتا دولت مترقی و ملی ما جداً می‌کوشد تا باهمسایگان خود روابط دوستانه داشته وهمه اختلافات موجود را ازراه مفاهمه ومذاکره حل وفصل نماید . دوستی با ممالك اسلامی نیز مورد توجه جدی‌جمهوری دموکراتیك افغانستان میباشد در ماده دهم اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان چنین تذکر رفته است :

«سیاست خارجی جمهوری دموکراتیك افغانستان بر تحکیم صلح عام وتام ، انکشاف همکاریهای وسیع بین المللی وحفظ منافع دولتی کشور استوار است . اساس فعالیت سیاست خارجی ج ، د ، ا را اصول همزیستی مسالمت آمیز وسیاست عدم انسلاك مثبت و فعال تشکیل می دهد » .

هم چنان در مواد یازدهم ، دوازدهم وسیزدهم وچاردهم وپانزدهم وشانزدهم این اصول منجمله چنین گفته شده است : «ج ، د ، ا دوستی وهمکاری همه جانبه‌ی خود را بااتحاد شوروی وهمکاری ومناسبات دوستانه‌ی خود را با سا یر مما لك سو سیا لیستی بر اصل همبستگی انترناسیو نالیستی‌توسعه واستحکام می‌بخشد ... مناسبات دوستانه باسایر ممالك بخصوص با ممالك همسایه وتمام ملل مسلمان ... ج ، د ، ا برای حل عادلانه وصلح آمیز تمام مسایل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه ... صرف مساعی می کند .. ج ، د، ا از مبارزه‌ی ملل وخلق های جهان برای صلح وآزادی ملی واجتماعی ، دموکراسی ، ترقی وبرضد استعمار ، استعمار نو وامپریالیزم ، بر ضد صهیونیزم ، راسیزم ، فاشیزم تبعیض نژادی واپارتاید پشتیبانی میکند .. ج ، د ، ا بخاطر دفاع از صلح جهانی در جهت خلع سلاح عمومی وقطع مسابقات تسلیحاتی جلو گیری از توسعه اسلحه‌ی ذروی از بین‌بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانگان ، انکشاف وتعمیق پروسه‌ی تخفیف تشنجات بین المللی واستقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل میاورد .. ج د ، ا منشور سازمان ملل‌متحد واصول قبول شده‌ی عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرده ... پشتیبانی میکند ... »

اگر بااندکی دقت به این اصول سیاست خارجی نظر اندازی نمائیم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان پشتیبان حق وعدالت ومبارزات برحق‌وعادلانه خلقها در سراسر جهان میباشد . وبا هرنوع فعالیت ضد صلح ، ضد آزادی وضد بشری مخالف است .

امروز در افغانستان اشکال متنوع ملکیت ها وجود دارد در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان رعایت حقوق و دفاع از انواع ملکیت های مشروع درج گردیده است اشکال ملکیت هائیکه در افغانستان‌وجود دارد یعنی ملکیت دولتی یاعامه ، ملکیت کوپراتیفی ، ملکیت خصوصی وملکیت‌شخصی همه وهمه رادولت محافظه می کند منابع مواد زیر زمینی وطبیعی وانرژی ، بانکها موسسات بیمه ووسایل عمده‌ی تولید در صنایع ثقیله، مخابرات رادیو وتلویزیون ، سرکها وغیره منحصر بدولت بوده واز آن حمایت خاص صورت می گیردوهم چنان‌شرکت‌های مختلفه که دولت در آن سهیم است تقویه ، تشویق وحمایه می شوند . ولی باید دانست که دولت هرگز اجازه نخواهد داد تااز ملکیت خصوصی علیه منافع مردم وجامعه استفاده صورت گیرد. در ماده بیست ودوم چنین تذکر رفته است : «دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ وحمایت می کند . استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه ومردم مجازنیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمده تضمین می کند ...استملاك ملکیت خصوصی در بدل تادیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی وقانون مجاز است ...» .

درقسمت رشد وانکشاف فرهنگ ملی‌ومترقی ورفاه اجتماعی، دولت‌ج،د ، ا توجه‌خاصی‌مبذول می‌دارد ، حمایت ومواظبت از جوانان این سازندگان آینده‌ی کشور نیز تاکید شده است .

بقیه‌درصفحه۴۴

بقیه صفحه ۷

نگرشی کوتاه وشتابنده به دو نشریه ...

«طفل و مادر» ما هنا مه تازه است که ریاست کو دکستا نها ی وزارت تعلیم‌وتربیه امتیاز نشر آنرا بد ست آورده و شما ره اول ودوم آن دریك مجله ـ هفتاد ودو صفحه به قطع ۳۲ر ۲٤ سا نتی متر در چها ر رنگ ازچاپ بر آمده است .

با توجه به و ضع نا بسا ما ن کود کان ومادرا ن در کشور ما واز دیاد روز ا فزو ن وا قعا ت مرگ ها ی نا بهنگا م کود کان نوتولد تا پنج ساله و مادران حا ملـه وشیرده که نتایج شوم و رقت آور فقر ـ بیسواد ی ـ عد م آگا هی صحی ، عد م شرایط زیست صحی ، عدم امکا نا ت تا مین حفظ الصحه فردی و خا نوادگی و محیطی کمبود مواد غذای ودر مجمو ع ناهنجاری هایی است که تما م کشور ها ی عقب نگهداشته شده جهان سوم باآن روبرو اند میتوا ن تصور کرد که نشر مجله یی که محتوا ی آنرا مو ضوعا تی پیرا مو ن مسایل مربو ط به کود ك و مادر تشکیل دهد از چه ارزش و حیثیتی بر خور دار است .

در شرایط کشور ماکه خان سا لا ری در جریان سده های فر وان حکمر وایی خود و ضوابط نا انسانی اش فقروبیسوادی وبیماری رابه عنوان یك ارمغان شوم به میراث گذ اشته تا جایی که سی و پنج در صد کود کان ما به خا طر ابتلا ی به بیماری هایش از سن پنج سا لگی پد رود حیا ت میگو یند و مادری که در جریا ن ازدواج تا مر گش ۹ کودك را ولادت میکند اما در زمان مر گ بیش از چهار فرزند ندارد ـ طبیعی است که در پهلو ی‌فرا هم آوری زمینه ها ی مسا عد و قایوی ومعا فیت کتلوی و جلو گیری از بیما ری ها به وسیله وا کسین آگا هی رسا نی به مردم وجلب همکاری آنان در برنامه‌ـ های پیشگیری امراض و تامین سلامتی با تصمیم بخشیدن هرچه بیشتر دانش پر و رش با صحت‌وطفل مراقبت ها ی ضروری وبه مو قع مادر ازاولیت های با اهمیت به شما ر میا ید .

شنا خت روا ن کود ك و تو جه به پرورش آن مسا له دیگری است که با جلو گیری از انواع عقده ها و نا را حتی های رو حی و عا طفی در وا قع میتوا ند خوش بختی وبه زیی سالم اجتماعی اورا در ادوار زند گی اش تضمین کند چه صحت در تا ز ه ترین تعریف آن که سازما ن‌صحی جهان ارائه داشته است صرف در عدم موجو- دیت بیماری ای جسمی خلاصه نمیگر دد و بهبود نا م حا لات بدنی‌ـ روا نی واجتما عی راشامل میگردد ومجله «طفل ومادر» بادرك این واقعیت ها وپذیرش محتوای اطلا عاتی در زمینه ها ی با لا به خوبی میتوا نـد نشریه یی مفید برای خا نواده ها و مادران با سواد ما تلقی گر دد .

دوکتور اناهیتا راتبزاد وزیر تعلیم و تربیه در یك بخش از پیا می که به این نشریه ار سا ل داشته ودر صفحا ت او لی آن به چاپ رسید ه است مشی نشرا تی «طفل‌ومادر» را چنین تو ضیح میکند :

« ... هدف نشر مجله «طفل ومادر»آشنا ساختن هم وطنان به اوضاع مادر وکودك درکشور های مختلف جهان و منجمله‌کشور رنج کشید ه وبلا دید ه ما ست ، تاامکان بد ست آید که به خا نواده ها ، معلما ن مکا تب ، مر بیو ن و استا دان و طن‌محبوب ما افغانستا ن جهت تر بیت و پرورش بهتر کو د کان رهنما یی ها ی لازم صو رت گیرد ...» .

شما ره اول و دوم «طفل و مادر » با مطا لب و مقا لا تی پیرا مو ن چگو نگی واهدا ف تر بیتی طفل ، هو شد اری و آگاهی دهی به مادرا ن در زمینه مسا یل پرورشی، مسایل روانی و تز ئینی، راپور تاژ ها ونگا ر ش ها ی سود مند دیگر نشا ند ه این مو ضوع است که گر دانند گا ن آن میکو شند هر چه بیشتر روی هد ف نشراتی خود استوار بمانند .

نکته دیگر در مورد نخستین شما ره «طفل‌و مادر » این است که صفحا ت رنگین وکلیشه

بقیه‌درصفحه٤٥

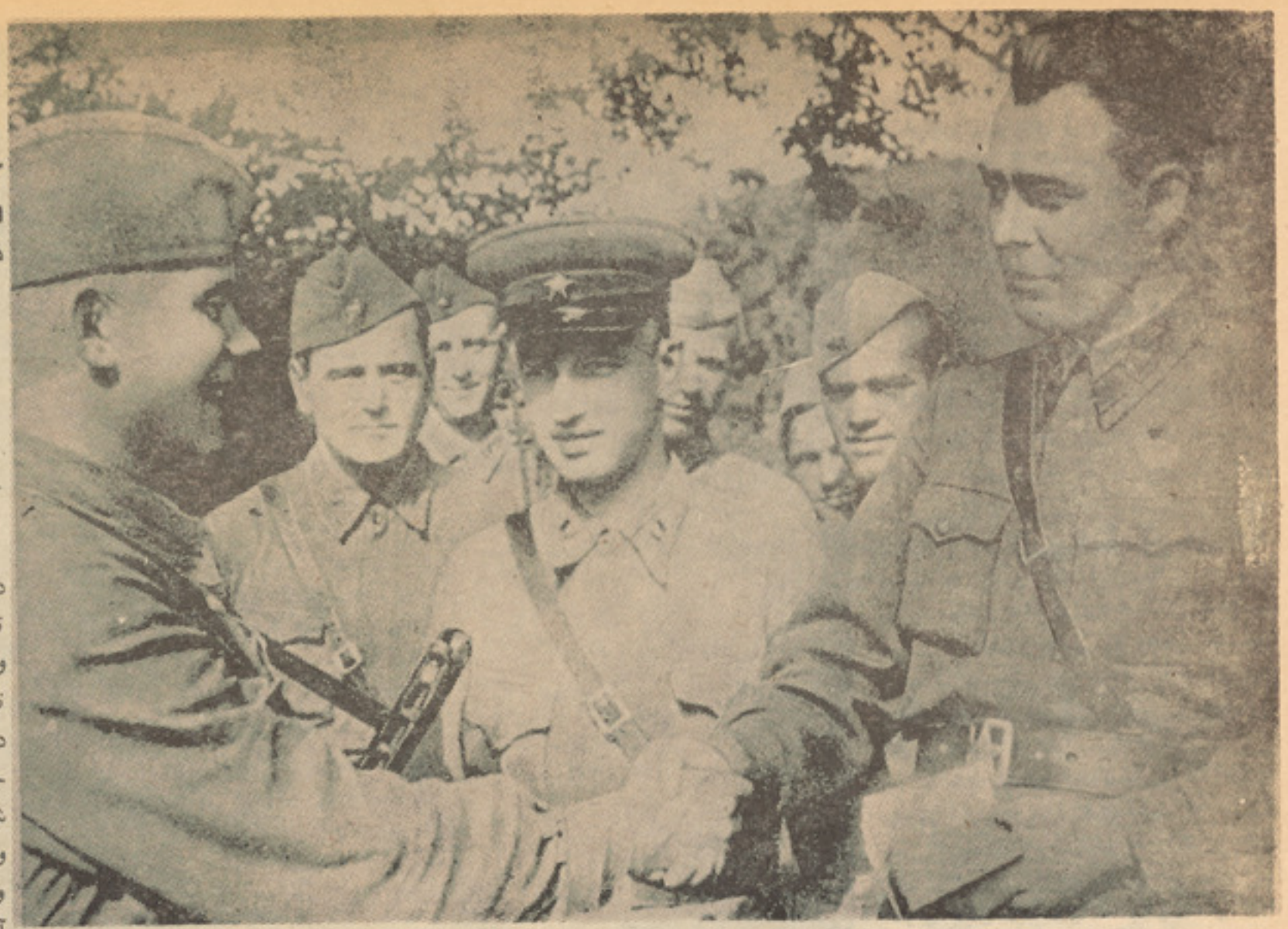

کمیسار بریگاد ل . ی . بریژنف کارت عضویت حزب کمو نست اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف می دهد (سپتمبر ۱۹۴۲)

تتبع ونگا ر ش

از عبد الله بشیر شور

نهم می روز شکست فاشیزم

روز ها می آیند و می رو ند،و تا ریخ بشری را ورق میز نند.روزی باخط زرین ودر شت وروزی با خط سیاه اعمال ، رفتار ، کردار بشررا ثبت می نماید .

در حساب طبیعت هر روز روزی بشمار میرود . هر روز روند تازه وموثر به زند گی فر دی واجتماعی بشر ،واردنموده و هر روز از نظر اهمیت کیفی وصو ری خود مشخصه وممیزه معنی بخود میگیرد .

روز ها تما یزات وتفا و تهای دارند که نقشی آن در اذ هان‌انسان متنا وب ومتما یز میبا شد واین تفا وت ها وتما یز ها از حیث قوت اثر کمیت و کیفیت های خود حا فظه بشری یعنی تا ریخ رامتنا سبانه زیر تاثیر در می آورد .

روز نهم می از آن روز ها یی می باشد که تاثیر آن در تا ریخ بی نظیر وکمیاب است. روز نهم می یك روز چر خشی تا ریخی‌یك روز مو ثر بر سر نو شت بشر یت است .روز نهم‌می آن رو زی است که فاشیزم ناز یزم ، هیلتر یزم‌با قدرت خلاقه‌یی جنگی با خار قه «بلتسس‌کر یك» (جنگ برق آسا) ضر به جهان‌آزادی خواه را فرود آمده از مشت آهنین دنیای صلح طلب را برپیکر خود خورد . در آن روز بود که هیولای جنگ وتبا هی عا لم انسا نی از پا در آمد . هیولای جبر . ظلم ، زور با همه قد رت خود بر افتاد ونا بود شد.

این مختصر گنجا یشس آنرا ندارد که بتوان آنچه آن کا بو س‌وحشت از بشر میخوا ست ویا آنچه رابشر از دهشت آن برداشت تو ضیح نمود. ولی متذ کر با ید شد که د راین جنگ تحمیلی بر جهان از طرف با ند های فا شیزم جها نی در حدود پنجاه الی شصت ملیون انسان تلف ونا بود گرد ید .

دنیای فقیر ، دنیای مبتلا به امراض ، دنیای پر از مرگ ومیر های فا قه قحطی زده گی وبرهنه ما مبلغی معا دل به بیشتر از چهار الی پنج بلیون دالر را که اگر بر هر فرد جهان آنروز تقسیم میشد فی سیر مبلغ چهارده‌هزار- ودو صدو هشتاد دالر حدوسطی‌بهره میر سید که به نرخ وقیم همان‌سا- لها شا ید ملیو نها بشر مبتلابمر ض قحطی وهزا ران بلای‌دیگر را بدرمان میرسا ند .

در این جنگ ملیو نها پدر بی اولاد، ملیو نها زن بی شو هر و ملیونها فرزند بی پدر بی ما در گردیدند وبسر نوشتهای شوم گرفتار وسر بار جهان در گیر با بلایا ومصا یب بی حسا بش‌گردید، در روسیه شوروی ، در آلما ن نازی در سرا سر ارو پا وجهان ویرا نی وخرابی حدود وشغو زی نداشت .

در روز نهم می مردم اتحاد شو روی جما هیر تا زه‌بنیاد وجوان اتحاد- شوروی که در گیر در جه اول دفاع ومبا رزه این جنگ عا لم سوزبودند وارد برلین مر کز فاشیزم جهانی آنو قت گرد ید. قشون سرخ قشون تازه تشکیل یا فته اما قشون متشکل از مردم ، بر این را فتح نمود .

مردم‌اتحادشوروی در صفو ف قشو ن سر خ این جنگ‌رابه نفع خود و بنفع مردم جهان خا تمه دادند ومظفر وسر خرو بر آمدند .

این فتح را اتحاد شو روی به قربا نی : بیست ملیون مبا رز، ویرا نی‌یکهزارو هفتصدو ده شهربا نفو س وسطی هر کدام در حدود پنجاه هزار ، نا بودی هفتاد هزا ر قصبه وده و دو تر لیون دا لر خسا ره ما لی برای شان کما یی نموده رسال روز نهم می را جشن می گیر ند ، این روز را سی مملکت ارو پا یی ،آسیا یی وامر یکا یی تجلیل می نما یند .

آری این روز مبدا تا ریخ تازه را در جهان بشر یت آزاد ، آزا دی خواه‌و نقطه چر خشس وگرا یشس را از تیره گی برو شنی واز ظلم به عدا لت ار مغان آورد . از این روز بود که آرزو های جهانی ، خلق ، جهان بسوی افق تازه وامید های در خشان دید . از این روزبود که تحقق آرما نهای بشر یت صلح خواه جان یا فت . از این روز بودکه دنیای کهنه ما به نو گرا یی آغاز نمود و:

۱- سیستم زند گی اجتما عی مسیر سو سیا لیزم را در پیش‌گرفت

۲ـ اصول اسا سی برای برانداختن امپریا لیزم عملا تنظیم گرد ید .

که در نتیجه آن یکصدو سی مملکت با ستقلال نا یل آمد ندو از جمله این تعداد هشتا دو دوکشور آن راه رشد غیر سر ما یه دا ری را پیش گرفته وبیست ودو مملکت مستقیما وارد جهان سو سا لیزم گرد ید ند وراه تر قی وپشر فت را اختیار نمود ند .

۳ـ نهضت های انتر ناسیو نال سو سیا لیزم در عا لم پهن گرد ید که نظر به احصا ییه موثو قامر وز در جا پان در هر پنج نفر یکنفر در ایطا لیا ثلث نفو س ودرهسپانیه وفرا نسه تعداد آنها چشمگیراست.

در نودو سه مملکت جهان‌متنا سبا با نفو س‌آن‌بیشتر از شصت الی هفتاد ملیون اعضای این حزب عا لمگیررسیده است .

۴ـ فتح وظفر الجزا یر بر فرانسه وحصول استقلا لش ، غلبه کانکویی هابراستعمار، جنگهای‌قهر مانی ، انگولا ، مما لك زامبیا ،روندا روندی ، موز مبیق وغیره درافریقا جنگهای مما لك امر یکا ی لاتین‌علیه استعمار ، فتح وغلبه ویتنام‌قهر مان بر امریکای مدعی در جه اول قیا دت جهان وبالاخره انقلا بهای حبشه ،ایران وزمبا بوی با مبا رزات افتخارآمیز آن ، کیو بای آزا د و مبا رزات پر افتخار وقهر مانی‌آن.

۵ـ از آنجمله است انقلاب بز رگ وبر گشت نا پذ یر ثور۱۳۵۷ ومرحله نو ین آن در وطن ما افغا نستان عز یز .

وصد ها مو رد دیگری که دنیای مارا بشا هراه تر قی رهنمون‌گر دیده است .

از جا نب دیگر ودر جبهه مخالف این جنبشها ونهضتهای ملی روح دیو استعمار که‌با نتقال‌از کا لبد هیولای فا شیزم هتلری ملیتا ر یزم جاپان آنوقت ، ایتالیای مو سو لینی وبالاخره انگلیس با قد رت چهار صد سا له ستعمار به بدین امریکای‌سرمایه‌داروچین سو سیا ل شوو نیست یا مر تد انتر نا سیو نالیست ، وعده دیگری از مر تجعین بین المللی حلول نمود که می‌خوا هند بار دگر جهان را بروز سیاه وفلا کت بار بکشا نند .

مگر جهان آزاد ،جهان متر قی . جهان آزا دی خواه وجهان تر قی طلب از مبا رزه خودبا صفو ف‌فشرده باسعی در خلع سلاح ،کو شش دیتا نت به آنها مجال نخوا هندداد، ولو که آنها با دست و پای مذبوحانه در تلاشند که :

۱ـضد سو سیا لیزم تبلیغا ت جاهلانه‌راه اندا خته وبخوا هندآفتاب را با دو انگشت بپو شا نند، آنها مصا رف هنگفتی را در این راه از طریق وسا یل دسته جمعی به مصر ف میرسا نند که نمو نه بارز آنها صدا های امر یکا و بی‌بی‌سی وغیره می با شد .

۲ـ جنگ سرد را دا من زده و میز نند وبه بها نه های گونا گون اغراض شوم خود را می خوا هند بکار برده وجنگ گرم‌راتهیه ببینند.

۳ـ مدا خله مستقیم وغیر مستقیم در امور دا خلی ، خار جی وحقوق بین المللی مما لك آزاد جهان وجهان سوم . از جمله به بها نه اوضاع در افغا نستان اتحاد نا مقدس امپر یا لیزم امر یکابسرکر ده‌گی کارتر، ماویزم چینی به سردمداری هوا کو فنگ‌و هوا نگهوا وارتجاع سیاه پا کستان ودیگران‌می خوا هند انلاب‌مارفاه وآرامش ماوراه ترقی و پیشر فت مارا بخطرموا جه‌نما یند ولی‌انقلاب ما بر گشت نا پذ یر آرامش ورفاه ما با تضمین آینده وترقی وپیشرفت مابا قاطعیت روان است ودر مسیر خوداز هیچ چیز نمیتر سد .

ماروز نهم می را در حا لیکه بهمه جهان آزاد و صلح‌دو ست تبر یك می گو ییم بد شمنان آزا دی ترقی‌و زیست با همی ملل دنیا آیینه عبرت قرار داده به آنهااخطار وهوشدار مید هیم تا با خود ، با ما بادنیای بشر یت با آتش با زی نکنند والا خود را بیشتر از همه به آتشی که می افروز ندخوا هند سوخت .

دوم فبروری ۱۹۴۳ گروه های‌دشمن در محاصره استا لینگراد

بمنا سبت پیر و زی ار دوی‌شوروی بر فا شیزم

مختصر یادداشتی از وقایع مهم جنگ دوم جهانی

شب سی‌و یك ماه اوت ۱۹۳۹ بعد از طنین شلیك تیر، در را دیوی لهستان ، پس از تصرف راد یو لهستان تو سط سه نفر بد ستور هتلر در رادیو به زبان لهستانی اعلام‌نمود ند که :(مو قع جنگ لهستان علیه آلمان‌فرا رسیده)و این یك رمز هتلری بود . به این بهانه در اول سپتامبر به لهستان حمله آغاز گردیده وبتاریخ (۳۰) سپتمبر سا عت یا زده صبح‌انگلستان که با لهستان قرار داد همکا ری داشت به آلمان اعلان جنگ داد. و پس از شش سا عت فرا نسه نیز همین عمل را انجام داد. وبد ین ترتیب جنگ دوم جها نی‌آغازگردید. واین پلا نها در کتاب هتلر بنام «ماین کا مپف» صر یحا تحر یرشده بود .

داد گاه بین المللی نظا می‌نور نبرگ این تو طئه را علیه بشر یت ارزیابی نمود و هتلر قبلا ضمن نقشه های تو سعه‌طلبا نه تصر ف شوروی وکشور های دور دست را منظور اصلی خو یش تعیین‌نموده بود که در اوایل دول غربی ، امریکا انگلستان وفرا نسه در مقا بل این سیاست هاغما ض می نمود ند .

نقشه فا شیست ها اول گر فتن کشور های پوشا لی کو چك ارو پای مر کزی واروپای جنو بی شرقی وشمالی بود . بعد از وا رد نمودن او لین ضربه از آن فرا نسه ،و انگلستان حساب شده بود تا با توا نا یی هر چه تما متر اتحاد شوروی را منهد م وبخا طر فر مانروایی درجهان از ارو پا به نقاط دیگر سوق اداره صو رت گیرد . وبعد ازتصرف افریقامقدمات جنگ‌علیه‌ایالات متحدهٔ امر یکا در نظر گر فته شده بود.

نقشه ای بنام « بار با دو س» عنوان نقشه حمله آلمان فاشیست‌به اتحاد شو روی بود . که پس ازاجر ای‌آن نقشه به اسا س دستور العمل شماره سی‌و دوی هتلری در ماه‌جون ۱۹۴۹ افر یقا میدان تا خت‌و تاز پیش بینی شده بود تا هندو ستان را فتح نما ید . چندی بعد بین‌آلمان وجاپان سند ی به امضا رسید که مفاد آن تقسیم منطقه و نفوذ دورا هزن امپریا لیستی را در خطو ط مداری هفتاد درجه طوالبلد شر قی پیش بینی نمود ،بود بد ین تر تیب تمام افر یقا به آلمان وایتا لیا وبخش شرقی ، هندو ستان به جاپان وا گذار میگرد ید .

در بیست‌و سه ژو ین ۱۹۴۱حمله به اتحاد شوروی آغاز گرد ید وآلمان هاآرزو دا شتند بعد از جنا یات وانسان سوز های که‌رهتو شه تجاوز ایشان بود هفت نوا مبریعنی روز انقلاب اکتبر در مسکو به رژه بپردا زند ولی مو فق نشد ند، زیرا مدا فعان مسکو تاپای جان ایستا د گی کردند . وشعار (همه چیز برای پیروزی)شعارمردم‌شوروی شده‌بود .

قوای شو روی در سال ۱۹۴۱ با از دست دادن وسا یل‌فنی جنگی

لطفاً ورق بزنید

بطرف وا لگا عقب نشینی نموده و لیننگراد در آتش محا صره مبارزه می‌نمود .

جنگ تا در وازه های‌استالینگراد دامنه دار شد و در ۹ نوا مبـــر ۱۹٤۲ حمله متقا بل قوای شو روی شروع وچهار روز بعد سر بازان هتلری در یك حمله گا زا نبری‌بدام افتاد ند . وجر یان جنگـــ از بیـــخ وبن تغییر کرد .

تا سال ۱۹٤۳ شور وی مبدل‌به یك اردو گاه جنگي شده بود . سال ۱۹٤٤ به سال طرد کا مل قـــوای آلمان‌فا شیست از خاك شو روی مبدل گرد ید .وبعد از این پیرو زی های چشمگیر شور وی در اخراج و شکست نیرو های فا شیستی در زوین ۱۹٤٤ قوای امر یکا انگلیس‌در فرا نسه پیا ده شده‌وجبهه دو م را افتتاح‌نمودند .

سر بازان ارتش پیروز مند سرخ پس از بیرون را ندن دشمن ازخاك شوروی به اجرا ی وظا یف آزاد- ببخشی خو یشی در ارو پا پرداخت وملل لهستان ، یو گوسللاویا،چکو- سلواکیا،بلغارستان ، مجار ستا ن و رومانی را از یوغ فا شیسم آزاد سا ختند .

هشتم ماه مه آلمان فا شیست تسلیم شد جشن نهم ماه می وجشن پیروزی بر فا شیسم در سرا سر جهان تجلیل گرد ید .

کنفرا نس تهرا ن :

اتحاد شو روی بعد از سر راست کردن در مقا بل فا شیزم وبعد از تعقیب فا شیست ها در ا خراج از شوروی وپیروزی‌های‌چشمگیری‌که‌به همت سربازان سرخ نصیب اولیـــن کشور سو سیا لیستی جهان شده بود. در جر یان جنگ خوا هـــان افتتاح جبهه دو م جنگ علیه فا- شیزم در شمال فرا نسه بود و لی این‌کار در سال ۱۹٤۲ عملی نشده‌و سال ۱۹٤۳ نیز همینطور گذ شـــت تا اینکه‌مقد مات‌کنفرا نس وزیـــران خارجه اتحاد شو روی انگلستـــان ایالات متحد امر یکا در جر یان‌بود ومکا تیب بین استا لین ، روز ولت وچر چیل تباد له میگرد ید تاکنفرا- نس بین آن هادر مناطق پیشنهادی طر فین دایر گردد وتصمیما تی در مبارزه علیه فا شیزم اتخا ذگرد ید که بعد از طی زمانی پیشنهاد استا- لین مبنی بر تشکیل کنفرا نس در تهران، در پر تو پیرو زی های شو- روی در ارو پا در تهران دا یر گردید.

استا لین درجواب پیشنهاد ات روز ولت در پیام تا ریخی نزده اکتبر وی نو شت(متا سفا نه من نمـــی توانم هیچیك از نقاط پیشنها دی را بجای تهران بپذیرم درین مورد کار مر بوط به حفا ظت نیست زیرا این مو ضوع مرا ناراحت نمی سازد .)

در ین کنفرا نس که در خـــزان ۱۹٤۳ در تهران دایر گرد ید در باره افتتاح جبهه دوم‌به توا فـــق رسیدند که درسال ۱۹٤٤ جبهه دوم در فرا- نسه مفتوح شد .

نگا هی به چند جبهه جنگ در شوروی :

یك ار تش ششصد وشصت‌هزار نفری به شهر استا لینگراد حملـــه نمود ند . عملیات جنگی در اطراف این شهر دو صد شبا نه ادا مـــه میافت ومسا حت صد کیلو متر رادر بر گر فت .

خانه. پا ولف که پنجاوهشت‌شبا- نه‌روز مقا ومت‌قهر ما نا نه نمود از جمله یاد گا رهای تا ریخی وفرا- موش نشد نیست. ششم‌ماه سپتمبر ۱۹٤۱ لنینگراد در حلقه محا صره کامل قرار گر فت نهصد روزوشب تمام از این شهر دفاع گرد ید ولی تسلیم نشد . شتصدوچهل‌و یك‌هزار نفر از قحطی مردند . در هجده ژوییه ۱۹٤۳ حلقه محا صره‌شکاف‌برداشت ودرژا نو یه سال ۱۹٤٤ حلقه‌محاصره رابکلی درهم شکسته وازبین بردند.

وبرای‌مردم جهان این پیرو زی معما بود، معمای که اصـــلا و جود نداشت زیرا : این‌مردم بود ند وشهری بز- رگ، شهر متفکر شهر مبا رز یکه بر قوای اشغا لگر فا شیست بر تری حاصل نمود .

لنینگراد سی‌و هشت ملیا ردروبل خساره بر دا شته بود بر علا وه‌اینکه هزار ها نفر بخا طر دفاع اش جان سپرد ند .

ماه سپتا مبر ۱۹٤۲ استالینگراد مورد حمله فاشیست‌ها قرار گرفت تنا سب قوا بین شوروی وآلمان‌در شهر استا لینگرادیك بر سه بود. وشهریکصدو چهل‌وسه‌روزجنگیدولی تسلیم نا پـــذ یربا قی ماند .

یك سر با ز شو روی در نبرد استا لینگراد می نو یسد :

بقیه در صفحه ٤٤

این اطفال در جنگ علیه نازی‌هـــا والدین شانرا از دست داده اند.

سربازان شوروی بعد از فتـــح‌وپیروزی بر فاشیزم با خوشحالـــی زاید الوصفی یکدیگر را در آغوش گرفتند .

ارتجاع خیال برگشت مردم افغانستان را ازین راه در سر می پرورانند ، کور خوانده اند چنانچه در مقدمه اعلامیه‌ی مذکور گفته می شود . «مردم افغانستان با انقلاب ملی ودموکراتیک ثور ۱۳۵۷ راه نهایی خود را انتخاب ومسیر ایجاد یك جامعه‌ی نوین مبتنی براصول مساوات وعدالت وجامعه‌ی فارغ از استثمار فرد از فرد را در پیش گرفتند جامعه‌ی نوین افغانی بر مبنای احترام عمیق ورعایت عنعنات ملی، تاریخی، فرهنگی ومذهبی‌خلق ما وبر پایه‌ی رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام وآزادی مناسك مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان تضمین‌می نمایداستوارخواهد بود..»

دولت وحکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان بااتکا به اراده‌ی خلل ناپذیر خلق افغانستان بصورت مصممانه از انقلاب ثور ودست آورد های انقلابی آن دفاع می کند ولی بصراحت اظهار می گردد که این همه آمال را با بوجود آمدن شرایط صلح ودوستی باهمه کشور ها بخصوص کشور های همسایه ومسلمان خود ، بوجود آورد . روی همین ملحوظ بصورت مشخص وفور مو لبندی شده در اعلامیه در مورد حسن نیت خو یش در قبال کشور برادر ایران چنین می گویند : «حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می نماید تا برای طرح یك موافقت نامه‌ی مناسب بخاطر انکشاف مناسبات دوستانه وهمه جانبه وهمکاری بنفع جانبین میان دو کشور مذاکره آغاز گردد ...» .

جمهوری دمو کراتیك افغانستان با به پیروزی رسیدن خیزش ظفر مند جدی ۵۸ در همان اوولین روز ها باکمال حسن نیت واحترام دست دوستی وبرادری خود را بسوی برادران هم کیش وهمسایه‌ی ما ایران دراز نمود و بهترین مظهر این حسن نیت واحترام همانا پیام برادرانه وپر از خلوص نیت ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کراتیك افغانستان عنوانی حضرت آیت الله روح الله خمینی رهبرجلیل‌القدر مردم وانقلاب اسلامی ایران می‌باشد .

در مورد پاکستان هم باید متذکر شد همانطوریکه در بیانیه‌ی ملی وتاریخی ٦جدی ۵۸ بکمال صراحت اراده‌ی نیك مردم افغانستان در قبال مردم برادر وهمسایه‌ی ما پاکستا ن متجلی بود اینك در اعلامیه اخیر حکومت ج ، د ، ا در مورد پاکستان اینطور آمده است : «حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان هم چنان به حکومت پاکستان پیشنهاد می‌نماید تا برای طرح یك موافقتنامه دوجانبه در مورد عادی ساختن مناسبات بین افغانستان وپاکستان مذاکرات دایر گردد ...».

دولت انقلابی افغانستان هکذا تذکر می‌دهد که همه کشور های مورد بحث باید آمادگی کامل خود را برای ایجاد روحیه ورویه‌ی‌متقابل احترام بیکدیگر ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، مراعات اصول حسن هم جواری و همسایگی نیك وتعهد قطع فعالیت های‌خصمانه منجمله فعالیت های مسلحانه علیه دیگر کشور ها را ، اظهار بدارند .

جمهوری دموکراتیك افغانستان بخصوص پس از مرحله‌ی نوین انقلاب ثور هر آنچه‌که گوید عمل می‌نماید لذا به تاس از همین اصل قراریکه دراعلامیه‌ی حکومت افغانستان مورخ ۱۱ جدی ۵۸ واعلامیه های بعدی عفو عمومی همه هموطنا نیرا که بنا بر دلایلی خاك وطن را ترك گفته اند باید به وطن باز گردند اینك درین اعلامیه (اعلامیه‌ی ۲٤ ثور ۵۹) یکبار دیگر روی این موضوع تاکید بعمل آمده است وهم چنان حکومت افغانستان از کلیه کشورهای همسایه‌بخصوص حکومت پاکستان تقاضا دارد تا برای عودت این هموطنان ما شرایط لازم را مهیا سازند . هکذا دولت انقلابی افغانستان آماده است تا بمجرد وصول به حل مشکلات ومخاصمات کلیه مسا ئلی را که‌ازسالها به اینطرف بین اووهمسایگانش لاینحل باقی مانده مورد بحث ومذاکره قرار داده وراه حل های اصولی وصلح آمیز را درین موارد جستجو نماید . البته باید دانست که‌پیش کشیدن شرط قبلی، جهت شروع مذاکرات وحل اختلافات مورد قبول دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان نخواهد بود . در ماده پنجم اعلامیه‌ی ۲٤ ثور ۵۹ چنین آمده است : «حکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان عقیده دارد که گذشته از یك سلسله موافقات دو جانبه بین‌افغانستان وپاکستان و افغانستان و ایران ضمانت‌های لازم سیاسی از طرف بعضی دولی که برای افغانستان وسایر جانب های داخل در موافقات دو جانبه قابل قبول باشد باید جزء لاینجزای حل سیاسی محسوب گردد . که‌از

بقیه صفحه ۵

اعلامیهٔ حکومت...

آنجمله به عقیده جمهوری دموکراتیك افغانستان می توان از اتحاد شوروی وایالات متحده ی امریکا نام برد ...»

اینك باز هم یك آزمون تاریخی دیگر در برابر کلیه دولی که در تشنج اوضاع منطقه ذیدخل اند . یعنی هم آن کشور هائیکه‌با تحریك وتسلیح دیگران در امور داخلی‌کشور ما مداخله می کنند وهم آن کشور هائیکه از خاك شان عناصر ضد انقلابی را صادر وبه ماجرا جوئی وقتل وقتال وا می‌دارند .

هکذا در اعلامیه تذکر رفته است که : «حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان‌اعلام می‌دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیرون شدن قطعات محدود نظامی اتحادشوروی از افغانستان نیز باید حل گردد ، قطع‌وتضمین اینکه تجاوزات نظامی وسایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود وعواملی را از بین می‌برد که حکومت افغانستان رابر آن داشت تااز اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره رابه‌قلمرو خودبعمل آورد..»

آری اگر به رویداد های دو ساله اخیریعنی بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب شکو همند ثور وبخصوص بعد از ٦جدی ۵۸ بدقت نظر اندازی شود بخوبی درك خواهد شد که‌مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی کدام کشور دیگر مداخله نماید ویا منافع خلق های کشور های دیگر منجمله ممالك همسایه‌ی خود را متضرر ساخته باشد اراده نمود تا با در پیش گرفتن راه رشد مترقی وآزاد از جاده بهروزی وخوشبختی به‌پیش برودولی نیرو های ارتجاعی وامپریالیستی با بهانه های دروغین ودور ازحقیقت نه تنها بااین اراده‌ی آزاد خلل ناپذیر مردم ما مخاصمت ورزیدندبلکه عملا درین راه با مداخلات ، دسیسه هاوتوطئه ها سنگ اندازی نمودند . مردم افغا نستان بنا به اراده‌ی آهنین وخلل ناپذیر خویش تا توان داشتند علیه این توطئه ها اقدام و آنرا خنثی نمودند ولی مداخلات دشمنان صلح وترقی وپیشرفت بحدی شدت ووسعت یافت که‌تمامیت ارضی، استقلال ملی ، آزادی وبالاخره انقلاب ثور ودست آورد های آنرا بامخاطرات جدی مواجه ساختند ، مردم ودولت افغانستان بنا بر درك این حقیقت که اتحاد شوروی همسایه‌ی نیك ، صلح جو ومدافع صدیق نهضت های‌مترقی ورهائی‌بخش درجهان می‌باشد وهکذا بادرنظر داشت معاهده دوستی، حسن هم جواری وهمسایگی نیك منعقده‌بتاریخ قوس ۵۷ از اتحاد شوروی تقاضای کمك ها منجمله کمك نظامی نمودند که این خواست برحق طرف پذیرش کشور دوست اتحادشوروی واقع شد . امپریالیزم وارتجاع وعظمت‌طلبان جهانی که این کمك مشت هائی شانرا بازنمود وهمه نقشه های شانرا نقش بر آب ساخت‌لذا با سرو صدای وسیع تر از قبل وبا دروغ های شاخدار به‌تبلیغات سوء خویش ادامه دادند. امپریالیزم درین گیرودار پایه اصطلاح آب‌را گل آلود ساختن وماهی گرفتن پرداخت ، منطقه خلیج وبحر هند را بمثابه پایگا های خود دانسته ودرآنجا ها انواع اسلحه‌و مهمات را جابجا نموده ودر اروپای مرکزی نیزسیاست ضد صلح وسوق اسلحه وجابجا سا ختن مرمی هارا عملی نمود واین موضوع با عث نگرانی های وسیع ممالك ومحافل صلح جوی جهان گردید چنانچه در اعلامیه حکومت‌ج،د،ا به این موضوع چنین اشاره شده است : «حکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان در حالیکه در نگرانی سایر دول نسبت به‌افزایش موجودیت نظامی ایالات متحده در بحرهند وخلیج فارس شریك میباشد ، پیشنهاد های مربوط به تبدیل این منطقه را بیك منطقه‌ی صلح وانحلال همه پایگاه های نظامی درآنجا حمایت نموده از تدابیری که غرض کاهش تشنج واستحکام امنیت آن اتخاذ می گردد پشتیبانی می نماید ..»

لذا اینك‌دولت‌انقلابی‌ما‌بابه‌پیش کشیدن‌اعلامیه ۲٤ ثور ۵۹ یکبار دیگر به همه جهانیان‌افغان می‌دارد که‌اگر مداخلات وتحریکات ضد دولت ومردم وانقلاب افغانستان ختم گردد سوال موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی نیزحل خواهد شد وبه موجودیت آن ضرورت احساس نخواهد شد . این چلنج بسیار شریفانه و صلح خواهانه وصادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارتجاعی وشوونیستی‌واقعا حرف وعمل شان فرق ندارد واز مو ضوعات صرف بهره برداری نمی نمایند به این‌خواست انسانی لبیك خواهند گفت .

دولت جمهوری دمو کراتیك افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه تامین امنیت واستقرار در منطقه مورد تائید وتمجید قرار می‌دهد چنانچه در اخیر اعلامیه‌ی مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

«.. حکومت افغانستان مساعی سایر دولت هارا به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات سودمند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان ابتکاری را که توسط جمهوریت کیوبا :ر صلاحیت آن بحیث رئیس جنبش عدم تعهد بعمل آمده وهم چنان مساعی‌جمیله‌ی آن ـ جمهوریت را استقبال و حمایت می کند ...»

آری چون موضع دولت انقلابی ما موضوع صلح جویانه ، صادقانه وتشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیه‌ی فوق با عمل متقابل وباالمثل مواجه گردد . ولی طوریکه دراعلامیه هم گفته شده است مردم ودولت افغانستان هرگز اجازه نمی‌دهد که محافل و عناصر ثالث بدون اشتراك خودش راجع به سر نوشت‌آن تصمیم اتخاذ نمایند .

بطور کلی اعلامیه‌ی تاریخی ۲٤ ثور ۵۹ حکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان‌بصورت یك کل قدمی است در راه تخفیف بحران وتشنج در منطقه وجهان وهم چنان این اعلامیه صحت وسقم ادعا ها وتبلیغات محافل ارتجاعی وامپریالیستی را نیز برملا خواهد ساخت زیرا روحیه ومتن این اعلامیه نشان می‌دهد که دولت افغانستان بصورت جدی طرفدار حل سیاسی ومسالمت آ میز کلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می‌نماید .

افغانستان انقلابی وزعامت جدید آن یعنی زعامت انقلابی مرحله‌ی نوین انقلاب همانطوریکه در ساحه‌ی سیاست داخلی به همه‌قول های خود عمل نموده ووفادار می‌باشد درساحه‌ی سیاست خارجی نیز عین موقف وماهیت رادارا می‌باشد . دیگر آن حفیظالله امین جا سوس که بدون دانستن استحقاق زمام امور دولت وحزب را بدست گرفته بود وتا جائیکه می توانست از دروغ وحیله وریا وخیانت به عهد استفاده می نمود بگور نیستی سپرده شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه وبا تواضح انقلابی به پیش می‌روند وهر خس و خاشاکی را که جلو این پیشرفت را بگیرد، مانند امین وسلطنت های فئودالی بگور نیستی می سپارد . امید جدی وقوی داریم که نیات صادقانه وصلح جویانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازتاب مساعد و صلح جویانه بیابد .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو وآزادیخواه افغانستان

دکور په لاره کې

لنډ داستان

دلنگستن هیوز لیکنه

دلیکوال سره پیژندنه :

«لنگستن هیوز»نوموتی‌تور پوستی‌شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲ کی زیږیدلی . کله چی ده دمنځنی‌تحصیلاتو وروستی کال ته دوام‌ورکاوه خپل لومړنی شعر یی یـــوی‌ورځپاڼی ته وسپاره .
څنگه چی، دی پوهیده چی موریی‌نشی کولای نور دده دلوست خرڅ برابر کړی ، نو دی‌ته اړ شو چی‌په کار کولو بوخت شی .
د«هیوز» شعرونه دتور پوستو دغمونو او خوښیو او ددوی دژونـد دڅرنگوالی انځور دی . دی په خپلوآثارو کی زیاتره دتور پوستـــو او سپین پوستو تضاد څرگند وی .
«هیوز» لنډ داستا نونه ، څـــوسناریو گانی او هم دکوچنیانو دپاره داستانونه لیکلی دی . دده لنـــډداستانونه په ۱۹۳٤ کال کـــی د «سپین پوستو تگلاره» نومی کتاب‌تر عنوان لاندی خپاره شول .
«دکور په لاره کی» دده له ډیـروښو آثارو څخه دی چی خاص هنری ښایست لری .

«کارل» له هغو کسا نو څخه نه و چی تل نشه وی ، له دی کبله نه‌چی له شراب څښلو څخه یی ا خلا قـی ویره او ډار در لود بلکی ده ځان د ډیرو فکرو نو خاو ند با له ، چی ده ته‌یی خاص غرور او متانـت ور ـ ښښلی و . ده ته به تل ویل کیده چی پلار یی شراب څښل .له همدی کبله ده نشه کول ناوړ کار با له .خـــو امکان لری‌چی‌دمیلمستیا په‌وخت‌کی‌یی دیو گیلا س بیر څښل ناوړه کارنه با له . له‌دی کبله چی ده نه غوښتل په شراب څښو نکی مشهور شی نو هیڅ وخت یی شراب نه څښل .

«کارل» له خپلی مور سره ژ منه کی‌یی‌چی دده ټاټوبی‌وښه کارونه ـ څښی ، دی د خپلی مور یوازنی زوی و نو له همد ی کبله د خپلی مور د ډیرو مهر با نیوتر سیوری لاندی‌لوی شوی و.کارل دخپلی‌مور زښت زیات قدر در لود.خو له هغه کسا نو سره چی له ده سره یی سمه و ضعه نـه کوله دونه ښه راشه در شه نه کول او په دی خا طر چی په «سا مرو یل» کی‌یی چی‌دده ټاټوبی وښه کار ونه‌شوای موند لای نویوه بل ښار تـه ستون شو او په هغه ځای کی په‌کار بوخت شو . هره میا شت به‌په هغه ریل کی چی‌په څلور بجو یی مخ په «سا مرویل» حرکت کاوه ، دی هـم سور یده ، تر څوو کړای شی چی د یکشنبی ورځ هلته تیره کړی . ریل به هغه ځای ته رسا وه چی هلته یی کو چنیتوب تیر کړی و .

دی به‌هغه وخت‌ورسید چی دشپی به تیاره وه . ددوی کلیوا لی خوا ړه لکه شیدی او کور نی و چه ډوډی‌وه.

وروسته دشپی له ډوډی څخه به که به داوړی وخت و دی او مور به‌یی دشنبی دشپی لپاره به‌یی سودا ـ بوخت شول ، ښار ته به ورسیدل او دشنبی د شپی لپاره به یی سودا‌ـ اخیستله ، او که به دژمی وخت و نو کله به د گاونډ یو کورو ته‌ولا ړل چی د منو او به و څښی او کله بـه پخپل کور کی پاتی شول څکه امکان یی درلود چی‌میلما نه‌ور کره ورشی. دمیلمنو کو تی ته یی بوزی ، خبری وکړی او پخوا نی ډول ډول سندری دخپل زاړه گراما فون له‌لاری واو ری لنډه دا چی ددوی میلمستیا گا نی د خندا وړ او زړی وی او له هغـــو میلمستیا گا نو سره یی ډیر توپیر در لود کو مو چی په‌ښاری توگه یی رواج درلود .

کارل له خپلی مور او ځان ســره ژمنه کړی وه چی شراب و نه څښی خو په هغه استثنا یی ځا ښت کی‌چی دی‌دیوه شراب خر څو ونکی داوږده میز تر شا ولاړو په یوه عجیب لحن یی ور ته وویل : «یوبوتل شراب».

خر څوو نکی وویل :«څه‌ډول ـ شراب؟»

کارل دزیړو او اوږدو بو تلو نو کتار ته چی دالما ری په منځ کی وو گوته ونیوه‌اوویی ویل: «له‌دغوڅخه» او گوته یی په زیړ و اوږدو بوتلونو ودریده .ده دشرا بو نومو نه هیڅکله نه وو زده . خر څوو نکی ور تـــه وویل :

«دا شراب خواږه دی» کارل غوښتل چی شراب واخلی او ډیر زرو‌ـ لاړشی نوویی ویل :

«همدا غواړم» .

درو حانی رویا ژباړه

خر څوو نکی د شرا بو بو تـــل په کا غذ کی ونغاړه ، پا تی شوی پیسی یی هم بیر ته ور کړی او بیا دیوه بل ا خستو نکی خوا ته روا ن شو .کارل بوتل وا خیست اودباندی ووت . سره لدی چی غو ښتل یی په لږ وخت کی خپلی کو ټی ته ورسیږی گامو نه یی او چت نه ا خیستل .

دده زړه په ټو پو و چی شراب به څه وخت څښی،دی‌دډیرو شرا بخایو نو څخه تیر شو ،خو زړه یی نه غوښتل هلته ننوزی ، څکه چی هیڅکله یی دا سی لوبه نه‌وه کړی . لنـډه دا چی خپلی کوټی ته ورسید .

په هغه لویه او لر غو نی کو ټه‌کی هر هر څه تیاره او آرام وو. کله چی دکور له زینو څخه یی خپلی کو ټی ته گا مو نه اخیستل ،په مخه کی یی هیڅوك نه وو،دکوټو ټول خاوندا ن خپلو کارو نو ته تللی وو . هغـــه ورځ سه شنبه وه ، اوکه هغه ورځ تلگرام نه وای ورته رسید لای ،چی مور یی ډیره نارو غه ده ، ښه بـه داوی چی خپل کور ته راشی ،نودی به هم هرو مرو په خپل کار بو خت و . کارل پو هیده چی تر څلورو بجو پوری ریل‌حر کت‌نه کوی .اوس یوه بجه وه .

ده باید خپل ځان ډیر زر تیار کړی وای چی ولاړ شی .خو نن یی ناڅاپه شراب ته‌په عجیبه تو گه زړه شوی و ،ویل کیږی چی نارینه د خپلـــو اعصا بو دآرا مو لو لپاره شـــراب څښی .په داستا نونو کی قهر مانان برا ندی څښی خو کارل براندی نـه څښل .

دا شراب ښه او په زړه پوری‌ورته

ښکار یدل . کارل مخکښې له دې چې ان خپله خولې په کوټ وخړوی د- شرا بوبوتل یې له کا غذ څخه‌راو - ایست او سر پو ښ یې خلا ص کړ. دمیز له‌سره یې گیلاس وروا حیست او تردریمې حصې پورې‌یې له شرا- بو څخه ډك کړ .دې په دې کو ښښ کې و چې دا سوچ چې مور یې مړه کیږي له ما غزو څخه لیرې کړي .

شراب یې وخښل‌اوپه هیله‌هیله یې‌وویل : «نه ، هیله کوم !» په‌کټ کینا ست چې دمه یې په ځای شي .

سا یې هیڅکله دا سې بنده بنده نه کیده . په ټنډه یې خو لې ورماتې وی ،کر تې او کمیسې یې له ځا نه وایستل او ځان یې دې ته چمتوکاوه چې خپل مخ پرې و ینځي .

«خوته ، لومړی باید بو څخه‌وتړي» وروسته نا ځا په ورپه یاد شـول چې خپلې مور ته یې تحفه نـــه ده اخیستې .

ددې سوچ په نیما یې کې‌و چې د یوه بل شي په فکر کې شو ، هـغـه داچې هغه‌ورځ‌دشنبې‌ورځ نه‌وه له‌هغو ور څو څخه چې هره میا شت یوځلې خپل کور ته روا نیده . هغـه ورځ سه شنبه وه ، هغه نا ځا پې تلگرام چې‌ورته رسید لې و دده د ژونـــد توازن یې گډ وډ کړی و ،هغه تلگرام چې‌په هغه کې لیکل شوی وو «مور دې ډیره نارو غه‌ده ډیر زر کور ته را شه .»

«راسیتر» چې دوړکتوب له وخته ددوی گاو نډی و .ده ته یې هیڅکله ناوړه خبرنه ور کاوه ، نومو ر یـــې باید په رښتیا سره ډیره ناروغه‌وی باید دا فکر ونه کړي چې هغې تـــه تحفه راو نیسي . الماری ته نږ دې شو چې‌بو خخه راوا خلی ،خو لاسو نه‌یې هیڅ کارونه کړ . زیړو شرابو په اوږده بو تل کې دمیز په‌سر دې ځان ته رابا له ،کارل هم ور نږ دې‌و تاوده او خواږه شراب !؟

بل هیڅوك په کو ټه کې نه وو ، اصلا په‌کور کې هیڅوك نه لیدل کیدل ښایي یوازې دکور خاو نده به‌په هغه ځای کې وه ، په دې ښار کې هیچا له ده سره خبرې اترې نه وې کړې.

کارل بیا هم خپل گیلا س لـــه شرابو څخه ډك کړ، او ویې څښـــه وروسته یې دالماری روك کش کړ اود زیړی خرپیلو لوازم یې واخستل او په کټ یې کیښودل . له بل روك څخه یې دوه کمیسو نه راوا یستل «درې یا څلور کمیسو نه به ښـــه وی» هغه ورځ داوو نې وروستې‌ورځ نه وه دابه ښه وه چې اضا فـــــې کمیســـو نـــه یـــې هـــم را ایستلې وای . امکان یې در لود چې دمور نارو غتیا یې ډیره اوږده شي او دې اړ وی چې یوه یا څـو او ونې هلته پا تې شي . اوشاید دابه ښه وی چې تیا ره کمیسو نه را وا خلی‌څکه امکان یې در لود مور یې..

دا سې و لکه چې په خپله یې سوك وهل شوی وی . یو نخا ځا پې غـم او اند یښنې یې ټول ځان نیو لی‌و. پدا سې حال کې چې لږ زیده په‌کټ کیناست. له ځانه سره به یې خبرې کولې «په سد شه ، سم شه سړیه!» په ستړ تیا سره یې په هندا ره کې خپلې ځیرې ته وکتل او مو سکـــې غوندې شو . «سم شه سړیه!»

بیا یې هم گیـلاس ډك کړ اوپه یوه دمه یې په سر وا ړ اوه. وروسته بیاودر ید ،ور دید او خـان یې داسې حس کړ چې گنې اوږدشـــوی دی ، داسې فکر کاوه چې گنې‌سرې‌یې پیشتول،او چت» رسید لې دی.

ورو سته نا ځا په هندا رې ته ځیر شو اوداسې په سندرو و بلو پیـل وکړ:

په پسر لې کې ، سره گلو نه
په پسر لې کې ، په سندروو یلو پیل کوی .
سره گلو نه ، په پسر لې کې
په سندرو و یلو پیل کوی

کا لې یې را وا خیستل اود حمام کا لې یې وا غو ستل . په پام پام یې‌بوتل وچ کړ له کو ټې‌څخه ووت او حمام ته ننوت تر او سه یې هم سندرې ویلې تشت یې له او بو ډك کـــړ او په منځکـــې یـــــې کیناست . دتشت اوبه هم لکه‌شراب غوندې تا ودې وی . په زړه پو رې حالت یې احساس کړ . د یـــوې چمنیزې او تیارې شپې په یاد شـو چې دکور دحو یلې په یوه گو ښه کې له یوې نجلې سره زیړه ځیره‌یې در لوده لوبه کوله ، مور یـــــې راغله او دوی یې سره جلا کړل او کو چنې نجلې یې کورته روانه‌کړه. له دې کبله چې له ښې کور نې څخه نه وه .

کارل په تشت کې سم کیناست اود تشت او به یې له غږ سره سم یـه خپله شااو سرا چو لې :زه مست یم ؟ څه شوی؟ څه بلا دربانـــدې رغلې ؟ د خپلې مور په هکله داسې فکر کوی ؟شا ید هغه مړ، مړ... گوره؟! غوږ و نیسه په څلو روبجو باید په ریل کې ولاړ شي ! »

او او س یې غو ښتل چې خپـل کور ته ولاړ شي ، مست شوی و. په لړزه را غلې زړه یې‌ورځید . پـه تشت کې اوږد پر یوت چې دمه یې جوړ ه‌شي دده ټول ځان په تودې‌اوبو کې و.. یوا زې سر یې له او بوڅخه وتلې و .

ده‌ته دادول اوږدپر یوتـل ښـــه وو، چوپ او آرام . دسه شنبې په ورځ چې هر څوك په خپلـــه اداره کې په‌کار بو ځت دې، او دې‌چې‌کارل اند ر سن دې ، چوپ او آرام د تشت په تودو او بو کې ز غید لې. شاید یوه ورځ له‌ور څو نه‌په هغو لږو پیسو چې سا تلې یې‌دې دموټر خاوند شي او نجو نې له ځا نه سره وگر زوی . هغه هم په پسر لـــې کې... کله چې سره گلو نه دپسر لې په‌وخت کې سند رې وا یې .

کارل ښه غږ در لود اوساختکې غږیې په خوږو شرابو ډك و ،سرو- گلو نو ته په زړه پو رې .

په‌تشت کې ودر ید اود خوشالۍ نه په ډك او لوړ غږ یې په سند رو ویلو پیل وکړ . په دې وخت کې یې ناڅاپه دوره ټك ټـك واورید.

څه‌خبره‌ده ؟

داغږ دکور دخا ونـــد و چـــې د دهلیز څخه اور یدل کیدو . نوباید ان له ښکته څخه یې دده غږ اور- ید لې وی . «هیڅ محتر می دایر»! هیـڅ! یوا زې فکر کوم زړه مـــې غواړي سند رې ووا یم .

«ښا غلیه اند رسن! ته‌دورځې په دې وخت کې‌څه کوې؟»

«غوا ړم چې ولاړ شم او مور می وو ینم هغه ....»

«تا سو تر بلبلې څخه هم زیات خو شا له‌یا ست .....فکرنه‌کـــوم»

کارل دکـور د خا وند د پښو غـــــــر واورید چې له زینو څخه ښکته شوه.

«هغه....»

سر یې په څر خیدو بیل وکړ .

«مور می .....»

یووار ، سټر گې یې سر ې‌شوی دتشت دوی خوا وی یې ونیوی چې له هغه نه را وو زې .مست ، هوکې! هغه مست و، مست !

نوربیا

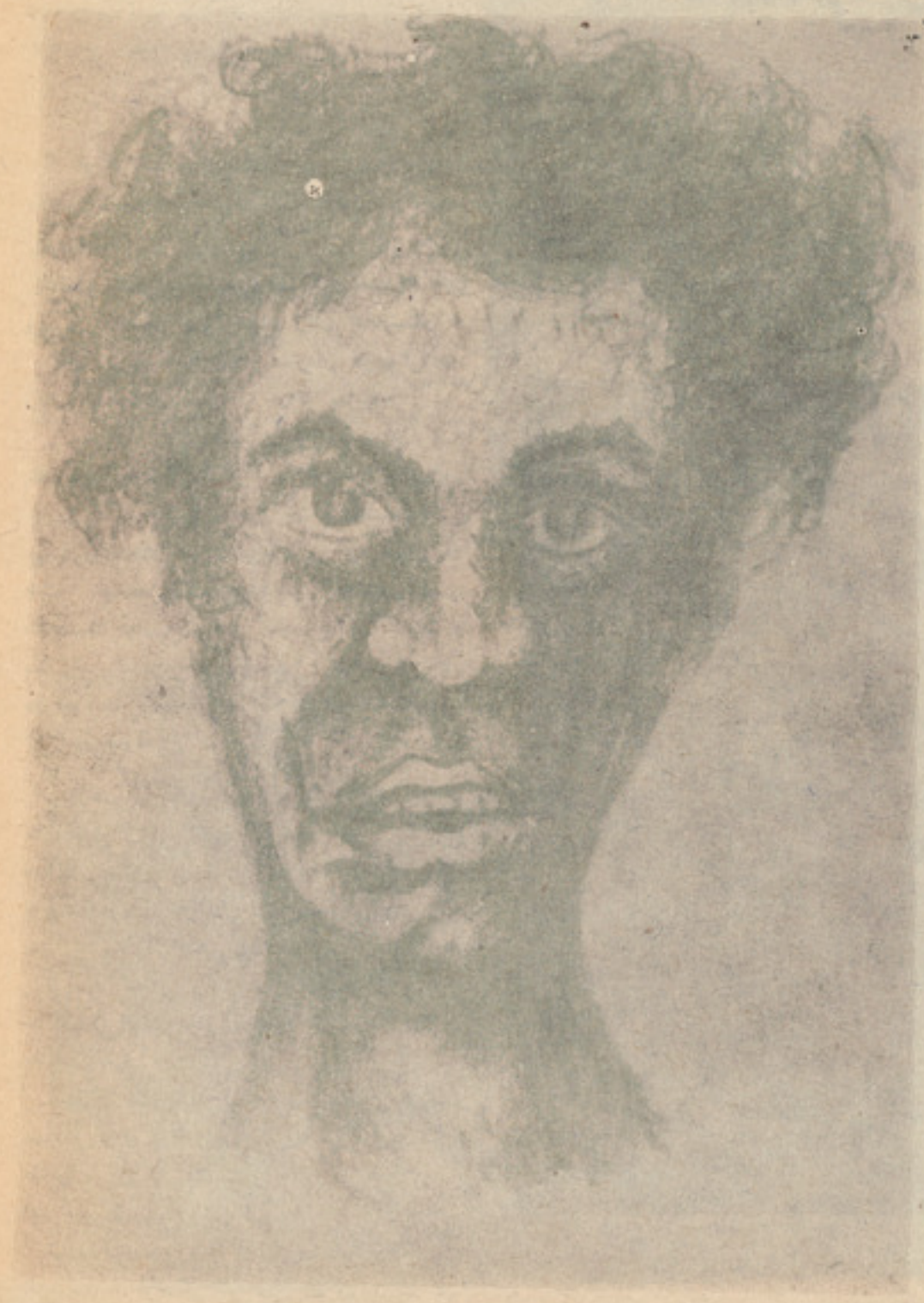

زنان آزادهٔ ما این مشعل داران راه آزادی

گفت وشنودی بانجیبه هوتکی عضو هیات رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

لطفا درباره تاریخچه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان معلومات ارائه نمایید.

ـ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که نخستین سازمان متشکل و نیرومند زنان در تاریخ کشور است . همزمان با تاسیس حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان در ۱۹۶۵ توسط دوکتورس اناهیتا راتب زاد شخصیت مبارز وانقلابی پایه گذاری شد و مبارزات رهایی بخش خودرا برای اولین بار در چوکات یك سازمان اصولی و متشکل توده ئی آغاز نمود .

سازمان ما علی الرغم مشکلات ودشواری های فراوان که ناشی از نظام فرتوت فیودالی در کشور بود توانست مبارزات آگاهانه ووطن پرستانه زنان را بخاطر تامین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در مسیر اصولی رهبری کندو در پیکارضدارتجاعی وضد امپریالیستی درپهلوی حزب‌دموکراتیک خلق‌دلیرانه اشتراك‌فعال‌داشته باشد .

سازمان مادر طی پانزده سال موجودیت‌خود همواره برای ارتقای شعور اجتماعی و سیاسی نقش بزرگی را ایفا نموده است .

این یك مطلب روشن است که :

زنان کشور ما عملا از حقوق سیاسی‌اجتماعی اقتصادی و فرهنگی خویش محروم بودند هم در جامعه و هم در فامیل متحمل محرومیت های فراوان می گردیدند .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در بدو تاسیس خود تشخیص داده بود که برای‌اینکه زنان کشور شایسته گی خویش را در جامعه و فامیل بدست آورند باید مبارزه دشوار و طولانی رادر پیش گیرند روی چنین ضرورتی سازمان ایجاد و به اهمیت وظایف سنگین و مسوولیت های تاریخی جداً توجه‌نمود. روی این ملحوظ سازمان در برابر خود و در برابر زنان آگاه کشور دو وظیفه ودو مسوولیت مهم را چه در عرصه مبارزات صنفی و چه در عرصه مبارزات‌سیاسی قرارداد چنانچه درکنفرانس تاریخی هشتم مارچ مطابق ۱۷ حوت ۱۳۲۷ مرام سازمان و مدتی بعد اساسنامه سازمان اعلام گردید .

خوب نجیبه جان‌برای معلومات بیشتر اگر درباره مرام یااهداف سازمان دموکراتیک زنان افغانستان روشنی اندازید ممنون‌میشوم.

درپاسخ بایدگفت:

هدف یامرام رهایی بخش سازمان ماعمدتاً این مطالب را دربرمیگیرد.

ـ تامین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه ها اعم از اقتصادی ، اجتماعی ،مدنی ، سیاسی و فرهنگی واحترام مقام زن در کار و جامعه .

ـ تامین حق کار زنان بدون قید وشرط ،با دستمزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی واشتغال در تمام امور وحرفه ها .

ـ امحای بیسوادی وتامین حق مساوی تعلیم و تحصیل تمام زنان .

رهایی زن از قید عادات خرافی عنعنات ظالمانه و رسوم ضد کرامت انسانی تامین‌حقوق زن در امر ازدواج مالکیت واطفال ایجادشرایط مصئون اجتماعی برای تشکیل خانواده مطابق رضایت واقعی زن ومرد و مبارزه علیه ازدواج اجباری یکی‌از اهداف دیگرسازمان است .

زنان شجاع‌ومبارزمادر گذشته‌چون‌دزاستوار در برابر دشمنان رنگا رنگ استواری ومقاومت را از دست نداده وباهوشیاری به مبارزه توده یی ادامه میدادند .

نجیبه هوتکی عضو هیات رهبری سازمان‌دموکراتیک زنان افغانستان

همچنان تامین حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مثلا حق انتخاب کردن وانتخاب شدن آزادی بیان شرکت در احزاب ،اجتماعات حمایه کودك در برابر ظلم و استثمار و کار اجباری و مبارزه جدی علیه امپر یالیزم ملتارلیزم و فاشیزم وپشتیبانی و همدردی از زنان ملل ستمدیده که برای آزادی واستقلال میرزمند از جمله اهداف اساسی این سازما ن بشمار میرود ۰

سازمان دموکرا تیك زنان افغانستان وظیفه خود می داند که از یکسو وظایف صنفی و سیاسی خویشس را به سویه ملی انجام دهد و از سوی دیگر علیه جنگ ، تجاوز تحریکات امپریا لیستی مبارزه کند و از نهضت های رهائی بخشس در سراسر جهان واز مبا رزات سازمان های مترقی زنان و زنان ترقیخواه جهان بخاطر صلح ، آزادی ، دموکرا سی پشتیبا نی نموده و هر گونه پلانهای شوم امپریا لیزم را خنثی سازد۰

آیا سازمان دموکرا تیك زنان با فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان ارتباط دارد؟

ـالبته که سازمان مابافدراسیون بین‌المللی زنان ارتباط دارد ۰

سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان سه سال قبل توسط فدراسیون دمو کراتیك بین‌المللی زنان برسمیت شناخته شده بود ۰وفعلا عضو فعال فدرا سیون می باشد واز پشتیبانی و کمك فدراسیون و دیگر سازمانهای دموکراتیك و مترقی بر خوردار می باشد ۰

تا به‌حال هیئت نمایندگی سازمان دموکراتیك زنان افغانستان در اثر دعوت سازمان های اتحاد شوروی به‌آن کشور ها مسافرت کرده اند دمو کراتیك زنان کیوبا ،آلمان دموکراتیك ،، و چند سازمان دیگر نیز از نماینده های سازمان دموکراتیك زنان افغانستان دعوت بعمل آورده اند ۰

مشکیلاتکه پیش‌از انقلاب شکوهمند ثور بان روبه‌رو بودید چه بود؟

ـواضح است که شرایط پیش از انقلاب ثور شرایط سیاه استبدادی بودواصلا تاقبل‌ازانقلاب ثور هیچ قانون دمو کراتیك و مترقی در جهت بهبود بخشیدن وضع وقتیار زنان کشور در معرض اجرا قرار نگرفته بود ۰ و سلطنت های مطلقه ارتجاعی افغانستان روز به روز عرصه مبارزه را برای شرکت زنان تنگ وتنگتر می ساخت ۰ وعمدتا مشکلات از دو ناحیه بروز می کرد ۰

یکی هم موجودیت نظام های مستبد ارتجاعی که فاقد خصلت دمو کراتیك بوده وهمواره می کوشید با سیاست ارتجاعی خود مانع آگاهی تشکیل و رشد زنان شود۰ و از جانب دیگر تسلط رسوم وعادات خرافی قرون‌وسطایی که عملا زن رادر جامعه مابرده ودربند زنجیر اسارات قرار میداد۰ باعث شد تازنان را از نهضت ومبارزات آزادیخواهی شان دورنگهدارند ولی باوجود این همه موانع‌و دشوار یهاسازمان زنان با قدرت رزمندگی و سازما ندهی که داشت قادر شد که یکتعداد قابل ملاحظه زنان را که در تحت شرایط فئودالی قرار داشتند منحیث اعضای وفادارخودجمع‌کند ودریك صف فشرده و آهنین وبا استواری و ایمان راسخ به مبارزه بصورت یك پارچه و متشکل درجهت مبارزات اقتصادی وسیاسی وحتی اید لو ژیك سمت دهد ۰

لطفا بگوئید که‌شرایط عضویت درسازمان به‌چه اساس است؟

ـ سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان یك سازمان ملی دمو کراتیك و توده ای زنان افغا نستان است ۰

وعضویت سازمان به اساس خواست داوطلبانه تمام زنان افغانستان اعم از زنان کارگر دهقان، پیشه ور وروشنفکر وزنان خانه صرف نظرازتفاوت های نژادی قومی ، قبیلوی ،مذهبی ونظریات سیاسی میباشد۰

و هرتبعه زن افغانستان که سن ۱٦ راتکمیل کرده باشند و مرامنامه سازمان را قبول ودرراه تطبیق آن بکوشد حق العضویت بپردازد می تواند عضو سازمان شود ۰

در دوره ترور و اختناق امین جلاد چگونه فعالیت داشتید؟

ـباوجود یکه قبلا تذکر دادم بازهم میگویم که سازمان دموکرا تیك زنان افغانستان درطی پانزده سال حیات خود با قبول فدا کاریها بر ضد دشمنان داخلی و امپر یالیزم سنگربه‌سنگر به‌پهلوی حزب دموکراتیك خلق افغانستان به پیکار قهرمانانه ادامه داده است۰

باوجود اختناق دوره سیاه امین ومشکلات گو ناگون که باند تبهکارش دربرابر ما ایجاد کرده بود سازمان لحظه ای از مشی اصولی و بر حق خود انحراف نکرد و فعا لیتهای خود را گسترده تر ووسیعتر درمیان اقشار مختلف زنان روشنفکران ، کارگران ، دهقانان بسط وتوسعه داد ۰ ومسیر مبارزه را بصورت‌اصولی تعقیب نمود۰ وزمانیکه مشی خاینانه وانحرافی امین آدمکش احساس شد سازمان دموکراتیك زنان افغانستان باهوشیاری انقلابی ایکه داشت مبارزات سازمان را شکل مخفی بخشیدو با استفاده از امکانات و شرایط متنوع مخفی فعالیتهای انقلابی را تنظیم کرد و موضع گیری قاطعانه وا صولی را در برابر مش فا شستی امین اتخاذ کردو مبارزه جدی تر علیه باند آغاز نمود و قهرمانی چشمگیری از خود نشانداد ۰

هر عضو سازمان در پیشبرد کار و فعالیت انقلابی ووظایف که‌برایش تعیین میشود ابتکارات ودلاوری خا صی ازخود بخرچ می داد ۰ و کار انقلابی را موفقانه بانجام میرساند۰ با افتخار تمام میتوانم اظهار کنم که با همه ظلم وستم ها ووحشی گری ها شکنجه‌دادنهاو حتی قتل گروه گر و ۰ از جوانان انقلابی این فرزندان قهرمان وطن این دلیرمردان تاریخ کشور که نام شان زنده وجاویدان است و شجاعت شان در خاطره ها باقیست ۰ اعضای دلیر سازمان دمو کراتیك زنان‌افغانستان چه در زندان و چه در بیرون از زندان لحظه‌ای ازپیکار انقلابی واجرای وظایف دست‌نکشیدند و با غرور و قاطعیت و جسارت بی امان مبارزه راتاسرحد پیروزی وسرنگونی امین جلاد پیش بردند ۰

کدام‌گفتنی‌اگربه‌زنان‌کشور داشته باشید ؟

ـدراخیرازتمام زنان شرافتمندومادران‌قهرمان وطن دعوت بعمل‌می‌آوریم که‌در گرد سا زمان دموکراتیك زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوا و رزمنده حلقه زنند و بصورت یك مشت و یك پارچه در صف متحد با حزب د۰ خ۰ا۰ علیه دشمنان جنایتکار علیه باندید های آدمکش و دشمنان صلح و آرامش مبارزه‌نموده و در راه تطبیق دستاورد های مرحله نوین انقلاب ثور در راه تامین نظم و آرامش و ترقی جامعه سعی لازم را بخرچ دهند ۰

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان این‌گردان ،پیش‌آهنگ ونجات بخشای زنان‌درافغانستان

گرچه ظلم واستبداد سلطنتی به‌اوجش رسیده بود مگر در عزم واراده خلل نا پذیر زنان قهرمان ماتاثیر نمیکرد

عشق و امید

در جهان عشق سعی باطل انکار نیست
در مقام جلوهٔ حق پردهٔ پندار نیست
(آفتاب آمد دلیل آفتاب) عشق ما
کارما راگر دلیلی هست غیراز کارنیست
حق نمایانست چون مه درمیان اختران
معنی روشن اسیر صورت انکار نیست
سینه های خلقها آیینهٔ کردار هاست
هیچ تصویر دگرگویاتر از کردارنیست
کوه وکوتل میتراشد وهم مادر راه ما
عشق ماخام است یاران راه ناهموارنیست

بی جهت ازلیلی مطلوب دورافتاده ام
ورنه صحرای گریبانرا درو دیوار نیست
ساده لوحان ایمنند از دام نیرنگ زمان
چون صفای خلوت آیینه را اغیار نیست
از کدورت باخیال خویش گردی روبرو
آنچه را بیگانه پنداری بجززنگار نیست
میخورد خار وگل اینباغ از یکریشه آب
در گلستان معانی فرق نوروتار نیست
بی امیدوعشق هرکاریکه باشدمشکل است
یادما گر عشق گرددکارمادشوار نیست

حیدری تنجشیری

در نیکی

بیا تا جهان را به بد نسپریم
به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار
همان به که نیکی بود یادگار
به پاداش نیکی بیابی بهشت
خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

فردوسی

گلچین گیلانی

راه

راه است وپای خستهٔ من، کفش تنگ من
چاه است وچاله، پیچ وخم ونام وننگ من
کوه است ودره ، جنگل انبوه وسنگ وگل
دندان شیر وگرگ و تپش های درد دل
رنج است ونا امیدی و میخ است وخاروخیش
میراندم به پیش ، که میراندم به پیش ؟
این هستی من است ونمیدانم از کجا ست
ازکیست ؟ بهرچیست؟ چنین پرخطرچراست؟
این چیست در دل من ؟ مهر است یا نیاز ؟
یا آز ؟ یا نشانهٔ انگشت چرک راز ؟
دل چیست ؟ ازبرای که این جوش واین خروش؟
این چست وخیز دمبدم موج سرخ پوش ؟
در دره های مغز من این رود های مار
سوی کدام دریا هستند رهسپار ؟

نیکویی

جهانا سراسر فسونی وباد
به تو نیست مرد خردمند شاد
به کردار های توچون بنگرم
فسوس است وبازی نماید برم
خنک آنکه زو نیکویی یادگار
بماند اگر بنده گر شهریار

راستی

نبینی به جز راستی پیشه ام
بکژی نیابد خود اندیشه ام
به گیتی به ازراستی پیشه نیست
زکژی بتر هیچ اندیشه نیست

چه دانی

به هرجایگه یاردرویش باش
همی رادبردمردم خویش باش
ببین نیک تادوستدار توکیست
خردمندواندوه گسار توکیست
ببخش وبیارای وفردا مگوی
چه دانی که فرداچه آیدبروی

ژوندون

نامهٔ وداع

پرسان پرسان رسیدم از راه
پیدا کردم نشان او را
بفشردم زنگ ودر گشودند
گفتم گولیدش آید اینجا
دیدم کامد زخانه بیرون
سنگین سنگین وسر فگنده
ترسان ، چون کودك گنهگار
لرزان ، چون آهوی رمنده
آمد رویش ز شرم گلگون
لب هابیرنگ وسرد وخاموش
چشمان تبدار وپوزش انگیز
زلفان آشفته بربناگوش
بسپردم نامه را بدستش
گفتم با طعنه ای دل آزار
بستان ! این نامهٔ وداغ است
رفتم ، رفتم، خدا نگهدار .

شعر سپیده

پایك بهار ، رویش گلهای رحمتی
یامن بمان که برزخ دلهای غربتی
من در کنار پنجره تفسیر کرده ام
این قصه را که آیت زیبای جنتی .
در جلگه های خرم این فصل نوبهار
شعر سپیده‌ای وزباغ فراغتی .
در حجم های کوچك فردای خاطرم
حقاکه بی نشانه ترین مرز ساحتی .
من دربناه غربت شبها نشسته ام
تو باطنین روز ، ذرین کوب راحتی
توچون نگین ناب به انگشتر نگاه
در هرکجای شهر چه فرخنده آیتی .

بشیر سخاورز

علی احمد شیر زی

کاشکی باغوان وای

کاشکی با غوان وی لو بید لم به‌له گلو سره
وم به فطرت سره ملگری خیال دبنکلو سره
بنکلی مخو نه به می بنکل وه له‌نسیم سره گلو
مستو نشو کی لمبید لم به لـه‌ملو سره
یابه می غیږ کی تینگو له د فطرت‌ناو کـــی
یابه تړلی دام دزلفو کی کا کلوســـــر ه
کله چی پیغلو اینبو دل دعقیدت‌گلو نـــه
تلم به مزار دشهیدا نو ته سنبلوســـــر ه
ډکه زولی به می دگلو او غنچـــوورورړه
یولاله‌زار به‌په مزار وه ځما تللوســـــر ه
دتورو ز لفو په ټالو نو کی دگلوامیـــــل
له لونگین سره به گډوم لـــه‌اور بلو سره
کاشکی با غوان وای چی د گلـوغاړ کی ســـره
دتور اور بل دپا سه خو بښ به‌وم‌زا نگلو ســـره
له عند لیب سره به‌گډ دسوز سازیـه نغمـــو
راز او نیاز به می همیشی وه له‌بلبلو ســـره
وم به او لس سره ملگری دخپل‌شعر په ژبه
ځکه او لس ته خد مت کیږی بنمولیکلو ســـره
شیر زی دا ځو تکی ویلی‌دبا غوان‌له ژبـــی
دده په هیلی پکښی و مو مـــی‌کتلو ســـره

سره یو دی

امپر یالیزم وشیو نیزم سره یودی
صهیونیزم او فـاشیزم سره یـــودی
ماکیاولیزم وریو ولیزم سره یودی
انار شیزم وترور یزم سره یـــودی

دوکتور زیار

شبگرد

یك شب تاریك و عالم در سکوت
کوره باریك بود و کس نبـــود
مه نبود اند یشه بودوجا م بود
شیشه‌بود و من بد م او هام بود
دیدم از ظلمت سرا ی دور نور
چهره خود می نمود اما چه سود
تارسیدم پا ی گور نا شنا ســ
شمع او خاموش مرد ی مرده‌بود
نعش بیجان مجا ور سرد بـــود
حیف گفتم خود به ره گشتم‌روان
تاشفق شدصبح سیمین‌تن دمید
پای شبگردی لب ساحل رسـید
پرنیان شن بودو بحرآرام بـــود
من بدم اندیشه بود و جام بود ،

خوشه چین

شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم وبااوبه گفت وشنود صمیمانه‌یی‌پیرامون‌امور سینما یی میپردازم که بیشتر به جدل میماند وردوبدل اندیشه ونظر ما در باره هنر هفتم ـ باتوجه به نظرات خاصی که اودراین زمینه دارد حاصل این نشست چندساعته رابه‌صورت مصاحبه‌گونه‌ی فشرده و مقداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت وساده گویی‌میگردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش میاورم تاچه در نظر خواهی از شفق در باره‌هنر سینما آغاز میگردد.

ـ شفق جان ! باتوجه به‌امکانات وسیعی‌که سینما دربازآفرینی‌یعنی‌واقعیت‌هاواثرگذاری در اندیشه بیننده والقای‌مفاهیم دارداز‌سوی‌دیگربا قبول‌این نظرکه‌این‌هنربه‌خاطر ارزانترین‌بودنش درمیان وسایل گونه گون‌تفریحی بیشترین گروه های مردم رابه سالون های نمایش میکشاند ـ هر روز ساحه مطالعه وتحقیق نیز پیرامون اثرات روانی واجتماعی آن روی بیننده گسترده تر میگردد ونظرات تازه یی در ابعاد مختلف آن ارائه میگردد که هریـــک طرفداران و مخالفانی دارد .

به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت ، نخست اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشدوبا استفاده از امکانات فنی وکار بردو سیع خوددر پروراندن یـــک قصه مسیر اندیشه تماشاگررا دریـــک جهت خاص اخلاقی رهنمون گردد ودیگر

این‌چهره ها واعمال خلاف اخلاق اجتماعی‌مساله‌یی است که باز مانند شرایط نابسامان‌گذشته به‌خوبی درفلم جنایتکاران مـــورد بررسی قرار میگیرد.

بسلسله مصاحبه های اختصاصی ژ وندون‌باهنرمندان

گفتگویی باتور یالی شفق دایـرکتر پرودیو سر سینما

از آفرینندگی وخلاقیت وبی هدفی در

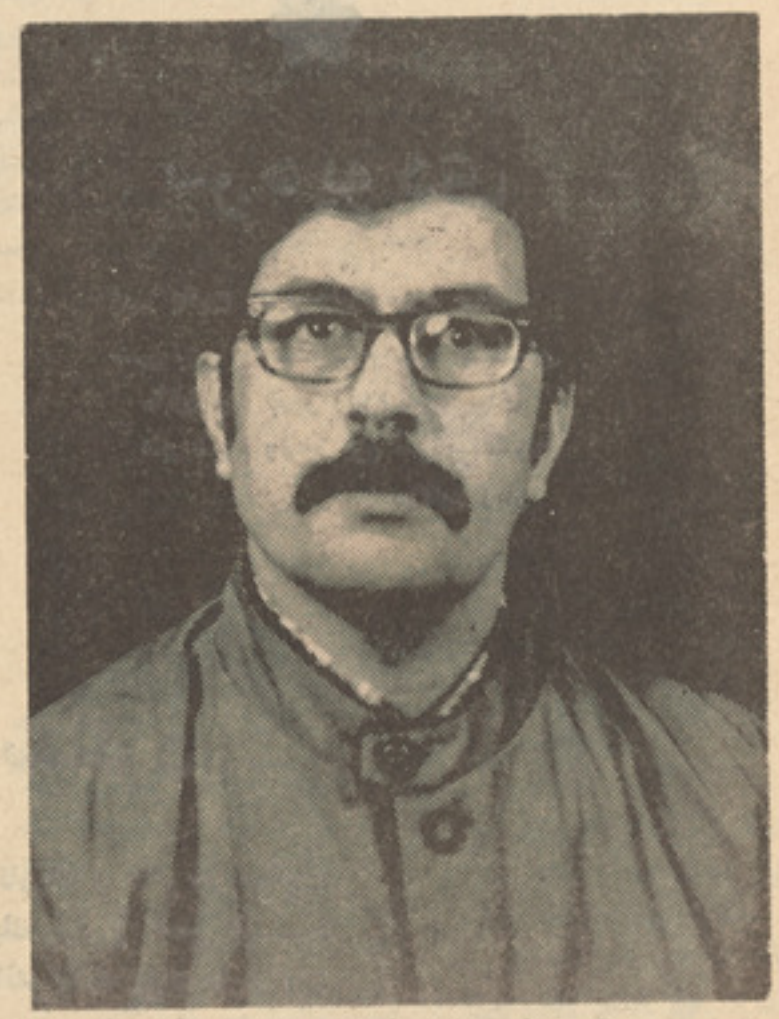

تورپالی شفق کارگردان فلم جنایتکاران

• اگربه گردانندگان امور سینمایی کمک‌نگردد، سینمای ملی ورشکست میشود.

• وقتی سینما گر روشنگر نتواندانديشه های متر قی‌دوران خودرادر قالبهای ساده بیفگند به خاطـــرگریز از قیچی سا نسور به افا ده تصویر ی‌سمبو لیك میپـــر دا زدوحر فش رامیگو ید .

آشنا شو یم

تور یالی شفـق بعد از آنکـــه‌تحصیلا تش را دررشته امـــور سینمایی در کشور هند بپا یـــان‌رسانید ، عملا وارد کار سینما شدو نخستین تجربه هایش را در ایـــن‌زمینه با مو نتاژ (پیوند) فلم وکمك کارگردا نی سا خته های افغان فلم‌به‌آغازگر فت .

روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمك دایر ـ کتش آنرا عهده‌دار بود وبعد ازآن‌باکارگر دانی دو فلم هنری مجسمه ها می خندند وغلام عشق مستقـــل‌به پیاده ساختن تجربه های هنـری خود در زمینه تو لید فلم پردا خت.

شفـق اکنون صا حب امتیاز و مسوول شفق فلم است که اولیـــن محصول هنری آن جنا یتکا ران به‌کار گردانی خودش به زودی روی اکران خواهد آمد .

وی سی‌و دو سال دا رد ودو بارازدواج کرده است .

محمدجان گورن یکی از ورزیده ترین بـا ز یگـران و هنر پیشه گان سینمای ملی افغانستان است که بدون شك خواهـد توانست باپیگیری خود موقف یك هنرپیشه‌ای جهانی را احراز کند

لایت تادنبال رویی
ر سینما

• اگر هنر هفتم باز تا بـی ازواقعیت های عینی جا معه با شد، باید گر گ در آن گر گ تصو یـر گردد و بره ، بره

• هر ساز ند گی وخلا قیتی رادرسینما وهنر نمیتوان به‌تایید گرفت. باید دید که این آفرینش چه را می‌خواهدبگوید وچه رانفی می کند .

• • •

اینکه هنر هفتم نیز مانند هر هنر دیگری‌باز تابی باشد از واقعیت های درونی وعینی جامعه که‌در آن بابرش های قطعاتی از زندگی عادی وروزانه بیننده به عمق‌مسایل وحوادثی کشیده شود که هرروز به‌نحوی باآن سروکار دارد- امادر این نشاند هی هرگز تعیین گر نباشد. اندرز ندهد- خوب هاوبدهارابا‌موازین خا ص اخلاقی که‌سینما گربه‌آن اعتقاد داردبه خـورد مردم ندهد وبگذارد که‌تماشاگر خود به تفکـر کشیده شود ودراین نوع دوم ، هنر بیشتربه خاطر هنر مطرح باشد تابه‌خاطر آموزش‌دهـی، بایاد آوری این نکته که طرفداران چنین سینمای عقیده دارند که‌باز آفرینی واقعیت اگر کامل وبی عیب وهنر مندانه صورت گیرد خودبه خود تماشاگر را یاری‌میدهد که راه درست را از نادرست تشخیص دهد وانگیزه هارا بتواند به درك گیرد .

نظر شما در این زمینه‌چیست -شما معتقدبچه نوع سینمای هستید وخوب‌وبدرا دراین‌هنر باچه معیار ها وضوابطی تعیین می‌کنید؟

-این مساله فرق میکند که سینما را در کدام جامعه ،درمیان کدام مردم ودرچه سطـحی از فرهنگ ودانش همگانی به‌طرح میاریم. مـن اعتقاد به‌سینمایی دارم که‌آموزش‌درآن نه دریك چوکات خاصی اخلاقی ، بلکه دریك پهنای‌وسیع اجتماعی مطرح باشد ، سینما بهر صورت وبهر شکل که‌ارائه‌یابد بایدخصوصیت باز آفرینی و بازتابی خودرا ازواقعیت‌هاازدست‌ندهدبگونه‌یی که تماشاگر رابه تفکر در باره زندگی وادارد به‌اوکمك کند که‌بادیدن معلـول ها در پـی علت باشد . به‌او بیاموزاند که زندگی هرگز درساحه پندار ها، خواست ها وامیال اوخلاصه نمیگردد ، سینما باید بتواند تماشاگر راازسطح به‌عمق بکشاند واحساسات اورا برانگیزاند - عاطفه های انسانی‌را با هم‌گره زند ومیان انسان ها درهمه جا پیوند بر قرار کند -با چنین‌معیار هایی است که‌من‌به تعیین خوب هاوبد هـای سیمایی‌میپردازم‌ودرپهلوی‌همه‌این هابه آفرینش هنری درکار سینما ارزش فراوان قایلم -چنانکه اگر آفرینش وخلاقیت درسینما مطرح نباشد آنرا در حدیك ابتذال میدانم ونه یك ارائـه هنری .

-من‌فکر میکنم نمتیوان هرخلاقیتی رادر هنر به تائید گرفت . ممکن است یك آفرینش‌هنری باهمه زیبایی که دارد دراصل ازفلسفه‌ی دفاع کند که‌درآن منافع انسانی درنظر گرفته‌نشده باشد ویا ازاقلیتی دفاع کندکه‌چپاو لگرانـه به‌جان‌اکثریتی بزرگ افتاده باشند ویا واقعیت های عینی زندگی اجتماعی رامسخ کند ومانندا‌ین ها - شما دراین مورد چگونه آفرینشی‌رادر هنر به تائید می‌گیرید ؟

-گفته پیشترم را یکبار دیگر تاکید میکنم اگر سینما واقعا باز تابی باشد از عینیت های جامعه،خـودبه‌خودگرگ، گرگ‌تصویر میگر دد وبره ، بره حرف شمارا قبول دارم اما درموردی که خود سینماویا هنر از مسیر اصلی خـود منحرف گردد ، من آفرینش های را قبول دارم که‌از درون جامعه ازروابط انسانها باهم ،از شرایط وضوابط حاکم وموجود در درون آن‌جامعه مایه‌گرفته‌باشد ونه‌ازوهم‌گرایی‌وخیال‌پروازی‌های غیر واقع .

لطفاً ورق بزنید

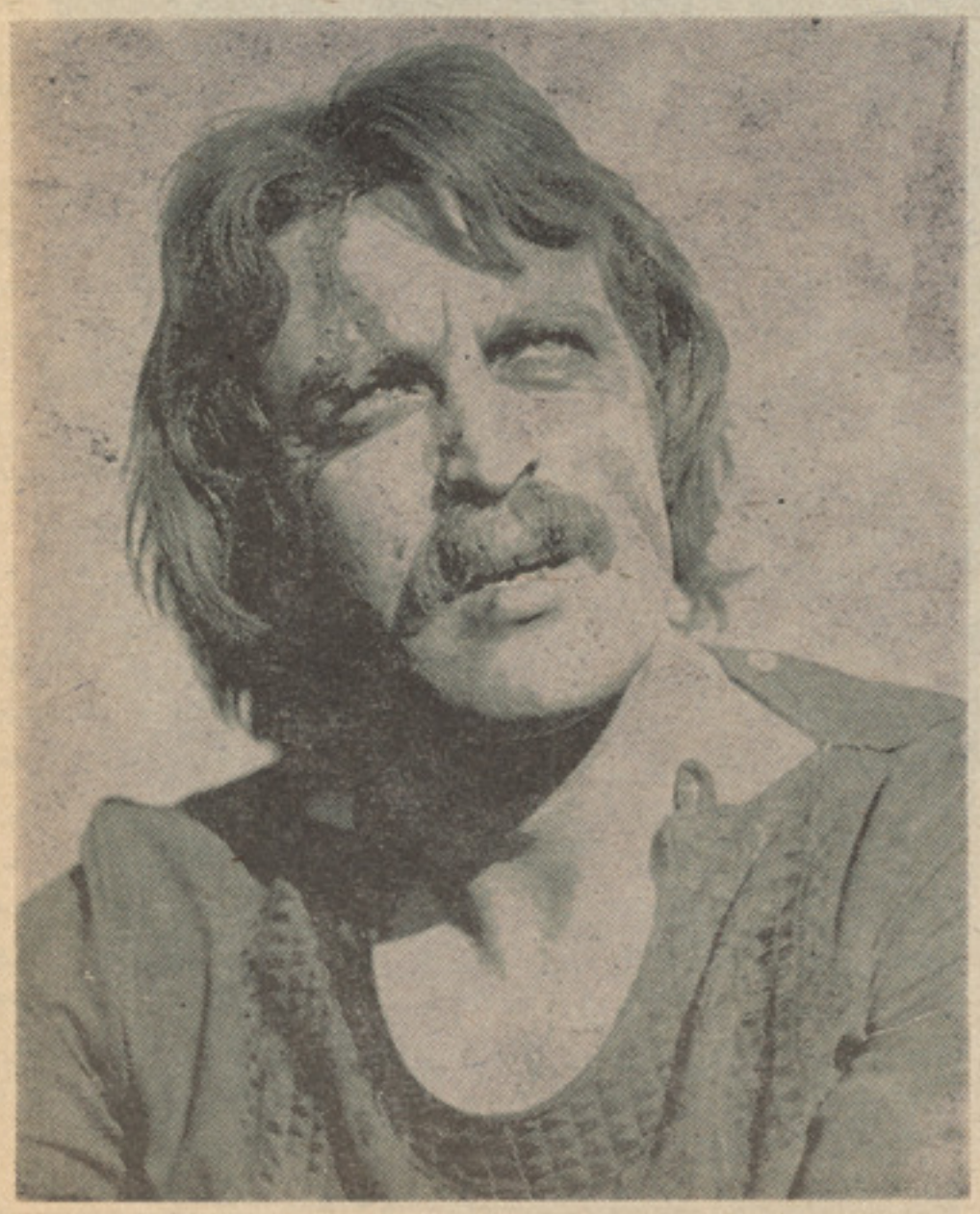

ابراهیم طغیان دریك نقش منفی فلـم‌جنایتکاران ظاهر می‌گردد

لیلی درفلم جنایتکاران نقش اول رابـــه‌عهده دارد

محمدجان گورن دریکی از صحنه هـــای فلم جنایتکاران

ـدر کشور های عقب نگهداشته شده که‌از سوی سطح سواد ومیزان آگاهی عمومی پائین است وازسوی‌دیگر اختناق‌فکری درهمه‌جاسایه گستر است‌وقدرت های‌حاکم سیاسی میکوشند هرواقعیتی را وارونه جلوه دهند به‌نظر شما روشنفکر هنرمندودراین‌شمارسینماگر روشنگر چگونه میتواند باساخته‌های خود بیانگرواقعیت های عینی جامعه باشد وتصویر های گو یای خودرا از قیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

ـوقتی هنر مندر تنگنایی قرار می‌گیرد که نمیتواند حرف‌خودرابگوید،ناچار برای رساندن پیام خودبه مردم شیوه های دیگری را مورد استفاده‌قرار میدهد که سمبولیزم یکی ازاین روش هاست، سینما گردرچنین‌شرایطی‌میتواند باارائه سمبولیك حداقل بخشی از اندیشه‌خود راباز گوکند ومقداری از واقعیت هارا بر هنه سازد ۰

به نظر من هنرمندباید درست‌مثل یك ماراز کوچکترین منفذهاهم برای رخنه کردن استفاده برد ۰ در غیرآن او نمیتواندتحرك هنری خودرا حفظ کند ۰ هنرمند نباید در انتظار مساعد شدن شرایط باشدـاوبایدخود شرایط رامساعد گرداند ۰

ـمن دشواری رادر سطح یك کشور عقب نگهداشته شده به‌طرح آوردم ودرك‌سمبو لیزم به‌آگاهی نیاز دارد ۰ اگر دراین زمینه کشور خودرا مثال بیاوریم ۹۵ در صد مردم ماحتی سواد عادی نوشت وخوان را هم ندارند ۰آنها چگونه میتوانند دریك فلم زبان سمبول ها را بفهمند ۰ آنـرا در ك کنند وازطریـق آن به افشا گری سینما گر در زمینه‌واقعیت‌هـــای ناهنجار جامعه برسند ؟

ـحرف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده نباشند وپیوند تصویری هنرمند انه باشد به گونه ی که سمبول مورد نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خودرا با تصاویر قبلی وبعدی فلم حفظ کند در واقـــع گره سمبول را خود فلم باز میکند ومفاهیم‌رابه تماشاگر می‌رساند ۰

ـشما میتوانید بیك نمونه ازاین گونه ابداع درارائه سمبول های تصویری درساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

ـمن مثالی از فلم «جنایتکاران» میاورم که‌به زودی روی اکران‌خواهد آمد،دراین فلم دختری جوان ربوده میشود تامورد تجاوز قرار گیرد. شات های بعدی مادر این دختر رادر حـال کالا شوی نشان میدهد ـ مادر بعدا تغاره راکه آبش کثیف شد سرازیر میکند. کمره‌دوش‌این آب را تاجوی آب پاك روان تعقیب میـــکند وبـــد و ن فـا صله در نـــمـای بعـدی دختر به چشم تماشاگر کشیده میشود که مورد تجاوز است ، خوب این صحنه ـ صحنه روش آب های چتل در آب‌پاك وتاکید تصویری که روی آن میشود یك سمبول‌است‌که‌نشان میدهد چگونه ندانم‌کاری هاکثافت‌هارا مجال آمیختگی باپاك هاو ناپاك ساختن آنها میدهد وپیوند تصویری فلم نیز به‌بیننده کمك میکند کـــه منظور سازنده وتصویر گر رادریابد ویااورابه تفکر درباره کثافت سازی‌هاوادارد ۰

ـآقا ی شفق به اجازه شما میپردازم بـــه موضوع تیپ سازی درسینما بایاد آوری این نکته که‌تیپ سازی موفق درواقع به‌تماشاگـر سینما موقع میدهد تااوبه اصل تداعی ذ هنی برسد ونمونه های فراوانی رااز تیپ مورد‌نظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد، آنها را بشنا سد، باخصو صیات روانی وعاطفی شان آشنا گردد ، شیوه فکری شان رادریابد ،انگیزه های‌اعمال شان را بداند وضعف هاوتوانایی های شان رابه‌بررسی‌گیرد من‌می‌خواهم ادعاکنم که‌سینمای ما تـاکنـــون نتوانسته است تیپ های زنده‌یی را ارائه‌دهد، شما این نقیسه راچگونه تو ضیح می‌کنید؟

ـمحترم راصع، من نظرت راردنمی‌کنم، اما توهم نباید فراموش کنی که‌مادر پرودیـوس های سینمایی بامشکلات ودشواری های‌فراوانی روبرو هستیم که مانـــع تهیه کار های خوب وبی‌عیب میگردد ـ کمبود وسایل فنی، کمبود پرسونل و مخصوصا بازیگر بااستعداد در سطح که تو آنرا به‌طرح آورده ای .فقرپولـی وده ها پرابلم دیگر ازاین قبیل میباشد که نمی‌گذارد کارها درست به‌انجام آید. دایرکتر در شرایط سینمای مابایك گروه باز یگن‌حرفه وی سروکار ندارد که در هر نقشی بهترین هارا برگز یند وآنها رادر قالب های هنری‌شان جای دهد ، ما مخصوصاتاجای به‌کمبود بازیگن زن درسینما روبرو هستیم‌که‌وقتی کسی حاضر میشود در فلم بازی کند بی تو جه به سطح ومیزان‌استعدادوتوانایی‌اودراین رشته‌پزیرایش میگردیم ومیکوشیم تاجای امکان از او چیزی بسازیم ـدر این گونه شرایط نباید سطح‌توقع رازیاد بالا ببریم ۰

بقیه درصفحه ۵۳

بقیه صفحه ۱۰

بسلسله گفت وشنود های...

مقصود شکوری رئیس تنظیم امور اراضی دولت .

همانطور که همه آگا هی دارند اصلاحات دموکراتیک ورادیکال ار ضی یک عمل انقلا بی بود که به اثر آن قدرت سیا سی، اقتصادی واجتماعی در روستا های کشور از فیو دالان ، ستمگرا ن و مفت خوا را ن به دهقا ن، کا ر گرا ن زرا عتی وزمین دارا ن کو چك ومتو سط انتقال مییا بد که این کار به اساس مشی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در پر تو انقلاب ثور آغا ز یا فت و تا اندازه ی هم به انجام آمد .

امابا تاسف و ضع اقتصادی ، سیا سی، اجتما عی و فر هنگی کشور ما در جر یان زما مدا ری ننگین و نفرت با ر امین‌جاسوس شناخته شده «سیا» زیر چنان ضر بات شدید قرا ر گر فت که در تا ریخ کشور ما نمونه ندارد و اثرات سوء و نا بسا ما نی ها یی که این دوره در زند گی مردم ما وارد آورد تا مدت های مدید جبران پذیر نمیباشد.

در زمینه ضرورت تجدید اسناد متنو ع ملکیت به یك سند متحد الشکل ر سمی قا نو نی یاد آور میگر دم که کشور عزیزما دارا ی مقیا سها ی مختلف عنعنو ی اندا زه گیری مسا حت زمین ما نند «پیکا ل‌تخم ریز » (قلبه) ما لیه (پاگا وشنگل) واندا زه گیری حقا به ما نند «شبانه روز» «پار شب » «ساعت» «کا سه »کاریز و در جه زمین به‌نام های (سیر) (من) (پیمانه)وغیره میباشد که‌این امر باعث تشتت‌در محاسبات ملی وسنجش های روز مره شده و در تعد یلات آن مشکلا تی را بار میا ورد .

به همین تر تیب سند ملکیت زمین نیز در کشور ما متنو ع بود ه و به نا م ها ی: «فرما ن » «ولیقه شر عی » «تر که خط» «تملیك‌خط» «سند عر فی» «سند ما لیه دهی» «ثبت املاك » و غیره یاد میشوند که تنظیم، تعدیل و بر رسی آن مو جب ضیا ع و قت دوایر وسر گردانی مرا جعان میگر دد این مشکلات را میتوا ن به صورت فشر ده دراین موارد خلاصه کرد :

۱ـ به وجود آمدن مشکلا ت در تشخیص مورد حکم سند ها ی مختلف نظر به نبودن نورم وا ستندرد ثابت وواضح .

۲ـ عد م مو جو دیت اکثر مشخصا ت کمی و کیفی در چنین اسناد ویا موجودیت آن به شکل نا قص .

۳ـ معما عد شدن زمینه ترتیب و سا خت اسناد جعلی زمین .

٤ ـ گریز ازمالیه ومسوولیتهای زمیندار .

٥ـ عدم مراعات عدالت اجتماعی نظر به مو جو د بود ن اسناد مختلف در نزد اشخاص مختلف برا ی عین قطعه زمین .

٦ـ عدم مرا عا ت سیستم منا سب ثبت سند و مشخصا ت زمین در دفا تر مربو ط.

۷ـ بروز دعاوی در و قت بهر ه بر داری وانتقال زمین ازیك شخص به شخص دیگر .

۸ـ نبود ن سند متحد الشکل جهت‌جلوگیری ازتشتت صدور اسناد مختلف.

۹ـ تعا ملات و بیرو کرا سی پیچید ه به منظور تر تیب اسناد زمین .

۱۰ـ در گذشته چون کمیت وکیفیت، حدود اربعه ، حق آبه ، و دیگر مسا یل قطعات زمین زمیندار در دفاتر و اسناد معتبر در ج نبود ـ احتما ل جعل کا ر ی موجود بود ـ اما اکنو ن سند رسمی ملکیت زمین این احتما ل را کا ملا از میا ن میبرد.

به منظور رفع مشکلاتی که از آن یاد کردم و رفع دعا وی بیشما رو لا ینقطع زمین ـ دو لت جمهوری دمو کرا تیك افغانستا ن ، اسناد ملکیت را به نحو مطلوب وبه منظور بر آورد ه شد ن اهدا ف اصلاحات ار ضی طور متحد الشکل دیز این گردیده و مطا بق احکا م قا نو ن تنظیم امور زمینداری و مقر ره شما ره دو م فرما ن شما ره‌هشتم مورد تطبیق قرار می گیرد .

محمد رحیم نما ینده دهقانا ن ده سبز:

ـمتحد الشکل شد ن زمین ملکیت چه اثرا تی در از میا ن بر داشتن مشکلات دارد ؟

ناتمام

سمسور سپاهی ژوی

دنړی دپر مختك په هکله درسم بنسټیز ارزښت

کله چی انسا نا نو دنړی پر مخ ستر گی پرا نستلی نود نړی پر مخ یی راز ،راز شیان تر ستر گو ورغی په هره اندازه چی زمان بدلون وموند او بشری کهول دزمان په غیږه او د مکان په لمنه کی عمرو نه تیر کړ ل نوبشری کهول ورووروو دنړی په ډیرو پټو او پیچلو رازونو پوه شو. چی پدی ترڅ کی بشری کهول پدی راز هم پوه شو چی و کو لی شی درسم په واسطه خپل لیدلی اجسام او یاپه بل عبارت خپل دتصورا تو او تخیلا تو مجمو عه درسم په ذریعه ځلا نده او ښکاره کړی .دغه کار دتاریخ په اوږدو کی‌په ډول،ډول سره خپل ځان ښکاره کړ یدی کله رسم یوازی دکر ښو او کله دښکاره اجسا مو او کله د محض تصور او تخیل په چوکات کی داجسامو او ځیرو په ځیر دنړی دمخی دانسانا ـ نو له مخیلو نه څر گند او ښکاره شو یدی .

دنړی دمخی هغه انسا نان چی درسم په وا قعی ارز ښت باندی پوه شویدی هغوی هڅه کړ یده چی رسم یوازی درسم په دنیا کی زندا نی ونه سا تی بلکی کړی په کړی رسم ته دبشری دژوند اړیکو او ـ آو ښتون سره سم او جو خت‌بدلون او آو ښتون ور کړی اودر سم په ذریعه چی دنړی دمخی دټولو اجتما ـ عی ، او ښتونو بنسټ او زیر بنا ـ گېل کیږی زړه پوری او بیساری بد ـ لون ور کړی .

همد غه راز چی دنړی دمخی حالات گړی په گړی آوړی او راآوړی بشر اود بشر ذهن اود ماغ او انفعا لا ت او ضرور تو نه هم آوړی او راآوړی او په هره شیبه کی خپل رنگ او اړخ. بدلوی . بشر پخوا هرڅه‌ته په ابتدا یی او طبعی صورت کتل خو کله چی د طبعیت جریان او سړو او تودو بشر پدی پوه کړ چی همدا ـ خار جی نړی ده چی دانسان په‌پو ـ هولو او راپو هولو کی لوی لاس‌لری نود همغی گړی څخه یی‌دخپل‌چار ـ پیر یال دپیژندلو او خپل ژوند ته دودی اود پر مختگ ورکولو خیال‌او فکر یی‌هم ددماغ په ماغزو کی ورو گر ځید .

که انسان دنړی دمخی دټولو اجتما عی چارو دپر مختگ په هکله ژور فکر وکړی نوپه پای کی دی ـ حقیقت ته رسیږی چی دبشر دپیدا ـ ښت نه آن تر ننه پوری بشر بریالی شویدی چی دهمدی رسم‌په سکیل‌او چوکات کی‌خپلی غو ښتنی‌او اړتیاوی ځای کړی او هغه ته وده ور کړی او پر مخبو ځی .

ځکه که چیری په لو مړی سر کی دیوی سا ختما نی چاری لپاره یو سکیل او چو کات مو جود نه وی نو بیا هډو دسا ختما نی چاری مخ په وړا ندی تللی نشی . په لو مړی‌سر کی همدا سکیل دی چی درسم په ډول ښکاره شو یدی او یا په بل عبارت رسم دی چی انسان د هغه په لوښی کی خپل ټول مرا مو نه او غو ښتنی ښکاره کوی او بیا په بیلا بیلو ډو لونو او ښکلو نو یی پر ـ مختیا یی اود هغه‌دبد لون‌سره جوخت دبشر په ټولنیز ژوند بنسټیز ـ بدلون او تحول منځ ته را ځی دبشری کهول معا صره ترقی اوپر مختگ خا ص درسم له لو ښی څخه دسکیل له‌لوښی څخه‌راو تلی ښکاری ننني نړی لاپدی پر مختگو را ضی او قا نع نه ښکاری شپی او ورځی هاند اوز حمتو نه گالی شپی اوورځی هڅه کوی تر څو درسم دنیا لاپسی ارته او پرا خه کړی او ددی لوښی په چو کات کی خپل ځانو نه هغو پر او نو ته ور نږدی کړی چی دوی یی دپو هی له مخی اټکل کوی . د مثال په توگه که چیری مونږه دیوی ودانی او یا یوی آلو تکی او یا پوه ـ مو تر ا صلی جوړونی ته‌په ښه‌شانی ژوره کتنه او پا ملرنه و کړو نو مونږ ته‌پته لگیږی چی‌په‌لومړی‌سرد هغوی

ـ پاتی په ٤٤ مخ کی

در محکمهٔ فامیلی چه خبر است؟

یک ماجرای سرد رگم

اینبار تعداد زیاد مرا جعین در دهلیز محکمه فامیلی توجه‌ام راجلب میکنند که انتظار ملاقا ت با رئیس محکمه را دارند.

چهره ها حا لات مختلف دارند کسی از گریه چشم و روی سر خ رنگ پیدا کرده ، کسی لبخند ی روی لبانش دیده می شود و غر ق تفکر است ودیگر ی با صدا ی بلند می خندد وبلند، بلندحرف‌میزند،زنی باچادر نماز کودکی را به آغو ش گرفته است ودر حالیکه چا درش را سخت بادندا ن گرفته بدیوارمقا بل دروازه رئیس محکمه تکیه نموده است .آنطرف تر دو مرد ،یکی‌جوان ودیگری میانسال گـــو شه ی را انتخاب نموده وساکت نشسته اند ، مرد جوانی هم باقد مها ی آهسته طول دهلیز را می پیما ید و گاهی‌می ایستدوباخود زمزمه ای میکند ...

دوزن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول‌بود به اتاق رئیس داخل می شوند .

ازمیان همه توجه ام را بیشتر زن جـــوا نیکه چا دری فـــو لادی وپیراهن سبزکوتاه بتن‌دارد جلب‌می کند زیرا آوازش بسیار بلندو توا م باخنده وگریه بود .

بطر ف اونزدیك می شو م خود را معرفی نموده ومیپرسم‌که میتوانم ســـو ا ل کنم کـه برای چه مقصد بـــه محکمه آمده ایـــد، میگوید : دهرچه میپرسی بپرس و قبل از ینکه مرا مجال سوا ل‌نمودن بدهد فوراً سر گپ می آید :

– اوه همشیره ! دلم کو فـــت کده . اگر بقچهٔ دلمه پیشت بازکنم وتو قصهٔمره بشنوی‌تاشو خلا ص نمی شه . مگم اگر میخا ی‌مه کمشه برت میگم . . .

همومردکه ره که می بینی(بطرف مردجوا نی اشاره میکند که کمی دورتر نشسته بود) به سرمـــه دعوی کده ومیگه که مه زنش هستم وچند ماه هم‌یکجا زند گی کدیم –تو خوب ببین مه‌و او چقه فرق داریم «خاك به سر او چهره زرد نبو ك‌که مره به این روز نشانده ...»همیشه جان ،مه روز وشو خوده نمی فامم مچم چطورکنم . تازه دو ماه میشه که ازشوهر اولی ام طلاق گرفته ام اومردکهٔ بسیار ظالم بود و قـــتی خیلی خورد بودم مره به‌اوداده‌بودند

یکبار زن جوا ن به گریه می‌افتد ودستهایش را برویش می گیرد و هق‌هق گریه میکند ... مگر بعد از لحظه ایکه دستهایش را از رویش برمیدارد من اشکی ویا آثار اشکـــی به چشمایش نمی بینم حتما گر یه بی اشك بود !

مرد جوان که کمی دور تر بـــود حرفها ی زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره‌اش حا کی از خستگی وناراحتی زیاد بود وزهر خندی برلب داشت هیچ‌گپ نمی زد فقط طرف زن‌نگاه میکرد .

مردجوان دیگرکه‌قدبلند ی دا شـــت وکالای نوبه تن و لنگی به سرداشت خود را برادر زن جوان معر فی‌نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت :

راس میگه ،راس میگه ....

موصو ف به سخنا نش چنیـــن ادامه داد :

این خواهر وبرادر میگفتند کـه‌آنمرد دروغ میگوید وقطعاً طویانـه ویاچیز دیگر بما نداده واصلا مساله‌نامزدی‌واینطور حرفهادرست نیست.

اصل‌قضیه اینطور است که همی خواهر مه که شمامی بینید دو ماه پیش ازشوهرش طلاق گرفته و به خـا نـه مـا د ه مـر اد خـا نـی آمده وبا ما زند گی می کند ده روز قبل بود که بچه‌خاله‌ما ببهانه مریضی بخانه‌ماآمد وگفت به‌شفاخا نه خود رانشان میدهد . چند روز ازآمدنش تیرنشده‌بود که‌از خانهٔ ما قهر کرده ورفت ...

چند روز بعد بودکه به محکمه جلب شدیم ....

برادر زن در حالیکه خیلی جد ی حرف میزد سخنانش رااینطوردنبال کرد ..

خواهر مه ببین و اینرا ببین به کدام روز وحال خود میخوا هه که شوهر خواهرمه شوه... مگم مـــه زنده نباشم . دگه‌نمی خوا هم کـه خواهرم زجربکشه همی بچه‌خا لیم از خود زن‌واو لاد داره، مگم‌خواهرمه خوش کده ومیگه‌ما اوره برش داده بودیم ، باش که قاضی صا حب چه میگو ید ...

به طر ف مرد مخاطب که تا هنوز سکوتش را حفظ نموده ویگان دوو دشنام راهم می شنو د مگر مثـل اینکه هیچ کلمه یی نشنیده با شد بروی خود نیاورده و خو نســرد ایستاده است . به اونزدیك میشوم ومی پرسم :

– شماحتما سخنا ن اینـــها را شنیده اید . چه نظر دارید ؟

میگوید . بلی شنیدم ، ای‌خواهر وبرادر راست نمی گویند هـــو ش کنی‌که گپ های شانه باور نکـــنی هرچه گفتن راست‌نبود . چند وقت پیش خالیم همی دختره بمه دادچهل هزار افغا نی طویانه خواست کـــه قدری از آنرا نقد وچیز شه جنس (مثل قالین وگلیم و چیز های‌دیگر) برایشان دادم چندوقت هم همراهی شان بودم ، درست است که ز ن‌و اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خوده هم که نامزد م‌شده بود طوی کده ببرم همی بود که‌برای کار ضرور ی وبانجام کار ها ی که داشتم به هلمند که‌جای اصـلی ام است رفتم همی که پس آمـــد م وضعیت اینها بسیار تغییر کده‌بود که بعد از اینکه خوب به خودمعلوم کدم که اینها ازخیال خود، وکر ده خود پشیمان شدن و دختر را به‌من نمی دهند از خانه‌شان به کوتـــه‌

سرای رفتم ویکرا ست به محکمه فامیلی عریضه کدم که‌چرا چی گپ شده‌وپول مه خواز او نامده و .... دوباره ساکت شد .

زن جوان گفت : چشم درو غ‌گو بترقه اینطور انسان بی چشم وروی ده عمرم ندیدم ـ مگم مار سرمـــه خورده که تره بگیرم چه علاقه یـی بتو دار م؟

برو گمشو ای فکر هاره ازسرت دورکو .

برادر زن گفت : ما هیچ‌از ی‌پول نگرفته ایم خود ماروز کار خو ب داریم بلاتزدیم که خوا هر خوده‌نان داده نتوانم ـ ضرور نیست که‌حتما شوهرکنه همی فعلا خوش اس ومه خوشی خواهر خوده می خواهـــم حالی باشد ...

وقتی خوا ستم عکسی از آنهـــا بگیریم دختر چادر ی خود راجا بجا نموده وبرادرش هم در پهلـــو ی خواهر خود قرار گرفت و گفتند . عکس مارا تنها بگیر ید .

بعد زن جوان رویش را به طرف پسر خاله‌اش نموده‌گفت حالی توهم عکسته بگیر .

گفتم باهم گپ دارین هنوز ؟

زن گفت: بلی خداز ده بچه خاله مه اســ .

و در ینوقت نوبت اینها می‌رسد وبه اتا ق رئیس داخل می شوند .

من برای اینکه ما جرا ی اینهارا بدانم که بکجا انجا مید جر یـــان اینها را که چند ی قبل تهیه نموده بودم بچاپ ندادم ومدتی‌بعددر باره اینها از رئیس محکمه فا میـــلـی پرسیدم‌ـ در جوا ب گفت بعد از همانروز تاکنون مرا جعه نکرده اند. انشاء الله که بیك توا فـق مثبـت رسیده با شند .

این مرد ادعا میکرد که من چهل‌هزار افغانی چیزی نقد وچیزی‌جنس طویانه داده ام .

مقصر ازدواجهان نافرجام کیست؟

از دوا جها ی قبل از مو قع نه تنها برای خا نواده ها وا طفا ل با عث مشکلا ت می گـــردد بلکه سبب بروز بعضی پرابلم هـــا برای جا معه نیز می شود و سوالی کـــه پیش میا ید اینست که این عجله برا ی چیست ؟و عوا مل آن چه می با شد ؟

به عقید ه روا نشنا سا ن و جا معـــه شنا سا ن عوا ملی که بعضی از پد را ن و مادرا ن را علا قمند به از دواج فرزندا ن خود در سنین کو چکی، می سازد برا ی خود شا ن هم وا ضح نیست بسا دید ه‌شده که وا لدین نا خود آگا ه و غیر معقول به از دوا ج فر زندا ن خود در سنین پا ئین اقدام میو رزند .

بعضی‌از وا لدین خود شا ن در ایام‌جوانی کمبود ها ی داشته اند مثلا آنها نظر به ایجا با ت و شرا یط محیط و زما ن ،سطح وسویـه زندگی شرایط خانواد گی در قسمت معا شرت‌و بر خورد با محیط اجتما عی ،تهیه لباس وغیره محدودیت ها یـی داشته اند که میخوا هند با جا مه عمل پو شا ند ن آرزو های دیر ین با لای فرزندا ن خویش‌محرومیت های دوره جوا نی خود را جبرا ن کنند .

برخی هم با فـــراهـم نمودن شورو نشاط در اطرا ف خود میخوا هند خا طرا ت جوانی خود را زند ه نگهدارندوبرای اینکار سرگرمی های برا ی پسر و یا دختر جوا ن خود فراهم میسا زند ،و فرزندشان هر چه بخوا هنـــد بدون کو چکتر ین مما نعتی میتوا نند انجام بد هند مثلا فرزندا نی آنها با خا طـــر آسوده دوستان خودرا درپارتی هـای ر قص، سگرت و حتی قما ر دعو ت می نما یند که چنین وضع سبب لجام گسیختگی و انحـراف در جوا نا ن گردید ه وا کثرا به عشق های آتشین و ازدواجها ی قبل از مو قع‌منجـــر میگر دد .

در قسمت تهیه لباس نیز گا هی والدین بی‌توجه میباشد مثلا بـــرای د ختـر ا ن شا ن لباس ها ی انتخاب میکنند کـــه خیلی با لا تر از سن شا ن میبا شد و یا آنها را آزاد میگذراند که هر چه خوا ستند بپوشند وخودرا بیارایند طبعا لبا سهای جلف و نیمه بر هنه ویا خیلی تنگ وآرایش غلیظ در کوچه وبازار ومجالس ومهمانی هـــا نظر ها را بطرف خود جلب نموده و زمینـه خوا ستگا ری و ازدواج برا ی دخترا ن بوجود می آید .

گر وهی هم طر فدار این عقیده هستند که معا شر ت پسرو دختر از آوان کود کی‌سبب میشو د تـــا در بـــز ر گـی ، آ نهـــا از همدیگر شرم وو حشت نکنند درحالیکه جا معه شنا سا ن مخا لف این عقیـــد ه بوده و مستقیما میگو یند که : با زیها ی ساد ه کود کا نه،درس‌خواندن پسر و دختر در مکا تب به جای خود مگر در صور تیکه همین بازیهای کود کانه تا سنین با لا تـــر ادامه بیا بد و جا یش را به معا شرتها ی بی قید و بند بد هد ممکن عوا قب نا گوار وخطرنا کی ببار آورد.

والدین با ید بدانند که برا ی ورود درهر اجتماع ، هرسن ازخود اقتضای خاصی دارد در ست نیست که آنها پسر و دختر نوجوان خود را که هیچ تجر به و آماد گی قبلی ندارند وا رد اجتما ع بزرگتر ها میکنند و انتظار هم دارند که گمراه و منحر ف نشوند.

روا نشنا سی در ینباره گفته است:پدران و ما درا نی که در جوا نی با ندازه‌دوستان وآشنایان‌شان‌سوکسه‌مقبولی ویاصفات د یگـر نـداشته اند، همیشه دروحشت و ناراحتی‌این پسر می برند که مبادا دختر و یا پســـر شان نیـــز دچار چنـین وضعی بشو نـــد واز ترس آنکه نکند چنین چیزی پیش‌بیاید فرزند خو یش را تشویق میکند که هر چه بیشتر از جوا نی وشا دابی جوا نی‌استفاده کند و هم این را برا ی خود نو عـــی افتخـار میدانند کـــه خو ا ستگاران‌متعدد به پشت دروازه شا ن صف ببند ند و جوانا ن برا ی بد ست آورد ن دختر شا ن سرودست همد یگر را بشکنا نند .

روانشنا سا ن و جا معه شنا سا ن برا ی آنعده پد را ن و مادر انیکه دخترا ن‌وپسران جوا ن دارند بعد از تحقیقا ت ومطا لعا ت وسیع تو صیه ها یی نموده اند تا آنها بـا بکا ر برد ن این توصیه ها تا اندازه‌یی مـا نـع از دواجها ی نـا فـر جـام وقبل از و قت آنها گردند و به آنها اجازه بد هند تا تحصیلات خود را تمام و با عقل و فرا ست همسر آینده خود را انتخا ب کنند .

۱ـاز معا شرتها ی بی قید و شرط‌دختران جوان با پسرا ن مخصو صا در سنین‌پائین جلو گیری نما ئید وازین بیم ندا شته‌باشید که دیگرا ن شما را کهنه فکر و قد یمی بگو یند بلکه آیند فرزند تان اهمیـت بیشتر دارد . وهم متو جه با شید کـــه دختران تان چگونه دوست وخوار خـــوانـده یی دارند پـی بردن به‌شخصیت وطرزتربیت دو ست شان نیز مهم می با شد .

۲ـدختر و یاپسر جوان باید بـدا نـــد که او قا ت بیکا ری خود را چگونه سپری نما ید و چطور به اجرا ی کار ها ی مثبت اقدام نماید.

۳ـهر گز به فرزندا ن تا ن اجازه ندهید که از بزرگتر ها تقلید بی جاو یی مو قـع کنند مخصو صا در قسمت حرف ز د ن ، رفتا ر ، کر دار و همه کا رها ی شا ن‌متوجه با شید سن نو جوا نی بسیا ر خطر نا ك است کوچکتـرین‌غفلت‌سبب لغزش‌وانحراف‌جگر گو شه ها یتا ن می گر دد که پشیما نی سودی نخوا هد داشت .

بقیه‌درصفحه۵۰

نویسنده: الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

مترجم: دوکتور خدایداد بشرمل

را حشرات آبی، کرم های حشره وبته های چوچه تشکیل میداد ، در زیر قایق شنا می کردند ، عنکبوت هابر روی آب می دویدند، زاغ ها از آشیانه های شان از فراز بیدها بسوی شان میدیدند .

وازیلی نیکیتیویچ طناب حلقه دار شخصی دریا سالار را بریسمان بادبان کشتی بست، بالای آن یك بته که برپا های عقبی اش بریك زمین سبز ایستاده بود رسم شده بود، در حا لیکه گونه هایش راپف نموده‌بود به کشیدن ریسمان بادبان پرداخت ، طناب کوتاه حلقه دار بالای دیرك قرار گرفت ودر قله‌اش منتشر گردید، زاغها از آشیانه های شان از بید هاپرواز کردند، با اعلان خطر فریاد نمودند .

نیکیتا برقایق سوار شد وجایش را در سکان قایق انتخاب کرد ، ارکادی چمچه هارا گرفت ، قایق درآب عمیق تر نشست، بعد بالاشده از ساحل دور گردید و برسطح آئینه وار حوض که بیدها، سایه بان سبز، پرنده هاو ابرهارا منعکس می نمود سبك تربحرکت آمد، قایق بین زمین و آسمان شنامی‌کرد، یك جمعیت پشه بالای سرنیکیتا جمع شد، آنهاگردهم هجوم آورده وباقایق راه می رفتند .

«بسرعت تام به‌پیش ، سرعت تام!» وازیلی از ساحل فریاد زد :

مامی دست هایش را حرکت داد وخندید، ارکادی چمچه زد واز میان نی زار سبز و کوتاه به مرغابی ها رسید، بافریاد و ترس نیمه آب بازی می کردند ونیمه در پرواز بودند .

«برکشتی سوارش کن ، سالاربقه ها!» هورا. ! سوازیلی نیکیتیویچ فریادزد:

زیلتوکین ...

زیلتوکین بریك تودهٔ گیاه در آفتاب بین کنج دالان ودیوار خانه نشسته بود، اونیکیتا رابا هراسی که در دلش بود می دید . سرزیلتوکین (یك نوع مرغ‌است) بریشتش آرمیده بود، منقارش باتریشهٔ زرد مستقیما بایین برموهای انبوه وکوتاهش قرار داشت. تمام پرهای زیلتوکین ژولیده بود، پاهایش به بالا بزیر شکمش کش شده بود. وقتیکه نیکیتا بسویش خمید او منقارش راباز کرد تابچه را بترساند . نیکیتا او را بین دودستش گرفت. اویك ساربود، هنوز رنگ خاکی داشت . معلوم بود که می خواست از آشیانه اش دورتر پرواز نماید، چو نکه بال هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بز مین افتاده بود در کنج بالای برگهای کاسنی که برزمین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود. قلب (زیلتوکین) در نا امیدی ضربه می زد «قبل ازینکه نفس برآرم» او تصور کرد «اومرا خواهد خورد.» ـ اوالبته می دانست که چطور کرم ها، مگس ها وکرم های درخت را بخورد .

پسر اورا بدهنش بالا کرد (مراد از پسر همان نیکیتامی باشد) چشم های زیلتوکین بایك پرده پوشیده بود ، قلبش در زیر پر هایش پرید، اما نیکیتا تنها برسر او پف کرد واورا با خود بخانه برد ، باین معنی‌که او گرسنه نبود واوزیلتوکین را بعد تر خواهد خورد .

زمانیکه الکزاندرا لیرنتیفنا ـ سارـ رديد آن را مانند نیکیتا بالا کرد وبردست گرفته برکله اش پف کرد . «اوبسیار خورد است ، بیچاره،» اوگفت «چنین منقارزد، زیلتوکین.»

آنها سارا رابر آستانهٔ کلکین که بسوی باغ باز شده بود وباپرده حمایت می شد گذاشتند ، داخل کلکین نیز از نصف بالا با یك پرده پوش شده بود ، زیلتوکین فورا چاپلوسانه فروتنی کرده تلاش کردکه نشان دهد او حیات خودرا از آن نخواهد فروخت، در بیرون، آنطرف پردهٔ سفید، برگ ها در اهتزاز بودند، گنجشك های حقیر دزدان ورذیل ها، دربته هادادوبی‌دادمی کرند، طرف دیگر، همانطوریکه در عقب پرده، نیکیتا بطرف اومی دید و چشما نش بزرگ بود، نفهمیدی وافسونگر بودند .... «من گم شده ام، من گم شده‌ام،» زیلتوکین تصور کرد .

هنوز هم نیکیتا شام اورا نخورد ، نام زیلتوکین از **کلمهٔ روسی «زولتی»** بمعنی زرد گرفته شده زیلتوکین بسوی کرم کور سرخ که در جلو بینی اش مانند یك مارپیچ وتاب می خورد از زیر چشم دید، « اورا نخواهم خورد، آن یك کرم حقیقی نیست ، این یك فریب است .»

آفتاب غروب کرد اما هنوز هم چشما ن خواب آلود زیلتوکین، باآستانه کلکین متوجه بود، وباپنجه هایش محکم چسپیده بود ـ چیز دیگر نبود که دیده‌شود ،پرنده های باغ خاموش شدند . یك رایحه شبانه ازاثر رطوبت وگیاه احساس می گردید، سروی عمیق تروعمیق تر در پرهایش فرو رفت . باحوادث ناگهانی ، زیلتوکین به جلو وبعد به عقب بالای دمش تکان خورده پر هایش را ازغضب درهم وبرهم نموده دو باره بخواب میرفت ، اما گنجشك ها اورا بیدا کردند ، آنها آشوب برپا می نمودند ، برشاخه ها ی درختان ارغوان باهم می جنگیدند . یك سارهم با شتراك هدهد در یك فا صلهٔ دور با صدای خوش وشیرینش به سرودن آغاز نمود . «تحملش را ندارم، آنقدر گرسنه ام که‌احساس ناخوشی میکنم . زیلتوکین تصور نموده وکرمی را دید که در میان درز آستان کلکین فرورفته ، بالایش جست زده واز دمش گرفته آنرا بیرون آورد وبلع نمود. «بدنبود، یك کرم لذیذ،» در خاطرش خطور کرد .

نور آفتاب به شعاع آبی تبدیل شد، پرنده ها بسرودن پرداختند ، یك شعاع روشن و گرم نور آفتاب از لابلای برگهای درختان برزیلتوکین افتاد. «خوب، هنوزهم زنده‌ایم،» درتصور زیلتوکین آمد، به جست و خیز شروع کرده مگسی را قاپید وبلع کرد .

درهمین لحظه آواز قدم های کسی بگوش رسید، نیکیتا به کلکین آمد و دست‌بزرگش رابه عقب پرده دراز کرد، او انگشتانش را کشود ومگس هاوکرم هارا که روی آستانهٔ کلکین بود منتشر نمود، زیلتوکین از ترس دوباره به‌کنج خود رفت، بالهایش را کشود، بطرف دست دید اما آن بالای سرش پرید وبعدا پشت پرده ناپدید گشت ، دو باره همان چشم های جذاب ودرخشان به‌زیلتوکین خیره گردید .

نیکیتا رفته بود ، زیلتوکین پر هایش را بامنقار صاف نمود وبفکر کردن پرداخت . «پس با اینکه او می توانست مرا نخورد . پس او پرنده ها را نمی خورد . پس جای ترس وجود ندارد .»

زیلتوکین بقدر کفایت خورد ، پرهایش را بامنقار خود صاف نمود ـ بامتداد آستانه کلکین بجست وخیز پرداخت بیرون به گنجشك هادید ـ گنجشك پیری بنظرش‌خورد که پرهای سرش ژولیده بود ـ به آزاردادنش شروع کرد سرش را بااشپلاق پیش و پس میکرد : «فیوت، چلك، فیوت،» گنجشك قهر شد ـ سینه اش راباز نمود وبا منقار باز بسوی زیلتوکین پرواز نمود ـ نیکیتا دو باره آمد ، دستش را پشت پرده برد اما این بار دستش خالی بود وآن را نزدیك پرندهٔ برد ـ زیلتوکین بالایش جست ویك انگشتش را باتمام قوه اش نول زد ـ به عقب جست‌وآمادهٔ جنگ شد اما نیکیتا تنها دهنش را باز نمود وغرید ، «ها،ها،ها.» روزبهمین منوال‌گذشت، چیزی نبود که بترسد ، غذا بااینکه کمی یکنواخت بود باز هم خوب بود ـ زیلتوکین بمشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست وآن شب بسیار خوب خوابید . روز دیگر بعد از ناشتا ـ او خواست از پشت پرده دورتر بگریزد ، او دورا دور تمام کلکین جست و خیز زد اما یك درز کو چکی هم نیافت‌سپس بطرفش پرید وبه نوشیدن آغاز نمود ـ منقارش را از آب برکرد ـ سرش را به‌عقب برد وقرت کرد ـ از گلویش یك جیزمدور کوچك پائین رفت .

این یك روز دراز بود ـ نیکیتا کرم های زیادی آورد وکلکین را با برهای قاز پاك‌نمود بعداً گنجشك بایك زاغچه جنگید و چنان ضربهٔ خورد که مانند یك سنگ از لای‌برگ ها پائین برزمین افتاد ودر حالیکه همه پر هایش سیخ شده بود، به بالادید .

یك زاغ دیگر نیز بعلت نامعلومی مستقیماً نزدیك کلکین پرید ، چند آهنگ زمزمه کرد ، تندتر پرید ، دمش را جنباند و کدام حرکت معنی داری از او سر نزد ـ یك‌سینه سرخ برای وقت زیادی سرود وبا شرینی‌راجع به شعاع گرم آفتاب ودر مورد خواص عسل نغماتی سر داد ـ این کار زیلتوکین را غمگین ساخت ، بحدی که در گلویش غرغر می‌کرد ـ اوهم می‌خواست بسراید لیکن اودر کجا می‌تواند این کار را انجام دهد .؟ نه در کلکین ، در یك قفس .... ! دو باره در آستانهٔ کلکین سفرش را آغاز نمود ویك حیوان ترسناك رادید : او بالای پاهای کوتاه ونرمش می‌خزید ـ شکمش روی زمین کش می‌شد ـ سرش مدور بود ، موهای پراگنده اش شخ به بیرون برآمده بود ، چشمان‌سبز داشت وحدقه‌های‌کوچکش‌از شرارت شیطانی روشنائی می‌داد ـ زیلتوکین بزمین هموارشد وتکانی هم‌نخورد.

وازیلی وازیلی ویچ (پشك) بانرمی جست، به کنار آستانهٔ کلکین خود را باپنجه هایش جسپاند ، از لای پرده بسوی زیلتوکین دید ودهانش را باز کرد ... اوه خدایا ! نیش های دراز تر از منقار زیلتوکین .... در دهن بود !.... پشك باپنجه اش مجادله نمود وگاز را پاره ساخت ... قلب زیلتوکین فرو رفت، بال هایش پائین آویزان گردید . درهمین وقت : نیکیتا پیدا شد وپشك را از پوست‌نرم گردنش گرفت وبطرف دروازه پرتاب کرد ـ وازیلی با غضب نالید، در حالیکه دمش را بود که در آب غرق نمی شد ـ او با احتیاط پائین گرفته بود ، رو بفرار نهاد . زیلتوکین بعد ازین تصادف تصور می کرد ، «هیچ حیوانی قوی تر از نیکیتا وجود ندارد .»

وقتیکه نیکیتا دوباره آمد او گذاشت تابر سرش دست بزند بااینکه از ترس بردمش عقب‌نشست . باین شکل این روز پایان‌یافت ـ صبح دیگر زیلتوکین که بسیار خوش بود در حدود قلمرو خود برای تفتیش به سفر رفت وناگهان سوراخی که گربه در پرده ایجاد کرده بود بنظرش خورد ـ زیلتوکین سرش را از سوراخ بیرون کشید ، اطرافش رادید ، بیرون شد ، بجریان هوای ملایم برید وبال هایش را دیوانه وار باهم زد ـ فقط روی زمین خانه می برید ... وقتیکه بدروازه رسید باطاق دیگر که چهار نفردور یك میز مدور نشسته بودند پرواز کرد ـ آنها در حال خوردن بودند وپارچه های کلان غذا را گرفته در دهن شان گذاشتند ، هر چار آن سر های شان را دور دادند وبدون‌حرکت زیلتوکین را تماشا می کردند . او می‌دانست که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گردد ـ اما او این دور مشکل را در پرواز نمی‌توانست انجام دهد ـ بایك بالش زد وبر میز بین

ظرف مربا وکاسهٔ قند نشست ـ بعدآدید که نیکیتا در مقابلش نشسته ـ بدون تاخیربظرف مربا پرید ، از آنجا به شانهٔ نیکیتا وهمانجا باپرهای نامرتب وچشمان نیمه باز نشست.ـ او برشانهٔ نیکیتا مدتی نشست سپس زیر سقف پروازنموده مگسی‌را گرفت ،بردستگاه رادیو که‌درکنج گذاشته شده‌بود فرود آمد، دور شمع دان چند شاخه چرخ زد، احساس گرسنگی کرده ودو باره به کلکینش پرواز کرد که در آنجا کرم های تازه انتظار اورا داشتند .

طرف شام ـ نیکیتامودل یك‌خانه‌چوبی‌کوچکی را که یك دالان ویك دروازه ودو کلکین‌داشت باخود آورد وبر کلکین گذاشت . زیلتوکین ازآن خوشش آمد ـ درونش تاریك بود ـ او بداخل آن پرید ـ دوسه بار دور خوردو بعداً بخواب رفت . در همان شب وازیلی‌یعنی آن گربه نسبت به جرمی که کرده بود در یك ذخیره خانه (تحویلخانه) محبوس شده بود ، با خشونت میومیو می کرد وحتی نمی خواست موش بگیرد . او فقط نزدیك درنشسته بود وآنقدر با عجز میومیو می گفت که حتی خودش هم احساس نا راحتی می کرد .

حالا خانه عضویت سوم قلمرو حیوانات را هم پیدا نمود ـ برعلاوهٔ خار پشت و پشك ـ زیلتوکین نیز جا گرفته بود ـ او بسیار خود مختار ، ذکی وبا تدبیر بنظر می رسید ـ او علاقه داشت باشخاصی که حرف می زدند گوش دهد ووقتیکه آنها نزد میز می نشستند او گوشش می‌داد ، سرش را به یکطرف کج می‌ساخت وبه شکل یکنواخت چهچه می‌زد، «زاشا !» ومی خمید ـ الکزاندرالیونتیفنا تصور می کرد او برای وی خم می شد ... هنگامیکه زیلتوکین را می‌دید او برایش می‌گفت، : «سلام، سلام!» پرنده کك کو چك! پراز حیات وسرور ..» زیلتوکین فوراً بجای معین خود روی لباسش می پرید ودر هوای آزاد بااو می رفت . بهمین ترتیب او تا خزان زیست ـ کلان شد ـ پروبال سیاه و بزرگ پیدا کرد ـ روسی راخوب یاد گرفت و تمام روز درباغ‌بسر می‌برد ، همیشه بخانهٔ‌کوچکش که در تاریکی برآستانهٔ کلکین گذاشته‌بود مراجعت می کرد .

درماه اگست ـ مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردند وپریدن لازم را برایش آموختند ، وقتیکه او باغ راترك می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راهرو پرنده ها پرواز می نماید .

کلیو پك ....

فعالیت های بهاری در کشت زار هابه‌پایان رسید ، باغچه هابیل زده شده وآبیاری‌شدند ودیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود مگر فرا رسیدن روز سنت پیتر که وقت‌درو است ـ گله های یابو های بارکش به‌چرا گاه های آنطرف تالاب که گیاه های خوش مزه داشت برده شده بودند، صبحگاهان بخار آبی رنگ به کشت زار ها بنظر میخورد و درختان سیاه وبزرگ کاج که هر کدام از یکدیگر دور تر قرار داشتند ، طوری معلوم می شد که از اثر هوای شفاف نمو کرده و بالای زمین معلق اند .

ملیشکا کوریا برای وارسی از اسپ ها باگله ماند ـ در حالیکه پاهای برهنه اش‌بر رکاب وآرنج هایش در هوا حرکت می نمود بریك زین قزاقی سوار بود . بامتداد کشت زار های سبز از پشت یك مادیان جوان که‌از گله دور شده‌بود چارنعل نموده و قمچینش را مانند فیر تفنگچه به صدای می آورد ـ و اورا فریاد می زد تا بر گردد ـ بعداً ازاسپ سرکشش که فوراً با پرسه وآواز به کندن گیاه شروع می‌کردفرود می آمد وبر یك‌تپهٔ کوچك خاکریز کنار نهر وچوب های تراش شده می نشست ویا اینکه پاچه های پطلونش را بر زده داخل تالاب می شد وریشه ها و پیاز های نی ها را از آب گرم تالاب بیرون می‌کشید . ریشه‌ه ای نی مانند مار سیاه و دراز بودند ـ پیاز طعم ترش اما ریشه ها طعم شیرین ومعطر داشتند لیکن زیاد خوردن آن معده را بدرد می آورد ـ نیکیتا تمام‌روزش را با ملیشکا در کشت زار آنسوی تالاب گذشتاند واسپ سواری راآموخت . بالاشدن برزین مشکل نبود . اسپ پیر خاکستری که مگس ها اورا می‌گزید باآرامی می ایستاد واتفاقاً برای راندن مگس های خود ـ پای عقبی اش را نزدیك شکمش می برد ـ اما وقتیکه بر اسپ سوار می شد جلو رابدست میگرفت واسپ را می راند ـ نیکیتا گاهی‌به یکسو وگاهی بسوی دیگر می لغزید ـ زمانیکه اسپ خاکی در حدود سی قدم برمی داشت تا گهان توقف نموده بخوردن گیاه شروع میکرد ـ نیکیتا ازقاش زین با تمام نیرویش محکم می گرفت وگاهی نیز بالای گردن اسپ می لغزید وپاهایش را بر پاهای مادیان تکیه می‌داد . اسپ به همه این هابابی تفاوتی کامل عکس العمل نشان می‌داد . ملیشکا گفت :

«بزمین افتادن درد نمیکند ، نترس ،تنها اینقدر که گردنت را کش نموده وسعی‌نکن که زمین را بادست هایت بگیری ، خود را مانند توپ بطرف بالا پرتاب کن ـ نشانت خواهم داد که چطور بدون زین وجلو براسپ بالا شده بپری» .

ملیشکا بطرف یك گروپ اسپ های سه ساله که گاهی برای سواری از آنها استفاده نشده بود دوید ودر حالیکه دست هایش را بسوی شان دراز کرده بود صدا می زد :

«فید، فید، ...» درین اثنا سنتار ـ یك مادیان خاکی خالدار که پاهای باریك ، گوش های هموار ولب های بخملی داشت بامیدآذوقه بسویش آمد ـ سنتار کلهٔ زیبایش را بطرف نیکیتا پرتاب نمود وبرای اینکه ملیشکا را از خود خشنود کرده باشد شانه هایش را بادندان خود خارید ـ ملیشکا دستش را بر پشت اطلسی اش کشیده او را نوازش نمود ـ سنتار با اخطار بـه عقب گام گذاشت ـ از شانه اش گرفته بر پشتش جست، سنتار با حیرانی وغضب بیك سو خیز زد ، سرش تکان داد وبقوت پرید، بعد به عقب ر فت وبه دوش با یك چارنعل تیز ازگله گذشت. ملیشکا خودرا بر پشت آن چسپانده بود ـ ناگهان مادیان بر روی پاهایش توقف کرد وسپس به عقب رفت ـ ملیشکا مانند توپ بر گیاه افتاددر حالیکه خون رااز خراشیدگی رویش پاك می‌نمود بجانب نیکیتا لنگان لنگان می رفت .

«مستقیماً به شاخچه ها رفتم که از تند وزیدن آنها مادیان مرا بزمین انداخت ،»او گفت ،«اما چون تو بسیار چاق هستی این‌کار را نمی توانی انجام دهی .»

نیکیتا با خود گفت «گردنم را خواهم شکست ،»اما اسپ سواری رابهتر ازملیشکا یادخواهم گرفت . » اوراجع به سنتار بالای میز نان صحبت کرد که مامی را در تشویش زیادانداخت .

« گوش کن ،» او گفت ،« برایت گفتم که حتی نزدیك اسپ هائیکه بسواری عادت ندارند نرو ،» وبا التماس بسوی وازیلی نیکیتیویچ دید .

«وازیا ، حداقل ازمن پشتیبانی کن ... او دست وپایش را خواهد شکست .... !»

«خیلی عالی» ، وازیلی نیکیتیتویچ جواب‌داد، «وقتیکه اینقدر باو علاقه داری از سوارشدن وگردش او را منع کن زیرا او خواهدافتاد وبینی اش را خواهد شکست ـ او را دریك مرتبان انداخته در نخ به پیچان وبه یك‌موزیم بفرست .» همین را توقع داشتم ،» مامی‌گفت، «می‌دانم درین تابستان یك لحظهٔ آرام نخواهم داشت ...»

«زاشا! تو باید متوجه شوی که بچه ده ساله شده‌است .»

«معهذا ...»

«لطفا ، مرا ببخش ، من نمیخواهم او یك آدم نازدانه بار آید .»

«کاملا درست، اما این باین معنی نیست که او را فورا تحفه کلیوپك سازی .»

«اولتر ازهمه، یك صغیر هم می توانـد سوار کلیوپك شود»

«اونعل شده است .»

«من دستور داده‌ام که نعل نشود .»

«درینصورت هرچه میخواهی بکن، براسپ های وحشی سوار شو، گردنت را بشکنان،» چشمان مامی از اشك پر شده از کنار میز فوراً برخاست وباطاق خواب رفت .

وازیلی نیکتویچ بسرعت ریش خود را بدو بخش نوازش داد ، دستمال کاغذی‌اش را انداخت وعقب مامی رفت، ارکادی که تمام وقت در همانجا نشسته بود طوری که گویی مباحثات با او کاری نداشت ، به نیکیتا دید، عینك هایش را مرتب نموده به نجوا گفت :

«حالت خوب نیست، برادر!»

«ارگادی ایوانوویچ، مامی را بگو مـن نخواهم افتاد، قسم می خورم، نخواهم ....»

«شکیبایی، تحمـل و ثبات شخصیت،» ارکادی ایوانوویچ بازرنگی یك مگس را که مکررا میخواست بر بینی اش بنشیندگرفت،«سه صفتی است که اگر می خواهی سوار کا ر خوب باشی برایت ضروری است،» در عین زمان با صدای بلندی که در اطاق خـواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد «درین سن بچه‌هاکاملا آزا داند» . در کجـا آزاداند ؟» مامی با یاس گفت : «در امریکا آنها آزاداند .» حقیقت ندارد .» من میگویم که در امریکا بچه ها آنقدر آزاداند کـه ما وشما هستیم ، خدایا ، اما ـ امادرامریکا نیستیم ....»

صحبت بر سر آزاده یك هفته طول‌کشید. مامی تسلیم شده بود وبا غمگینی بسـوی نیکیتا می دید، گویی که یقین داشت‌نیکیتا برای نجاتش ترتیب اثری خواهد داد . در جریان هفته نیکیتا متداوما در میدان کنا ر بزرگ ، در قسمت بالائی در جائیکه دوشیشهٔ تالاب درس های سوار کاری رافرا میگرفت، ملیشکا اورا تمجید نموده و چال تند سوار شدن را برایش نشان داد، بادویدن، جستن وبرنهایت عقبی پشت اسپ نشستن را، مانند جفتك بازی .

«اوترا انداخته نمی تواند ـ در همین وقت این کار را کرده نمیتواند، وقتیکه میخواهد تراپایین اندازد برکفل آن سوار شده می باشی .»

بعد از مدتی در ختم ناشتا در بالاخـانه در جاییکه نبات هندی (مانند عشقه پیچان) برتار بالامی شد و سایه اش بر روی میز، پیاله وروی آنها افتاده بود، مامی ، نیکیتا را نزدش خواست او را پیش رویش ایستاده نموده با آواز پر از قهر گفت : «تومیدانی که ده ساله شدی، وتوباید آزاد باشی، درسن توبچه های دیگر کاملا، کـاملا . صدایش لرزید وباترشرویی بجانب پدر نگـریست . «مختصر اینکه پدر راست میگوید تو دیگر یك طفل نیستی» . وازیلی نیکیتیویچ چشمانش راپایین وبرکنار میزبه طبل زدن پرداخت . «فردا، مابه کیمبولاتووا می رویم وتومیتوانی برکلیوپك سوار شوی ... تنها پـرسیدم، «مامی ، قسم می خورم هیچ چیزی بمن رخ نخواهد داد،» ونیکیتا چشمانش، رخسارهایش زنخ ودستهایش را که بوی انگور را مـی داد بوسید، روز دیگرنان شام را وقت ترخوردند وازیلی نیکیتویچ به نیکیتا گفت تازین را بردارد ، یك زین انگلیسی خاکی که ا ز پوست بزکوهی ساخته شده بود ودر عیـد مسیح برایش تحفه داده شده بود ، و دروقت رفتن به اسپ خانه ها برایش گفت :

«توباید مهتری اسپ، زین کردن ومالیدن اورا بعد از سوار کاری یا د بگیری . از اسپ باید مراقبت لازم صورت گیرد، اوباید پاك شود ، اگر چنین شود، تویك سوارکار خوب خواهی بود .»

ناتمام

پیوست بگذشته

هیله

از تاریخ باید آموخت

جوانان رزمنده‌ی وطن !

بنظر نگارنده تاریخ سرزمین افسانوی و باستانی هند هرچه بیشتر، مبسوط تر ووسیع تر تشریح شود و اززاویه های جداگانه‌بررسی وتحلیل شود به همان اندازه مفید وآموزنده است زیرا این رویداد های تاریخی درپهلوی آنکه چگونگی مبارزات مردم شریف هندرا بااستعمار انگلیس نشان میدهد چهره واقعی استعمار، ارتجاع وامپریالیزم را هم می نمایاند و به ماوبخصوص جوانان می آموزاند که استعمار چون هیولای خطرناك وسفاك هستی جامعه ی راکه برآن مستولی شود برباد می دهد ودر ظلم واستبداد واستثمار هیچ رحم و مروت وقناعت از خود نشان نمیدهد ، برای آموزش خوبتر گفتار بالا ومستدل شدن کلام بخشی از نوشته‌ی «ویل دورانت» فیلسو ف ونویسنده‌ی امریکایی را در ینجا نقل می کنیم : «وی در کتاب معروف خود بنام‌اختناق هندوستان» می نویسد:

تاسال ۱۹۰۷ بودجه‌ی تمام معارف هندوستان که تحت اداره‌ی انگلیس بود دو ملیون دالر وبودجه نظامی آن برعکس چهل وسه ملیون دالر بود ولی باید دانست که مقصد انگلیسی درهند، معارف ابتدایی نه‌بلکه تمویل مدارس عالی بود که بتواند هندی را انگلیسی بسازد... مالیات روز افزون‌انگلیسی نیم عایدات دهقان هندی رابه اسم و رسم گوناگون از دستش می گرفت ومردم را مجنون ووحشی می‌ساخت . باوجودآن‌انگلیس جداً می کوشید ، هندوستان را یك کشور زراعتی بسازد نه صنعتی زیرا خود انگلستان صنعتی بود وباید محصول صنایع آن درهند مصرف می شد . واردات انگلیس در هند از پرداخت مالیه کاملا معاف بود، در حالیکه صادرات هند باید مالیه ی گزافی می‌پرداخت. در فابریکه های هند انگلیسی دو ملیون هندی (بشمول اطفال وزنان) در هفته‌ی ۵۶ ساعت کار می کردند، زنان کارگر اطفال خود راباخوراندن تریاك‌می‌خواباندند تا خود شان بتوانند در فابریکه بیشتر کار کنند. مشروبات عمدا از طرف انگلیس در هندترویج می گردید وتریاك از طرف خود انگلیس ها در هند کشت می شد وبفروش می رسیدواز درك فروش تریاك یك نهم بخش عایدات دولت استعماری بدست می آمد .

زعمای هند لوایحی را جهت منع کشت واستعمال تریاك ارائه می کردند ولی از طرف انگلیسها بشدت رد می شد . انگلیس به حیل وتوطئه های گوناگون مبارزین آزادیخواه هندوستان رابه تریاك معتاد می ساختند . در هند رسما هفتصد دکان تریاك فروشی مفتوح بود ودر برما مردم را جبرا ومجانا تریاکی می ساختند .

آری استعمار وآنهم استعمار امپریالیزم چون حیوان درنده خوی ودرعین حال روباه محیل هر آنچه ملت ومردم تحت استعماررا ترسو، تنبل وبدبخت می ساخت بر آنهاتحمیل می‌نمود. جوانان مادر پهلوی آنکه از رویداد های زمان تسلط انگلیس برهند به ماهیت اصلی استعمار خو بتر پی میبرند یك حقیقت دیگر رالیزمی بینند وآن اینکه اگرانگلیسها در زمان استعمارگری خود برهند و سایر نقاط جهان مخدرات از جمله تریاك و چرس وغیره راترویج می‌کردند وبازور وحیله مردم وبخصوص مردم آگاه، وطن پرست و مبارز رابه آنها معتاد می ساختند اینك حالا خود دولت های ممالك امپریالیستی چیزی را که کشت کرده بودند درو می کنند . وبگفته‌ی سخنور نامدار شیراز یعنی شمس الدین محمد حافظ شیرازی که چه خوش گفته است :

مزرع سبز فلك دیدم وداس مه‌ی نو
یادم از کشته‌ی خویش آمدوهنگام درو
هرکه در مزرع دل تخم وفا سبز نکرد
زرد رویی کشد از کشته اش هنگام درو

ویاسخن پرمفهوم پیر خرد مند عبدالرحمن بابا که گفته است :

ادامه دارد .

خوشبختی خانواده به‌چه‌عواملی ارتباط دارد؟

دست یافتن بیك زندگی دلخواه وایده‌آل آرزوی هر خانواده وبخصوص آرزوی هر زن وشوهر است . زیرا حیات خانوادگی اگر توام با خوشی وسعادت نباشد ازبد ترین وجانگداز ترین لحظات زندگی انسان بشمار خواهد رفت وبه یقین هیچ خانواده وهیچ زن وشوهری را سراغ نداریم که نخواهند زندگی شان دلخواه ودوستداشتنی باشد ولی گاهی اتفاق افتاده که این روابط شیرین وسعادت بار خانواده رابعضا مسایلی بظاهر بسیار کوچك و پیش پاافتاده کدر وتاریك میسازد.

برای اینکه از اینگونه مسایل جلوگیری بعمل آید چه باید کرد ؟

این سوال را بهتر است اززن وشوهریکه در طول زندگی خانوادگی شان کمترین ناراحتی داشته وهمیشه خوشبخت وسعادتبار زندگی کرده اند پرسید .

زن میگوید : به عقیدهٔ من بهترین راز خوشبختی یك خانواده موجودیت یك یا دو کودك در خانواده است . زیرا وجود کودك نشاطی را برای خانواده می‌آورد که قابل تخمین نیست . بهر حال باید هرزن و شوهر که خواهان زندگی سعادتمند خانوادگی می باشند باید بیشتر از یك تا دو کودك‌نیاورند. این‌امر دو مزیت دارد: اول اینکه پدرومادر میتواند از تر بیت سالم کودك بدرستی بدر شود . دوم اینکه مادر باداشتن یك یاد وکودك به امور منزل وارسی کرده میتواند زیرا تنها مسایل تربیت کودك نیست که خانواده را خوشبخت می سازد، بلکه ده ها مساله دیگر است که هریك آن به‌نوبه خود در امر خوشبختی خانواده نقش مهم وارزندهٔ دارد .

یك موضوع را نباید از نظر دور داشت‌که بعضی از خانواده ها وبخصوص بعضی ازپدر هاومادران برای اینکه پسری داشته باشند اولاد های زیادی را بدنیا می آورند ، که‌این امر بعد هاباعث ناراحتی ومشکلات فراوان برای خانواده میگردد . همانطوریکه قبلا تذکر دادم داشتن یك یادو کودك برخانواده حلاوت وشیرینی وگرمی می بخشد وبیشتر ازپیش خانواده را سعادتمند میسازد اماهمینکه تعداد کودکان در خانواده زیاد شد، چون پرورش وتربیت آن مشکل است این وضع باعث یك سلسله ناراحتی های برای پدرومادر میگردد که محیط وفضای خانواده را بیشتر تحت تاثیر خویش قرار میدهد .

هرپدر ومادر که‌به سعادت خانواده شان علاقمند اند و به آینده کودکان شان توجه دارند باید این موضوع را بخاطر داشته‌باشند که تربیت وپرورش کودك در شرایط امروزی کاری سهل وسادهٔ نیست، بدین مناسبت باید هرپدر ومادر توجه نماید که داشتن کودکان متعدد وقدونیم قد برعلاوهٔ اینکه تربیت وپرورش سالم آنان مشکل است ممکن است این امرباعث ناراحتی‌های زیاد خانوادگی گردد .

شوهر در این مورد میگوید :

من حرفهای همسرم را قبول دارم ودرضمن علاوه میکنم که تنها وجود کودك نیست که خانواده را خوشبخت میسازد ، شاید باشند خانواده هاییکه اصلا صاحب کودك نباشند اما در زندگی و حیات خانوادگی شان خوشبخت اند.

پس من چنین عقیده دارم که یگانه مساله خوشبختی بین خانواده ومخصوصا میان زن‌و شوهر دوستی و رفاقت بین آنهاست . وقتی زن وشوهر از همدیگر شان شناخت داشته

باشند این امر بین آنها علاوه از ارتباط زن وشوهری نوع دوستی ورفاقت را بوجودمی‌آورد که در امر خوشبختی خانواده رول بسزایی دارد . شکی نیست که بسیاری از جوانان امروزی ماکه تشکیل خانواده را میدهندبدین نکته ملتفت اند که دوستی ورفاقت وهم‌نظری وتوافق های روحی عوامل مهم خوشبختی در خانواده محسوب میگردد .

زمانیکه بین زن وشوهر علاوه از روابط زن وشوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد بسیاری از مسایل وپرابلم های زندگی که خواه ناخواه هرخانواده به آن سردچار می گردند بدون کدام مشکلی حل میگردد.

اشتراك مساعی در امور منزل یکی ازمسایل بسیار مهم در امرخوشبختی خانواده محسوب میگردد . وقتیکه زن وشوهربین شان صمیمیت ورفاقت موجود باشد کارهای منزل را بااشتراك هم پیش می‌برند واین امر بیشتر بر دوام واستحکام خانواده می‌افزاید امروز که‌ایجابات عصر وزمان حقوق زنان رابا مردان مساوی ساخته است پس‌مردنباید فکرکندبرای‌اینکه‌مرد است در کار های خانه سهم نگیرد . دیگر زمان مرد سالاری سپری شده امروز زن و مرد هردو در تمام مسایل زندگی دوش بدوش هم کار میکنند وعرق می‌ریزند پس آن شوهرانیکه با عقاید گذشته که مرد نباید به امور منزل دست بزند واین تنها وظیفه زن است که در منزل کار کند بدانند که اگر واقعا می خواهند خوشبخت باشندوزندگی خانوادگی شان سرشار از لطف وصمیمیت و یکرنگی باشد باید در امور منزل با همسر شان کمك کنند وهرگز اینطور فکر نکنند که چون مرد در خارج از خانه مصروفیت های دارد پس نباید در کار های خانه با همسرش کمك کند . چه دیده شده که زنهاهم مانند مردان مصروفیت های اداری دارند ومانندآنان کار میکنند، زحمت میکشند وعرق میریزند، بناء زن هم از خود خستگی دارد وانرژی‌صرف میکند پس بادرك این حقایق است که مرد نباید یکجانبه قضاوت کند و کوشش نماید که زن رادر امور منزل یاری دهد وهمین مسایل کوچك است که تضمین کنندهٔ خوشبختی خانواده محسوب میگردد .

آیا بخاطر فرار از تنهایی باید به خواب وخیال پناه برد؟

آیابه عقیدهٔ شما بخاطر فرار از تنهایی توسل به خواب وخیال کار معقول و درستی است ؟

درست است که دورهٔ جوانی دورهٔ بخصوص وخیلی احساس زندگی است ، در این دوره است که احساسات مختلف‌بر او هجوم می آورد ووی را در خود می پیچد . اما باتمام این هاراه حقیقی راهیکه میتواند جوان را به سرمنزل مقصود وبه آرزوهایش برساندقبول کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این حقایق برایش دشوار باشد .

اماپناه بردن به‌انزوا وخودرا در خواب وخیال قرار دادن کاری درست ومعقول‌نیست. زیرا شرایط امروز با گذشته تفاوت کلی پیدا نموده وامروز جوانان مارسا لت مهم وارزندهٔ بدوش دارند که با خواب وخیال نمیشود این رسالت رابه پایان رسا نید و انجام داد .

قرار احصاییه های بدست آمده بیشتر دختران به انزوا طلبی وپناه بردن به خیال علاقه دارند تا پسران .

شکست در عشق یکی از عللی است که دختران را بیشتر وامیدارد تا گوشه گیری اختیار نمایند وبه خیال وخواب پناه ببرند.

ولی حقیقت اینستکه نباید جوانان ما دراین مراحل حساس زندگی بیشتر به موضوعات عشقی فکرکنند . زیرا در این مرحله کمتر میتوان به مفهوم حقیقی عشق پی برد وبیشتر عشق های‌که در این دوران بوجود می آید سطحی وزود گذراست البته نباید این حرف راصد در صد تایید وتصدیق کرد ، زیرا در همین دوران است که عشق های واقعا حقیقی ومحکم نیز بوجود می‌آید امابصورت‌کل دراین سن وسال کمتر انسان موفق میشود که‌عشق حقیقی وراستین را از هوس های زود گذرتشخیص دهد.

بنابر آن جوان امروزی مااین صبروحوصله واستقامت را داشته باشد تا با این مسا یل مبارزه نماید ودر لابلای این مسایل راه‌حقیقی ولازمی زندگی را جستجو نماید .

جوانی که عنان احساسات خود را خود بدست دارد ، درزندگی موفق است ودرآینده هم موفق خواهد بود . زیرا استقامت درمقابل مشکلات زندگی جوان را وا میدارد تا در آینده نیز این استقامت را داشته باشد اما برعکس آن عده جوانانیکه اختیار ارادهٔ خود را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی به او وارد شد خودرا در مقابل آن عمل‌زبون مقاومت را از دست میدهد واین امر باعث میشود که گوشه گیری وانزوا را اختیار کند وخودرا به خواب و خیال بسپارد این عمل باعث میشود که جوان از راه‌حقیقی که استقامت در برابر مشکلات است دورشود وای بساکه ادامه این وضع اورابه ورطه سقوط بکشاند وبیشتر این سقوط و کشیدن هاسوی نابودی بخاطر عشق یاشکست درعشق بوجود می آید درحالیکه جوانان نباید چنین باشند .

امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما باید خوب وبد زندگی را بهتر وخوبترتشخیص نماید زیرا همین تشخیص است که آیندهٔ او رامیسازد پس پناه بردن بخواب وخیال علاوه از اینکه هیچ دردی را دوا نمیکند بر عکس اوراعا طل وباطل بار آورده از او مو جود میسازد که نه بدرد خودش می خورد و نه بدرد اجتماع .

واگر این وضع دوام یابد اورا به نابودی وبی چارگی میکشاند .

بنابراین حقیقت جوانان ما باید این موضوع را درك نمایند که وطن و اجتماع بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول صاحب عزم واراده وتوانا ضرورت دارد ووقتی این مامول برآورده میشود که جوانان ما بیشتر به مسایلی فکر کنندکه خیر ملت و مملکت درآن باشد تاموضو عات خصو صی وغیره ...

عبدالخلیل رومان

جوانان ونقش آنها درجامعه

بر همگان معلوم است که جامعه دارای یك سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق آن با ید تکامل نماید . برای ساختن یك جامعه امر ضروری است که باید پدیده‌های کهنه جای خویش رابه پدیده های نوبگذارند. یا بعباره دیگر سر انجام پدیده زوال یابنده بابه سر آغاز پدیده های رشد یابنده باشد، ازینرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان که بطور جدی آن راباید درنظرگرفت همانا نیروی جوان میباشد. این نیروی محرکه در جامعه وزندگی اجتماعی رول بسزایی را دارا میباشد که باید طوری سازماندهی شود که بتواند برای هرنوع فداکاری خدمت و ازخودگذری آمادگی جسمی و معنوی داشته باشد.

از آنجاییکه جوانان سازندگان جا معه خویش میباشند وفردای کشور به جوانان‌امروز تعلق میگیرد وجوانان چرخانندگان چرخهای آینده کشور خویش میباشند، بیشترجوانان طرف توجه قرار میگیرد باید طور آگاهانه وفداکارانه از آوان جوانی قسمی خو درا پرورش دهیم تا از قضاوت نسل های آینده سرفرا زبدر آییم وهر عملی راکه انجام میدهیم سطحی ننگریم ودر کار های خویش نظر انتقادی داشته باشیم .جوان امروز دیگر بیشتر از دیروز باید آگاه ، با شهامت‌متین ومتواضع باشد تا ازیك طرف برای وضع نظریات واندیشه های خرافاتی و غیر معقول مبارزه نماید واز جانب دیگر قوانین جدید ومبرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد . دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه مسایل اجتماعی اعم از سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی وکلتوری ابراز نظر نمایند ونقش فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند. قوانین رشد یابنده را پی ریزی نموده وبرای رفع عقب ماندگی جامعه خویش فعالانه سهم میگیرند .

در شرایط امروز جامعه ما ، در دوران اتوم وعصریکه انسان توانسته است طبیعت را به نفع خویش بکار بیاندا زند ، دیگر برای جوانان ماجای گوشه گیری و انزوا باقی نمانده است. باید بایك تکان از خواب گران بیدار شد وهمراه با آهنگ کا روان عصر خویش به پیش تافت . باید بطوراعظمی ازنیرووقدرت خویش استفاده نموده و درراه آبادی وطن وجامعهٔ خویش گام بگام باسایر وطنپرستان کشور عزیز مان افغانستان ـ افغانستیکه قصداً بنا بر مداخلات امپریالیزم وارتجاع عقب نگهداشته شده بود ، به پیش رفت .

جوانان ارجمند

بیائید یکجا وباهم متحد وفشرده مشت‌های کوبندهٔ ای بدهن ارتجاع وامپریالیزم بکوبیم ونگذاریم باز ارتجاع وعناصر ضد ترقی سد راه ما گردند ما دیگر بروی زندگی شرافتمند انه پیکار می‌نماییم ، حاضریم تا در مقابل دشمنان وطن وخاك ، دشمنان آزادی وشرف ، دشمنان ترقی وعدالت اجتماعی جان خویش راقربان نماییم . طوریکه هزاران‌شهید قهرمان دراین راه دلیرانه وسربازانه به پیش رفته اند وراه فروزان مارا باریختن خون سرخ خود رنگین نموده اند ، مانیز در تعقیب راه این دلیران وشهیدان سهل انگاری‌ننمائیم وبیرق عدالت اجتماعی ـ برابری رشادات را تا آخرین لحظات زندگی با اهتزاز وسر بلند نگهداریم .

راه صادقانه ما راه هزاران انسان شریف ووطنپرست ، راه دلیران وآزاد گان است . راهیکه هرگز دلیران وراهیان این کاروان ترقی وعدالت خستگی احساس ننموده اند و تا سر حد مرگ از آن عدول ننموده اند . باابراز وفاداری به این راه روح شهیدان خویش اطمینان بخشیم وبیك آواز بگوئیم که: «رفیق شهید ! من راه ترا تا آخرین لحظهٔ حیات تعقیب خوام کرد».

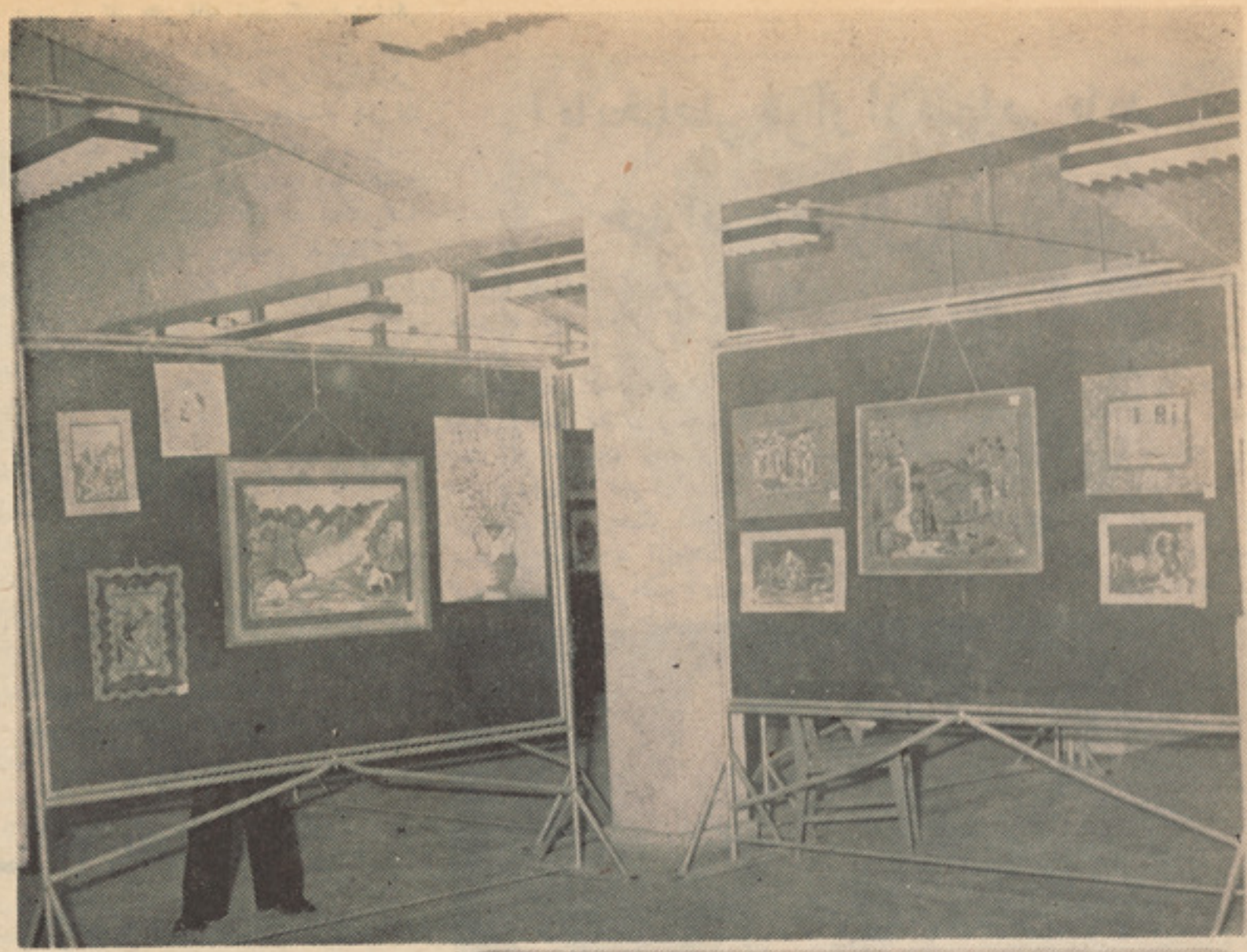

گزارش از : ضماد

نمایشگاه نقاشی آثار هنرمندان افغانی و شوروی

اگر به تاریخ کشور عزیز ما افغانستان نظری انداخته شود ، نقطه پر توجه یی به چشم میخورد که روزی برای اولین بار دست ها ی رهبرا ن دو کشور و.ای.لینن و غازی امان الله به منظور تداوم درتعاون ورعایت حقوق همسا یگی همه جا نبه ،باهم فشار عمیق وپا یه داری را احسا س نمود.

یقینا نهال دو ستی یرا کهاین ر هبران دو کشور شصت سا ل قبل غر س کردند، باپیروزی انقلاب شکوهمند ثور ریشه عمیق تر و مستحکم تری گر فته است .

به اسا س پر نسیپ ارتبا ط تباد لهفرهنگی کشور ها ی دو ست وبرادر ، افغانستان و اتحاد شوروی ، اینك انجمن دوستیافغان-شوروی وانجمن دو ستیوارتباطفرهنگی شوروی با افغانستان ، نما یشگا ه بزرگ آثارمشترك هنر مندا ن افغانستان و شوروی را در حالی بر پا کردند که یکصدو دهسال از تو لد رهبر کار گرا ن جها ن و اولین مو سس کشور سو سیا لستی در جهان میگذرد . نما یشگاه مشتر کیکه بهاشتراك بیش از چهل تن از هنر مندان افغا نستان و چهل تن از هنر مندان شوروی دایر گردیده ، در حدود دوصد اثر هنری از هنر مندان افغانی : یکصداثر از نقا شانی معروف کشور دوست اتحاد شوروی واز جمله صد تا بلو از شا گردان هنر ها ی زیبا ی پو هنځی ادبیات به نما یش گذاشته شده که انعکا س دهنده حیا ت مرد ماین سر زمین ها میبا شد .

خبر نگار هنری ماسری به این نمایشگاه که به تا ریخ ۲۳حمل افتتاح شده وتا سوم ثور ادامه دارد ، زده و گزا رشی تهیهدیده که خد مت شما تقدیم میگر دد :

در شرو ع عنایت الله شهرا نی آمر دیپار تمنت هنر های زیبای پو هنځ ادبیات و متصد ی نما یشگا ه در جوا ب سوا لی چنین گفت :

درین نما یشگاه آثار هنر مندان معروف کشور چون استاد غوث الدین ، خانم شکورولی، استاد غلام محی الدین شبنم، آقای گند می ، استاد قربان علی عزیز و دیگر استاد ان به معرض نما یش قرارگرفته و همچنا ن آثاری از شا گردان ساز مان هنر ی غلام محمد میمنگی نیزدرین نمایشگاه به چشم میخورد که خیلی دلچسپ میبا شد

ـاین آثار از کدام سبکهای هنر ی نما یند گی میکند ؟

ـهنر مندا ن شوروی اکثرا از سبك ریالیزم پیروی مینما یند و انعکا سدهنده واقعیت ها ی زند گیست و هنر مند ازشرایط محیط وماحولش متاثر میباشد.

هنرمندان افغانی از سبکهای مختلف در نقا شی خود استفاده مینما یند طور مثال خانم شکور ولی آثارش ابستركت و به شکل مدرن کارشده همچنان آثار شان از ریا لیزم نیز نما یند گی میکند . هنر مندان

یکی از تابلو هاییکه درین نمایشگاه نظر هربیننده رابخود جلب میکرد .

افغا نی نیز مو فقا نه توا نسته اند شرا یط محیطی را در آثار شا ن طور شاید و باید انعکا س دهند .

- آیا بعداز ختم نمایشگاه ، این آثار به فرو ش میر سند یا چطور ؟

-یك تعداد آن قبلا ریزرف شده و به فروش میر سد ویك تعداد دیگر آن بـه موسسات شان دوباره سپرده خـو ا هـد شد .

- آیا از هنر قدیم افغانستان هم آثاری در ین نما یشگاه جا دارد ؟

-استاد هما یون اعتمادی که از میناتور-نیست ها ی بزرگ کشور ما هستند بـا آثار شا ن که از هنر قدیم افغانستان‌عزیز یا بهتر بگو یم «هنر مینا توری » اشترا ك کرده اند که تا بلو ها ی شا ن زیاد طرف توجه واقع گردیده است .

باید تذکر دهم که‌یك تعـداد شا گـردان هنری از ولایت هرات با آثار شا ن درین نـما یشگاه کـه میناتور کـار شده حصه دارند .

از عنایت الله شهرا نی خوا ستم تا به طور نمونه از چند تا بلو ی خو ب ایـن نما یشگا ه را نا م ببرد که در پا سـخ گفت :

همه آثار این نما یشگا ه قا بل قدر و تو صیف است و به طور نمونه از چندتابلو یاد آور میشو یم که عبار تند از :«سا ل ۱۹٤۱ مداخله فا شیست ها در شوروی ،روز پیروزی ، و لدنگ کاران ، شب بها ر ، دهقا نا ن، زند گی دها تی ، مرا سم بعداز تد فین ، در راه نبرد ، سوا ران انقلاب، پیر می فرو ش ، دختر افغان ، مر وارید های بیابان ، فالبین ، طفل ومادر، خـرابـه هـای لشکر گـاه ،نی نواز و غیره که‌بـا رو غنی ، شبکه ، نو ش ، نو ك آهنی ، چوب برجسته ، گـچ، کولاژ ، رنگ آ بـی، موزاییك ، خطاطی ،چاپ دستی، ذغـالـی سلکسکر ین و پا رسل کار شد ه است.

از غلام عمر اسحاق محصل صنف چا رم دیپار تمنت هنر ها ی زیبای پو هنځی ادبیات وعلوم بشری که سه تابلو درین نما یشگاه دارد پر سیدم :

کدا م تا بلوی شما درین نما یشگا ه‌زیاد تر جلب تو جه نموده است ؟ گفت :

- یـك تـا بلـو یـم به نام «ستدیوی هنرمند » است که را ستی طرف تلا قـه هنردوستان قرار گرفته است، درین تابلـو کوشیده ام فقر یك‌هنرمند راتمثیل‌نمایم‌وچنانچه خود دیدید ،بیننده هنرمندرادراتاقش‌می‌بیندکه درهم وبرهم بوده وتابلو های نیم کاره نیز به چشم میخورد همچنا ن چشم تیز بیـن تما شا چی می بیند که هنر مند به چـه نوع مشکلا تی در زند گی رو بر و ست که همه این ها دست به دست هم داده وهنرمند را زهیر و پیرنز سا خته است .

-از کدا م نو ع رنگها استفاده مینمایید؟

-از رنگها ی گرم .

-رنگهای گرم را اگر کمی تـو ضیـح دهید ؟

-رنگها ی گرم عبا رت از رنگها ی‌است که زود تر به چشم بیننده کا ر کند وعبارت از رنگها ی سرخ ، نا رنجی وزرد .

-آیا تا حا ل از آثار خود نما یشگا هی دایر نموده اید ؟

-نمایشگاه مستقل از آثار خود دایـر نکرده ، اما در دونما یشگا ه که درپوهنتون دایر شده اشترا ك نموده ام .

-نظر شما به صفت یك هنر مند درمورد این نما یشگا ه چیست ؟

- ایـن نما یشگـاه و سیله ایست تـا هنرمندا ن با هم در مورد هنر شا ن‌تبادل افکار کنند و از یکد یگر بیا موزند ، همچنان این نما یشگا ه در مجمو ع بیانگر زندگی واقعـی مردمـان دو کشور دو ست وبر ادر میبا شد .

-در طول چار سا ل در پو هنځی چند تابلو کار کرده اید ؟

-فقط پنج تا بلو !

-بسیار کم نیست ؟

-ممکن کم با شد ، اما مواد او لیه اشرا در دست ندا شتم تا زیاد کار کنم امیدوارم در آینده زیاد تر آثاری به و جود آورم .

از عبدا لسمیع مسعود محصل صنف ۲هنر های زیبا پر سید م :

-شما درین نما یشگا ه چند تا بلو دارید؟

-شش تا بلو ! از جمله : سلما نی ، دهقا ن وتابلوی فرا مین هفت و هشت .

-از کدام سبکها نمایندگی میکنند ؟

-از کو بیزم و مینا تور .

-یعنـی دو سبك متفاوت، چرا نمیخـوا هید ازیك سبك به صورت درست استفاده‌کنید؟

-چو ن فعلا محصلم ، میخوا هم از هـر سبك نمونه یی داشته با شم و در اخیر یك سبك را انتخا ب نموده آنرا ادامـه مید هم .

-شما کدا میك آنرا انتخاب خوا هیـد نمود .

-فکر میکنم ، میناتور را.

به‌آرزوی موفقیتش صحبت رابا فریدکمالی یك تن دیگر از هنر مندا ن این نما یشگاه دنبا ل میکنم .

-او میگو ید درین نما یشگا ه یك‌اثـر به‌نام « پشکیـا » اند که یکـی از خصایـل طبیعی این زند ه جا ن را تمثیل مینما ید.

-وی پیرو سبك ریا لیزم بوده و عقیده دارد که یك هنر مند با ید با لای اثـر زیاد کا ر کند تا تابلو ی یا اثری بـه وجود آرد که به هنر ش لطمه نز ند .

عبدالشریف عزیز یار که تا بلو ها ی کوچه هندو گذر ، جنـگ گوزن و طبیعـت بیجان را درین نما یشگا ه به معرض تماشا قرار داده است میگو ید :از ریا لیزم آثار زیادی دارم اما میخوا هـم پیر وسبك امپـر-سیو نیزم با شم .

-آیا آثاری از ین سبك مدرن کار کرده اید ؟

-خیر ، اما در همین نزدیکی نزدیك تر‌از کسا نیکه درین رشته معلو ما ت کا فـی دارد ، آثاری ازین سبك هنری به و جـود خوا هم آورد .

ومن با آرزوی مو فقیت تما م هنر مندان این صحبت رابه پا یان رسا نید ه وسعادت وکامگاری برای شما خـوا نـنده هـا ی عزیز نیز از بارگاه ایزد متعال تمنا دارم .

پیروزی تاریخی

از زما ن پیروزی بر فا شیزم جر منـی تا نهم ما ه می سی و پنج سا ل می گذرد به هر اندا زه که زمان از جنگ بگذ ر د اهمیت‌تاریخی شا هکا ر ابد ی خلق‌شوروی وقوای مسلح آن در امر سقو ط قو یترین ما شین جنگ جها ن سر ما یه داری وقوه ضربه امپر یا لیزم جها نی در پیشگا ه‌بینش جها نیا ن رو شنتر می گر دد در نبرد بی دریغ که یك هزار و چها ر صدو هـژده شبا نه روز طول کشید اردو و بحر یـه شوروی نه تنها از سر زمین خود دفا ع‌نمود بلکه بشر یت را از چنگا ل فا شیزم‌نجات داد.

اردوی هتلر در اثر مبا رزات اردو وقوای مسلح شوروی نا بود شد بلخاصه قو ا ی زمینی آن نقش قاطعی را ایفانموده فعالیتهای بحـریه شوروی در مناطـق سا حلی بـه ستیز پر داخت ملا حان در حصه خـود فعا لیتها ی چشمگیری را برا ی از هـم پاشیدن قوا ی دشمن و نا بود سا ختـن شبکه ها ی مخا برا تی آن انجا م دادند بحریه شوروی درین‌نبرد درخدمت قوای‌زمینی قرار گر فت و همه سواحل را که قوا ی زمینی شوروی نیز در آن قرار دا شتندنیرو-مندانه حراست نمود مـلا حان شوروی در اورا ق تا ریخ قهر ما نی نبرد قوا ی مسلح خا طرا ت رو شنی از خود بجا گذ ا شتنـد وخود را نمو نه جرا ت،شهامت و فا دا ری وقهر ما نی ثابت کردند .

اردو و بحر یه شوروی درین پیروزی به اقتصادی سو سیا لیستی اتکا دا شت‌اقتصاد را یش سوم و اقما رش در آن زمان نسبت به اقتصاد واحـد شوروی نیـر و منـد تـر بود در سا لیا ن جنگ صنا یع شوروی از یك ونیم تا دو چند ظر فیت تولید تا نك، تو پخا نه ،ها وان و طیا را ت را نسبت به آلما ن فا شیست داشت .

پیروزی اتحاد شوروی بر آلما ن هتلر ی به اثبا ت رسا نید که تشکیلات عسکر ی ایـن کشور سو سیالیستی بـد و ن شـك حایز تفوق بـر اردوی دول امپریا لیستی بود . قو ما ندا نی سوق الجیشی شورو ی نسبت به قو ما ندا نی هتلری بهتر بـود علاوه برا ن مو ضو عا ت جگو نگی جنگی از طرف شوروی ها عمیقا ارزیا بی می شـد ستراتیژی و فن جنگی شوروی فوق ا لعاده قوا م گر فته بود وظرفیت‌آنرا داشت تا با حوا دثیکه در آن زما ن ستراتیژی و فـن جنگی آلما ن قادر به مقابله با آن نبـود دست و گر یبان شود . صد ها عملیا ت‌سوق الجیشی ازطرف اردو و بحریه شوروی که مدبرانه صورت پذیرفت بحیث نمونه فـن نظامی در او را ق تا ریخ جا گزین شـده است .

ضربه محکمی در پیکر دشمن و متحد ین آلما ن وارد شد افراد جنگی یو لند ،چکو-سلواکیا و یو گو سلاویا و دیگر کشور ها ی ارو پا یی که برای نجات سر زمین شا ن قیام کرده بو دند علیه نازی هـا دلیرانه جنگیدند .

سر کی گور شکو ف که در سا ل۱۹۱۰ تو لد یا فته از سا ل ۱۹۲۷ به بعد درخدمت قوا ی مسلح اتحاد شوروی ایفای و ظیفـه میدارد در زما ن جنگ وی قوما ندا ن یك دسته نیروی بحری شوروی بود بعد ازجنگ مو صو ف قو ما نده بحیره سیاه راعهده دار بود . از سا ل ۱۹۵٦ به بعد او قوماندان اعلی بحری و معاون وزیر دفا ع گر دیـد او یك قهرمان عضو کمیته مر کزی حز ب کمو نست و معا و ن صد ر هیئات رئیسه اتحاد شوروی است .

مردم شوروی سهم گیری همه کسانـی را که درامر شکست آلـمان فا شیست اشتـراك داشتند به قد ر دانی یاد می کنند .

با آنهم اوراق تاریخ به صراحت ثابت می کند که قوا ی آلما ن از جبهه مشخص خو یش جنگ را علیه شوروی ها آغا ز کردند و تا شکست نها یی در حمله وتجاوز بودند درین تجاوز آلمـان صرف قـو ا ی فاشیستی آن دخیـل نبوده بلکه متحـد یـن آن در عر صه چها ر سال جنگ از موقف آلما ن هتلری حما یت داشتند و درین نبرد مسلحا نه تا پا ی جا ن از تجاوز کنارنرفتند وجبهه جنگی شوروی وآلما ن نسبت بـه جها ت دیگر عر یض ترو وسیعتر بـود جبهه شوروی و آلما ن که یك سا حـه شش هزار کیلو متر را احتوا می کردچهار برا بر جبها ت ما نند افر یقا ی شما لی و ایتا لیا و کشور ها ی غربی بود .

در دو را ن جنگ که در آن آلما ن فـاشیست سیزده میلیون و ششصد هـزار نفو س خود را از دست داد تنها در جبهـه شوروی و آلما ن ده میلیون نفر آن ازبین رفت در جبهه شر قی سه حصه از طیا رات دشمن از بین رفت همچنا ن تانك وتوپخانه دشمن کا ملا فلج شد . ارتش سرخ عساکر

بقیه رصفحه۵۰

یک داستان درپیشاره

عشق به انسان

ترجمهٔ : میرحسام الدین برومند

گرچه فصل شکار پرنده های دریایی آنجا فرا نرسیده بود، باوصف این، پیوتر دریابینکین یك قازوحشی شکار شده از بحر را با خود همراه داشت . پیوتر به نحو ی که گویی نادم ازکردهٔ خود است . پرندهٔ مذکوررانظاره داشت ... متعاقب آن نگاه های غصه آلودش به دوردست ها کشیده شد . از نگاه های رقتبار مرد پیدا بود که اوبه دنیای پرندگان دریایی می اندیشید وبه اینکه بعضا چه بیرحمانه این پرندگان را شکار میکنند .... «تلیانیکوف» مفتش ساحهٔ شکار ازپس یك جزیرهٔ کوچك ظاهر گردیده وقایقش رابسوی او میراند ، نگاه های مرد مذکور غم آلود مینمود . او همان نگاه های سرزنش آلود وملامتبارش را بسوی پیوتر ارزانی داشت . مفتش وظیفه داشت، ناظر بحر بوده و بدون از فصل شکار وساعات معین شکار پرندگان دیگر به هیچ فردی حق شکار قاز های وحشی آن بحر را نمیداد .

«تلیانیکوف» اصلا پیوتر را نمی شناخت فقط این سومین باری بود که وی رابا قایقش در آغوش بحر مشاهده مینمود . پیوتر در دفعات قبل بجز اینکه بیهوده باروت بافروزد، کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد انگار شکار ونشان‌گیری رابلد نبوده‌باشد ... پیوتر چون نزد برادرزاده کوچکش از زیبایی قاز های وحشی بحر تعریف کرده بود ، پسرك اورابه غصه نشاند . برادرزاده اش که سخت متمایل برفتن با او گردیده بود تا توانست اصرار نمود . پسرك که نامش «هولگا» بود هشت سال بیش نداشت، هولگا را از شکار بیحد خوشش می آمد معذالك او در شکار و نشان گیری دست کوتاهی از شکارچی ماهر نداشت . هولگا پرندگان زیادی راکه برشاخه های درخت منزل می بریدند همیشه شکار کرده بود، از طرفی قشنگی قاز های وحشی هولگای کوچك را وسوسه کرد ... آنروز هولگا باکاکایش نیزدل بدریا زده بود ، ... راستش اینکه لحظاتی بعد این هولگا بود که قازوحشی را صید داشته بود ، نه کاکایش پیوتر . «تلیانیکوف» که از ابتدای ورود با قایق خود، ناظر ومشاهد قایق کوچك آندو بود بوضاحت دریافته بود که هولگا شکارچی خوبی است . او صدای پیوتر را شنیده بود که ازهولگا تعریف کرده وبا تحسین مخاطبش ساخته ، میگفت :

– آفرین پسرم ، تو واقعا نشان زن ماهری هستی ، مرحبا !

وپسرك بدون آنکه برخود ببالد فقط جواب کاکایش را با خونسردی تحویلش میداد :

– هان، نشانم خوب بجان قاز اصابت کرد.

هولگابمحض اینکه نگاه های «تلیانیکوف» بسوی کاکایش دوید دریافت که میان آندو یك‌دیوار وجود دارد ... یك دیوار باریك که هرآن باریکتر شده میرود. پسرك دریافته بودکه نگاه های مردبیگانه ، نگاه های عادی نیست ، نگاه های ملامتبار است ... پسرك هرآن‌متجسس ترشده میرفت، دلش میخواست این مرزرابشکند، میخواست بفهمد نگاه های مردچرا ملامتبار است وسر انجام به واقعیت این امرپی برد ... آری او فهمید که‌کاکایش کار نامناسبی نموده، قانون را رعایت نکرده چونکه شکار قاز ها ممنوع بود . پیوتر در حالیکه سراپا خاموش بود و غافل از اینکه مردی بخاطر حرکتش ازوی رنجیده ، قاز را در گوشه قایق گذاشت ، درین اثنا صدای «تلیانیکوف» توجه اش را بخود کشید که مدعی بود :

بایستی تو مطابق پروتوکولی که همین اکنون من وتو امضاء میکنیم، پس از این عمل کنی . پیوتر با آرامش ظاهری که در پشت آن یکنوع شرارت نهفته بود ، گفت: پروتوکول ... درنگ دیگر برای چه؟

«تلیانیکوف» که خو د انسان رموز فهمی بود متوجه گشت که پیوتر حالش بهم خورده ونزدیك است اعصابش متلاشی شود ، ابتداء بانگاه های دلسوزانه‌بسوی«هولگا» نگریست... بعد از تو بسوی پیوتر رخ نموده، گفت :

– توخود مقصر هستی ، مقصر برای آنکه قانون را خوب بلدی ومی شناسی ولی بدان عمل نمیکنی ، علی الرغم اینهمه بی توجهی ها سعی میکنی خودت را خشماگین جلوه دهی ... مطمینا وقتی پروتوکول ر ا امضاء نمایی ، بدین حوالی دیگرسری نخواهی زد، وآنگهی «تلیانیکوف» بلادرنگ قلمش رابیرون آورد ... دست پیوتر روی کاغذدوید، درین میان پیوتر از نوبه باروزدن قایقش متوسل گردید ... قایق پیوتر بسان صاعقه ازقایق مفتش فاصله گرفت ... قایق مفتش حالت نوسانی داشت ، شخص تصور میکرد که قایق در حال غرق شدن است اما خیر، لحظه به‌لحظه سرعت قایق تندتر گشته‌ودل آب ها راپاره میکرد ... موتور هردو قایق قوی بود ومطمئن، منتهی ازنگاه ساختمان قایق ها ازهم متفاوت بود وتفاوت سرعت میان دو قایق را همین عامل باعث شده بود . قایق ها بطور اسرار آمیزی در میان امواج بحر بازی میکردند . «هولگا» خودش را روی عرشهٔ کشتی بسوی بحر آویخته بود ، گویی او میخواست با امواج بحر برزمد ... طبیعت منظرهٔ دلفریبی به بحر داده بود، نور وسایه بحر را در بر کشیده بود، انعکاس نور پردرخشش آفتاب از بالای قلهٔ «آلین» درآب بحر، برای رویا های کودکانه «هولگا» رویایی وبرانگیزنده بود ، نور مهتاب پس از عبور میان شاخه های درختان واشجار کنار ساحل که روی آب بحرافتیده بود، منظرهٔ وجدآوری برای «هولگا» ساخته بو د . «تلیانیکوف» همینکه دید پسرك خودش راروی عرشهٔ قایق خم کرده و با رویاهایش در جدل است. اینبار برخلاف سرعتی که قایقش را بدان سرعت میراند ، نه‌تنها ازسرعت‌قایق کا سته بلکه متو قفش سا خت . حالانکه درین اثنا ، قایقیکه پیوتر وبرادرزاده اش «هولگا» سوار آنبودند با سرعت هر چه بیشتر میراندند ، قایق دل آبها را پاره میکرد ، آبهارا کنار میزد وبجلو راه می پیمود ، انگار قایق باتو سرنشین اش قصد پرواز داشتند . «هولگا» باردیگر از جهان تخیلات ورویا هایش بجهان حقایق برگشت ، از خودش پرسید : چرا اینهمه ناراحتی ! بزودی متوجه گردید که این غصه و ناراحتی را قاز بدوبار آورده‌است والی درین هوای سرد وتوفانی، سرگردان در بحر قایقراندن، هیچ لزومی نداشت .... آنان از قانون سر پیچیده بودندچه قانونا حق‌شکار آن قاز های وحشی را نداشتند، «هولگا» پسر حساسی بود، ر نجش لحظه به لحظ فزونی میگرفت ، با خودش میگفت : ازقانون سرپیچیدن، بعدش هم فرار کردن ابدا عاقلانه نیست .

«هولگا» تصور کرد که‌چیزی در درو نش است که می آزاردش این ندا ندای باطنش بود، ندای فرار وگریز از قانون ، ندایی بخاطر بی التفاتی در برابر ضابطه ها ومقرره های اجتماع . قایق عقبی باز هم براه افتید وتندتر وتندتر حرکت کرد انگار می خواست . قاز وحشی را که هولگا شکار کرده بود از ایشان باز ستاند . به یکبارگی پسرك ازین اتفاق متحیر گشت ، التماس کنان از کاکایش خواست قایق را متو قف سا زد. وآنوقت دوقایق بسانیکه گو یی بهمدیگر چسپیده باشند، کنار هم قرار گرفتند .

برخلاف حدس وتوقع، «تلیانیکوف» با نگاه های ملامتبار آندو را نگاه نکرد، بلکه این نگاه ها نگاه‌های دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف» وظیفتا بایستی آندو را توبیخ ونکوهش میکرد که چرا بدون اجازه وفرا رسیدن موعدشکار، به‌شکار پرندگان پرداخته بو دند لا کن تلیانیکوف بر کاکا وبرادر زادهٔ مذکورسخت

دلش سوخته بود مخصوصا بیچاره هولگای کوچك بیمورد وبخاطر هیچ چرا چنین کار شاقه را بسر میرسانید ودر بحر سر گردان میماند . همچنان تلیانیکوف دلش بحال آنانی میسو خت که‌در بر ا بر طبیعتو خوبی های‌آن بیتفاوت مانده وبعضا طبیعت از وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه وزیان می بردارد ، معذالك به «هولگا» گفت : اگر گلی را از گلبته جدا کنیم جز اینکه حیات گل مذکور را گرفته باشیم وبخشی از زیبایی یك گوشه طبیعت را کاسته باشیم، کاری نکرده ایم، اگر بیرحمانه پرنده ها و موجودات وحیوانات راکه به طبیعت زیبایی می بخشد، محیط باغها وابحار را تماشایی میسازند، ازبین می بریم جز اینکه نسل پرندگان وحیوانات مذکور را ازبین برده باشیم کار دیگری را ازپیش نبرده ایم .

تلیانیکوف متعاقبا از نگاه های سراپاغرق درتفکر وبهت زدهٔ پسرك فهمید که او تاچه حد نادم است بناء محزونانه گفت : ما اشتباه کردیم، طبیعت زیبا و دوست داشتنی است باید قلبا طبیعت را دوست داشت . «هولگا» از مرد مفتش پرسید :

ـ این قاز ها بعضا دورتر از بحر پرواز میکنند برای چه ؟

ـ برای ادامه حیات، برای چیدن دانه . اگر این پرندگان بالای چمنزار هابه پرواز می آیند، روی سبزه وعلف هامی نشینند برای آنست که محل مناسبی رابرای‌گذاشتن تخم هایشان بیابند، تو «هولگا» اگر روزی تخم پرنده یی را دریك بیشه پیدا میکنی‌که صاحب تخم آنرا پنهان کرده بدان آسیبی مرسان . پیوتر که میدانست با متوسل شدن به شکار قاز وحشی مرتکب یك اشتباه شده، نیز بسان «هولگا» نادم از کرده اش بود . قلب کوچك پسرك برای خوبی ها می تپید .

اودیگر مصمم شده بود که همیشه پسرخوب ومطلوبی باشد . پسرك دوماهی راکه قبلا با چنگك گرفته بود خواست از ماهیان شوربایی درست کند ... آتش را روشن کرد . درین میان صدای خش خش برگهای درختان توجه «هولگا» را بخود کشید . «هولگا» نزدیك آتش زانوزده بود، هولگا درین هنگام به‌آتش وحرارت آن فکر می کرد وبه جرقه های آن. سوالاتی چون آتش چگونه تولید میشود، قاز هارا چرا نباید شکار کرد ....، می اندیشید. درین میان رشتهٔ افکارش به یکبارگی ازهم گسست . به بازوی پیوتر چسپیده وپرسید:

ـ آیا مابه قایقرانی درین بحر برای شکار گاهی دیگر هم خواهیم آمد ؟؟

«پیوتر» که او هم مصروف آشپزی بود فقط با جنبانیدن سر ، تایید کرد که حتما اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف» خطاب به «هولگا» گفت :

ـ پسر من اینکه هرگاه هرکس برای شکار قاز ها اینجا بیاید مطمئنا پس از مدت کوتاهی هیچ پرنده‌یی درین بحر نخواهدماند. مگر ماچرا بیهوده نسل این پرندگان رازبین ببریم ؟ آیا این عمل زیاد مضحك نیست ، هرگاه این پرندگان بیرحمانه شکار نشوند تاسال دیگر شمار این پرندگان دو چند می شود «هولگا» گرچه ظاهراتوسط «تلیانیکوف» مخاطب ساخته شده بودلاکن چشمان کاوشگر او ملتمسانه به آتش که به رنگهای زردو سرخ میسوختند ، خیره شده بود . بازهم

بقیه‌درصفحه ۵۰

بقیه صفحه ۱۸

تصویب اصول اساسی

بخش مهم دیگر در اصول اساسی ج ، د، ا حقوق اساسی ومکلفیت های مردم افغانستان میباشد . درین بخش وظایف وحقوق ومکلفیت های اتباع بشکل دموکراتیك ومترقی آن تشریح شده است . در اصول اساسی حقوق تمام اتباع ج ، د ، ا در برابر قانون مساوی اعلان شده است این تساوی حقوق را هیچ چیزی از قبیل فرق نژادی ، قبیلوی ، زبان، جنس، متوطن بودن در هرجا، دین ، مذهب، سویه تحصیلی ،نسب ،دارایی وموقف‌اجتماعی نمیتواند برهم بزند. همچنان در افغانستان

هیچکس حق ندارد تا بااستفاده ازین حقوق علیه منافع جامعه ودولت وآزادیها و حقوق سایر افراد استفاده نماید . در پهلوی این حقوق مکلفیت هایی از قبیل احترام بقانون ورعایت آن ، رعایت اصول اجتماعی وانسانی، انجام صادقانه ی وظایف و وجایب ، احترام‌به

حقوق وآزادیهای سایر افراد جامعه و غیره درج گردیده است. همچنان کار مفید و اجتماعی نیز وظیفه افتخار آمیز هر فرد قلمداد شده است . در اصول اساسی ج ، د ، ا خدمت در راه دفاع وطن قهرمان ومقدس مایعنی خدمت زیر بیرق اردوی ج ، د ، ا یك عمل پر افتخار دانسته‌شده است. هم چنان وظیفه‌ی اساسی اردوی قهرمان وطن دفاع از تمامیت ارضی ، دست آورد های انقلاب شکوه آفرین ثور ، استقلال ملی وحاکمیت ملی وطن‌وامنیت وطن ومردم می باشد وهکذا دولت مکلفیت دارد که در راه تقویه ورشد سیاسی واجتماعی ومادی منسوبین قوای مسلح ج ، د ، ا مساعی بخرج بدهد .

برای رفاه‌وبسر بردن‌حیات مطمئن هموطنان شریف ما ایجاد نظم دموکراتیك دولتی واداری بحیث یکی از اهداف اساسی دولت ج ، د ، ا قبول شده است . لویه جرگه (شورای عالی دولتی) که به اساس رای‌گیری مستقیم ،سری، عمومی ، آزاد و مساو یانه تشکیل خواهد شد . در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان تذکر رفته است که لویه جرگه طی اولین اجلاس خود سند مهم یعنی قانون اساسی ج ، د ، ا را به‌تصویب می‌رساند .

در مورد حقوق وآزادیهای دموکراتیك‌مردم ماده‌ی بیست ونهم چنین می گوید : «برای اتباع جمهوری دموکراتیك افغانستان حقوق وآزادیهای دموکراتیك ذیل تامین وتضمین میگردد :

۱ـ حق زندگی ومصئونیت . ۲ـ آزادی کامل ادای مناسك دین مبین اسلام وهم‌چنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون . ۳ـ حق کار ... ٤ـ حق وقایه صحت وتامینات اجتماعی ... ٥ـحق تحصیل... ٦ـ آزادی فعالیت های علمی، تخنیکی ، کلتوری وهنری مطابق به اهداف انقلاب . ۷ـ حق بیان آزادانه وعلنی فکر ، تشکیل اجتماعات وتظاهرات مسالمت آ میز وهم چنین حق اتحاد وطنپرستانه درسازمانهای دموکراتیك ومترقی اجتماعی . استفاده ازحقوق متذکره در چوکاتیکه نظم اجتماعی ، آسایش وامنیت کشور را مختل نکند توسط قانون تنظیم می‌گردد.۸ـ مصئونیت منزل، محرمیت مراسلات ، صحبت های تیلفونی ، مخابرات تلگرافی وسایر انواع مخابرات به استثنایی حالاتیکه در قانون پیش بینی شده است .

۹ـ حق شکایت ، عرض حال فردی ودسته جمعی به اورگانهای مربوطه دولت ..»

در موضوع تامین عدالت وحل وفصل موضوعات جرمی وحقوقی وغیره در اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان‌بصورت همه جانبه ومبسوط تذکر رفته است . درین مورد هم تمام جوانب دموکراتیك اعلامیه‌حقوق بشر وهم چنان اهداف مترقی انقلاب ثور در اداره‌ی سالم ومترقی متجلی گردیده‌است.

بطور مثال در ماده‌ی سی‌ام اصول اسا سی درمورد جرم، مجرم، حالات جرمی ودلا یل جرم‌وموقف مجرم‌وشرایط اتهام وسلب آزادی وطرزالعمل دفاع قانونی وحقوقی از خود وغیره چنین تذکر رفته است : «هیچکس رانمیتوان متهم به ارتکاب جرم نمود مگر مطابق به احکام قانون . هیچکس را نمی توان گرفتار وتوقیف نمود مگر مطابق به احکام قانون . هیچکس را نمی توان مجازات نمود مگربحکم محکمه ومطابق به احکام قانون که هنگام ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ باشد . متهم حق دفاع را دارد .

متهم تا زمانیکه بحکم قطعی محکمه محکوم نشده است بی‌گناه شناخته می شود . جرم یك امر شخصی است وبه ارتکاب آن‌شخص دیگر مجازات نمی گردد . مجازات مخا لف کرامت‌انسانی، شکنجه وتعذیب‌مجازنیست...»

آری نکات فوق نمایانگر روشن یك نظم دموکراتیك وتامین کننده‌ی شرایط مطمئن ومصئون برای همه مردم بلا استثنا می باشد .

فصول سوم وچارم اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان مبین نظام وطرزالعمل قوه های جداگانه‌ی دولتی یعنی اجرائیه ، مقننه وقضائیه می باشد در مورد لویه جرگه وطرزالعمل بمیان آمدن آن قبلا تذکر داده شد وبعداز لویه جرگه عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان شناخته شده است . شورای انقلابی مطابق به احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان وظایف قوه‌ی مقننه را اجرا می نماید . اموری را که شورای انقلابی پیش می برد عبارتند ازتشکیل هیات رئیسه ی شورای انقلابی، حکو مت وسایر ادارات عمده‌ی دولتی ، بمیان آ وردن پروگرام های انکشاف اقتصادی واجتماعی و منظوری بودجه‌ی دولت وغیره . بایددانست‌که درخلال مدت بین جلسات شورای انقلابی ، هیات رئیسه‌ی این شورا عالی ترین ارگان باصلاحیت دولتی میباشد . همچنان اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان به صورت ماده وار صلاحیت های هیات‌رئیسه‌ی شورای انقلابی را متذکر شده است . همچنان درین فصول اصول‌اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان وظایف وصلاحیت ها وطرز العمل خارنوالی وقوه‌ی قضائیه بروشنی کامل بیان شده است . وهکذا درفصول بعدی صلاحیت‌ها وطرزالعمل حکومت وادارات محلی بیان شده است .

بامرور کوتاهی که فوقا از اصول اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان صورت‌گرفت دیده می توانیم که اولا دولت انقلابی ما هر آنچه می گوید در عمل پیاده می نماید و ثانیا تصویب این اصول اساسی را می‌توان آغاز دوران جدیدی در رشد سیاسی وحقوقی جمهوری‌دموکراتیك افغانستان نامید. همچنان تصویب ونافذ شدن این اصول دموکراتیك، ملی ومترقی بمثابه گام فراخی است درجهت تامین حیات سعادتمند ،مصئون و مطمئن وخوشبخت برای همه مردم شریف افغانستان. مادر حالیکه تصویب این اصول اساسی ر ا نمایانگر انقلابی بودن، دموکراتیك بودن و ملی بودن حزب ، دولت وحکومت ج.د. افغانستان می دانیم آنرا به‌هموطنان تبر یك می گویم . زنده باد مردم

د۳۳مخ پاتی

دنړی پر مختګ...

بنا کوو نکواو جوړوو نکو یو سکین دغه رسم اوس دو ارسا په ملی رسم کړی او بیا هغه سکیل یی موزیم کی مو جود دی اود پو لند دیو دډول او شکل او ما هیت له مخی مشهور نقا ش «انتولی برددوسکی» دودی وړ ګرځولی ترڅو دهغه له‌مخی واسطه رسم شو یدی .

وکو لی شی چی ژوند داړ تیا و لری څنګه چی :ددی رسم د کښلوڅخه کولو ته یی پـه کار وا چـوی څه کم دوه سوه کا له تیر یږی اوس

تاسی چی دا پور تنی څیره ګوری نو تاسو ددی پته لګولی شی چـی داد یو هلك پور تریت (رسم) دی دپو لیند په هیواد کی څومره تر قی چی په خپل لاس کی یوه کو تره‌لری او پر مختګو نه دهغه هیواد دوګړو او په (۱۷۸۲) کال‌کی ترسیم‌شویدی په ژوند کی منځ ته را غلـی دی

بقیه صفحه۲۲

مختصر یادداشتی

در روز های دفاع از استالینگراد من معتقدشدم که : سر با زی کـه برای امر حق پیکار می کند قو یتر از آتش وفلز است ونیرویی وجود ندارد که بتوا ند او را بزانودرآورد.

محا صره شهر از سیزده سپتمبر سال ۱۹٤۲ تا سی‌و یك ژا نو یه سال ۱۹٤۳ تا ابد ، الهام بخش تمام مردم آزاد روی زمین خوا هد بود. زیرا مقا ومت و حمله متقا بل‌آن

هانقطه تحول در جنگ ملل متفـق‌بر ضد نیروی متجا وز وا قـع شد .

نیرو های جنگ دوم جهان و پا- یمردی های ار تش وخلق شوروی‌و

اضمحـلال فا شیزم صفحات درخشان وجاودانی را بر تا ریخ جنگـها ی عادلانه افزود که ورق ورق آن از

شهـا مت ومردا نگی پا یدا ری‌وخود- گـذری میهن پر ستی وانتر نا- سیو نالیستی مردمی سخن مـی گوید که فا شیزم را نابو ودنموده‌و

بشر یت رااز خطر نا بودی نجات داد، واین‌پیروزی‌دربهار سال۱۹٤٥با اهتزاز پر چم سرخ بر فراز بر لین شکست فا شیزم را بجها نیان اعلام داشت ...

بیست و چهار جـون ۱۹٤٥ پیروزی در میدان سرخ مسکو بر- گـذار شد . بیرق ها ونشا نه های لشکر واخورده فاشیزم در پـای آرا مگاه لینن کبیر بز مین ریختـه شد.

زیرا فا شست ها بد ون قیدو شرط تسلیم شده بود ند .

رئیس جمهور ایالات متحده‌امر- یکا در اخیر جنگ نو شته بود :

(بدون شك ار تش شو روی ومردم شوروی ، نیرو های مسلـح هتلر راوادار سا ختند که در راه شکشت نهایی حرکت کنند) .

مردم شو روی در ین جنگ بیست ملیون نفر قر با نی دادند .

بقیه صفحه ۹

از پنج تا ده سال ...

رول تربیوی که دارند مسالهٔ کمبود پرسونل با تربیه دو کتوران جوان تکنیشن ـ لبرانت ها طی دوره های معینه تریننگ جبران میگردد چه دسته‌یی از استادان متخصص دسپلین های مختلفه طب طی دو سال گذشته یا جام شهادت نوشیده اند و یاازوطن و کشور متواری گشته ویا از ساحه طب وطبابت کنار کشیده شده اند روی این اصل دسته‌ی از دو کتوران که از دم سا طور امین خون اشام در قید حیات باقیمانده اند واز مسلك بدور نگهداشته شده بودند واپس

به ادای وجایب مسلکی ووظیفوی ایشان گماشته شده اند و برای ازبین بردن ضایعات علمی و فرهنگی تعداد قابل ملاحظه پرسونل تابع پروگرامهای تربیوی فوق الذکر قرار گرفته اند در شرایط کنونی دو کتوران ما درشته های آتی زیرتربیه قرار داده شده‌اند:

رشته جراحی عمومی ـ ارتوپیدی‌ـجراحی عصبی‌ـ جراحی قلبی وجراحی‌اطفال.

رشته داخله عمومی ـ داخله اطفال امراض ساری بشمول توبرکلوز ریوی .

رشته طب عدلی و بینی رشته چشم‌ـ رشتهٔ عقلی و عصبی

وهم چنین در دسته های رادیولوژی وخدمات لابراتواری وانستیزی و پتالوژی ومدیکل ریکارد نیز پرسونل درداخل خدمت زیر تربیه میباشد.

ـغالبا مراجعان مراکز معالجوی کشور وخاصتا مراجعان شفاخانه های ولایات شکایاتی دارند که میتوان انگیزه عمده ترین موارد آنرا در کمبود متخصصان دوکتور مسلکی ـ کمبود دوا وبستر وو سایل لابراتواری ـ عرضه خدمات ناکافی و ناقص برای بیماران و مقداری هم بی مبالاتی و بی توجهی کارکنان این مراکز خلاصه کرد بدون شك تجهیز شفاخانه ها به وسایل مورد نیاز بسط و توسعه ساحه خدماتی آن وافزایش‌بودجه و پرسونل بایك مراقبت جدی از نحوه کار میتواند در رفع این شکایات موثر

باشد شما برای از میان برداشتن این نواقص چه طرح عملیاتی را برای تاسیسات معالجوی و شفاخانه ها پیش بینی کرده اید ؟

ـبریاست طب معالجوی هدایت داده شده تا در این زمینه عملیاتی علمی راکه درآن درحد امکانات بتوانیم مشکلات مراکز معالجوی را رفع سازیم در دست اجرا بگیرد .

نکات مهم این پلان در این مواردخلاصه میگردد :

همه موسسات صحی معالجوی ولایاتی ومرکزی کشور را از نگاه وضع تسهیلات فزیکی سامان وآلات طبی ،ادویه، و قوای بشری و وضع مالی و بودجوی زیر مطالعه گیرد .

نابسامانی های ارمغان های شوم قبلی را دوباره مورد مطالعه قرار داده وبا اساس قدامت ها اولیت ها تا جائیکه امکانات میسر باشد پرسونل مسلکی واداری وادویه تهیه بدارد.

از آنجائیکه خالیگاه علمی در ساحه پروگرامهای تربیوی بخصوص دوکتوران جوان طب طور متبارز محسوس بود یك گروپ از دوکتوران (٦١) نفردررشته های مختلفه طب در موسسات مرکزی که رول تربیوی را به سویه تخصصی عهده دار میباشند تحت پروگرام مرتبه تریننگ قرار داده شوند بر علاوه برای رفع نیازمندی پرسونل طب دندان یکصدو ده نفر در مکتب عالی طب دندان وهمچنان یك گروپ در چوکات فاکولته طب‌دندان جهت تریننگ گماشته شده اند. درساحه پذیرش متعلمین در رشته خدمات تریننگ در ساحه طب دندان نیز تدابیر عملی اتخاذشده است.

هم چنین ـتدویر کورس انیستانت رادیولوژی .

، تدویر کورس در ساحه تکنالوژی طبی ـ

طرح پروگرام تربیوی تخصیصی‌در رشته انستیزی برای دوکتوران وگروپ از نرسها .

،متمرکز ساختن سرویس های‌ساری درچوکات «ابن‌سینا دساری ناروغی روغتون » بمنظور عرضه خدمات موثر برای مریضان بمنظور عرضه خدمات موثر وپیشبرد سیستماتیك وعملی کردن پروگرام های تربیوی دوکتوران‌وسایر کتگوری پرسونل مورد نیاز در شمار کارهای انجام شده میباشد

ـبرای توحید و منسجم ساختن امور مربوط به احصائیه صحی فعالیت های موسسات صحی معالجوی طرح و پروگرام کورس تربیوی رشته میدیکل ریکارد دوام دارد به خاطر پیشبرد پروگرامهای تربیوی پرسونل مورد ضرورت ولایات کشور و بمقصد عرضه خدمات طب عدلی بمیان آورده ن یك واحد منظم اداری در چوکات‌ریاست طب معالجوی روی دست است .

وادغام شعبه پتالوژی انستیتوت ملی لابراتوارهای مرکزی‌به‌دیپارتمنت‌پتالوژی پوهنځی طب کابل، جهت فراهم آوری تسهیلات بهتر ومو ثر برای تریننگ دوکتوران جوان و عرضه خدمات مربوطه بشمول خدمات درساحه طب عدلی ، متناژ پنج پایه دستگاه اکسریز (بشمول نصب یکپایه دستگاه اکسریز باتلویزیون) در انستیتوت ملی رادیولوژی و نصب یك دستگاه اکسریز در روغتون علی اباد در جمله کارهای دیگری است که بزودی به انجام خواهد آمد .

تدویر شعبه طب دندان برای‌اطفال در چوکات ریاست ستوماتولوژی‌و متناژیك دستگاه تداوی دندان در کلینك

سوم ریاست‌ستوماتولوژی ،

ـطرح و تطبیق لایحه مواد غذائی ورژیم غذایی مریضان ، پرسونل بادر نظر داشت پرسونل نوکر یوال) روغتون های مرکزی وولایات .

ـو طرح و ترتیب لایحه مبنی بر کمیته تنظیم وعرضه خدمات‌صحی موسسات مربوط طب معالجوی و .

تجدید نظر در مورد مقررهٔ پرکتس‌شخصی اطباء و منسوبین طب در دست اجرا بوده ویقین دارم باعملی شدن این کار بخشی عمده‌یی از شکایات در زمینه حل ورفع گردد .

بقیه صفحه ۱۹

نگرشی کوتاه...

های رنگی در کاغذ جلادار که به فراوانی در متن مجله به چاپ رسیده و حتی یك سوم آنرا احتوا میکند قیمت مجله را بلند میبرد که این در شرایط اقتصادی کنونی نمیتواند مورد تائید قرار بگیرد و از سوی دیگر این گمان را به وجود میاورد که گردانندگان «طفل ومادر» به فورم وشکل نسبت‌به‌چگونگی‌ارائه‌محتوای مجله‌ارزش گذاری بیشتر می کنند .

دو مطلبی که پیرامون ارزش دیکوراسیون «دیکور شن و تاثیر آن بر روح» اسباب بازی های کودکان «نقشی بازیچه ها در انکشاف ذکای کودك » به نشر رسیده است نشان میدهد که توجه کمتری به وضع اقتصادی و سویه زندگی همگانی مردم ما شده است چه آنچه در این دونگارش مطرح گردیده و مخصوصا کلیشه هایی رنگینی که از اسباب‌بازی وفورم دیکور اتاق ها به چاپ رسیده است فقط میتواند مورد پذیرش یك اقلیت کوچك نیم‌فیصد جامعه ما قرار گیرد و بس وچه خوب بود که‌دراین مورد سطح اقتصادی عمومی مردم مادر نظر گرفته می شد .

نشر و چاپ‌مجله وزین «طفل و مادر»را به وزارت تعلیم و تربیه،ریاست‌کودکستانها کارکنان آن وهمه ی اهل مطبوعات صمیمانه شاد باش میگوییم و آرزوداریم این مجله در شماره های بعدی خود بادرك شرایط ذهنی و عینی جامعه وخصوصیات فرهنگی واجتماعی واقتصادی که دارد با شناخت هر چه بیشتر عوامل نارسایی در میان خانواده ها و آنچه که سلامتی و پرورش طفل و مادر را لطمه میزند و با نشر مطالبی‌پیرامون «سه‌بعد صحت »بهبود تام‌حالات بدنی ـروانی واجتماعی » هر چه بیشتر روی هدف نشراتی خود استوار باشند ودر زمینه های آموزش و پرورش نقش‌ارزشمند خود را برای مادران و خانواده ها به ایفا گیرند .

ـهی«بیلی» اجازه میتی من ساندویچ را بخورم ؟!

دختر متجدد

یکی از دختر ها پرسید :

ـ خوب ... پس ازدواج تو با احمد چه شد .

دختر دومی جواب داد .

ـ من تصمیم گرفته ام که دیگر هیچو قت با او ازدواج نکنم .

دختر اولی با تعجب پرسید .

ـ چرا ... برای چه ؟

دختر دومی آهی سوزناك کشیدو جوابداد .

ـ برای اینکه هر چه سعی و کوشش کردم نه نتوانستم اورا وادار کنم که از من‌خواستگاری کند !

بچه مادر جان یك مژده ... بالاخره من عکس آن دوراگرفتم

دلیل قوی

احمد که برای دیدن اسپهای خود به طویله رفته بود، دید نوکرش بیده بسیار خراب و بدی برای اسپها خریده است ... باعصبانیت او را صدا زدو گفت :

ـاین چه قسم بیده است که خریده‌یی ؟

نوکر جوابداد !

آقا ... بیده بسیار خوب است !

احمد گفت :

ـنخیر ... بسیار خراب است.

نوکر قدری از بیده ها را بر داشته ونزدیك دهان اسپ برد واسپ به اشتها آنرا خورد.

نوکر گفت :

قربان ، ملاحظه کنید .

اسپ باید بیده رابشناسد نه ما وشما.

گریه‌وازدواج

دو مرد راجع به زندگی گذشته شان صحبت میکردند .

یکی ازآنها گفت :

راستی از دوران طفولیت تاکنون گاهی برایت اتفاق افتاده که گریه کنی ؟

مرد دومی قدری فکر کرد و بعد جوابداد!

نی تا بحال اصلا چنین موردی برای من پیش نیامده خوب ،خودت چطور ؟

مرد دومی سری تکانداد و گفت :

ـمن ازبچگی تاحال دومرتبه گریه کرده ام.

ـ چطور دو بار؟

ـ یکبار خودم وقتی که زن گرفتم ،و دفعه دیگر هم برای دامادم ، موقعی که بادخترم ازدواج کرد !!

داستان خشو

رئیس محکمه پرسید:

فرمودید شوهر شما گم شده است ؟بلی آقای رئیس !

چند روز میشود ؟

ـ سه روز یعنی از روزی که مادرم بمنزل ما آمده و گفت خیال دارد یك ماه پیش ما بماند شوهرم مفقود الاثر شده است .

رئیس محکمه فکری کردوگفت : بیزحمت تا بیست و هفت روز دیگر مراجعه نکند .اگر خبری نشد، آنوقت مجددا مراجعه فرمائید.

بدون شرح

خرید نان

خانمی برای همسایه اش درددل میکرد :

ـراستی خواهر میدانی چه بلای به سرم آمده است ؟

ـتا حال درست یك ماه میشود که شوهرم برای خرید نان رفته و هنوز نامده است.

ـعجب حوصله ای داری اگر به جای تو می بودم دیگر منتظرش نمی ماندم خودم میرفتم نان می‌خریدم !

عیب ندارد

داکتر به‌خانم ... شوهرشما احتیاج به استراحت دارد !

لطفا این نسخه را که چند تابلیت مسکنی است ازدواخانه بگیرید.

ـ زن ـآقای داکتر ... شوهرم چه وقت‌باید این تابلیت ها را بخورد ؟

داکتر ـ خانم .این تابلیت های مسکنی را خودتان باید بخورید تاشوهرتان استراحت خوبی بکند ...

در رستورانی ناگهان مشتری چشمش‌به یکی از گارسون ها افتاد و دید که می خواهد بشقاب هارا بادستمال جیبش پاك میکند ... او را صدا زد و گفت :

ـآقا این چه کاری است .

مگر دیوانه شده اید .

ـنخیر قربان عیب ندارد !

ـ چطور عیب ندارد !

ـ آخر دستمال هم خودش کثیف است !!

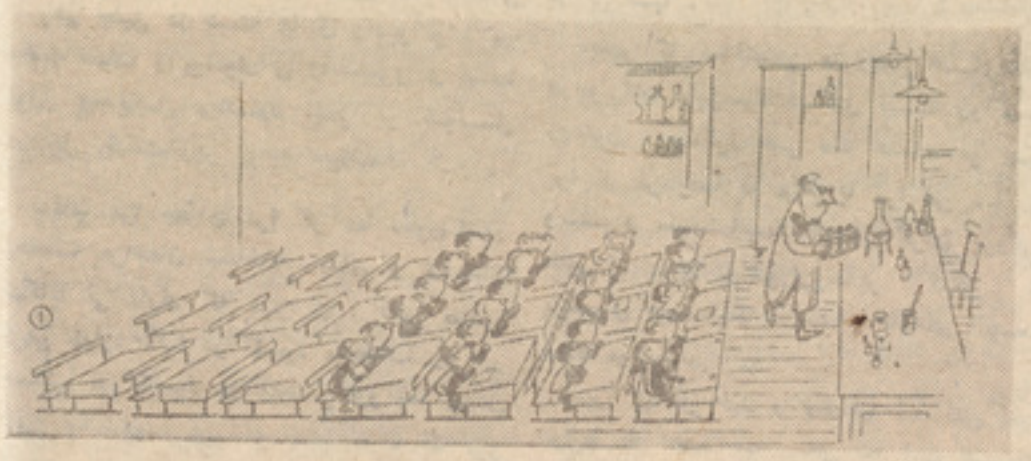

یك‌تجربه کیمیاوی

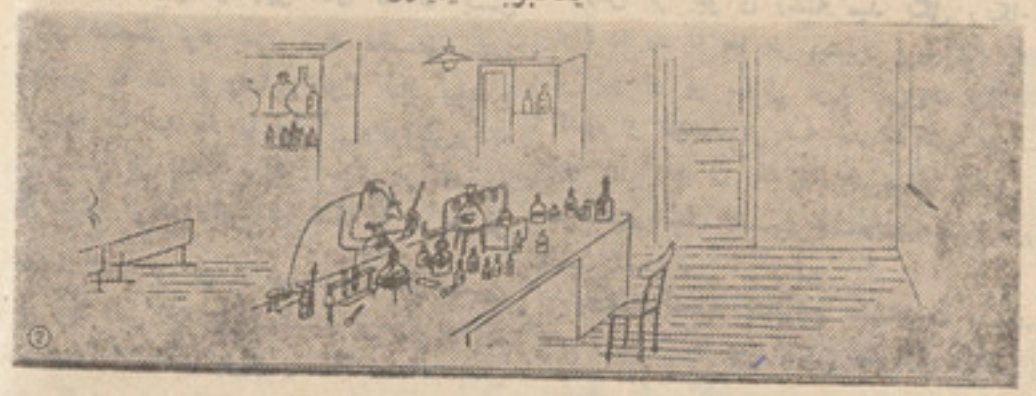

بدون شرح

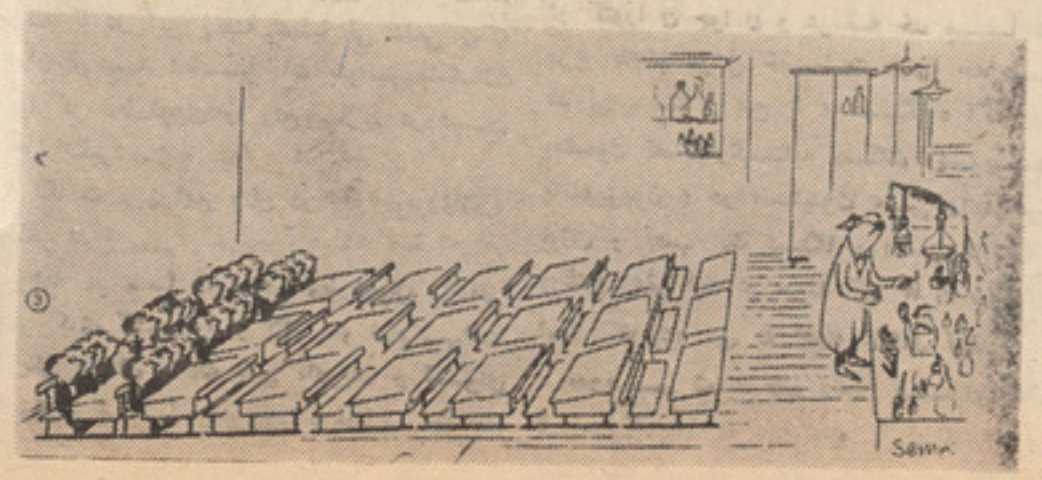

از بالا به پایین بدون شرح

گیریکه به خاک خورد

خانم اسمیت ، در لباس سیاه ، اشك ریزان‌وارد اسلحه فروشی شد و هق‌هق کنان بـه اسلحه فروش گفت:

ـاوه مستر، دیدی‌چه‌به‌سرم آمد... شوهر بیچاریم دیشب رفت وزیر موترشد وجا به جا هلاك شد .

اسلحه فروش هاج وواج گفت :

ـبسیار متاسفم هستم ... تسلیت عرض‌می‌کنم ... ولی از دست من چه کاری برای شما ساخته اس ؟

ـلطفا تفنگچه راکه پریشب از تان خریدم‌پس بگیرین .

گفت‌وشنودها

خانم ـببنیم ... تو میدانی که شوهـــرم‌باسکرتر جدید ش سرو سری پیدا کرده‌است.

پیشخدمت ـنی خانم ... این غیر ممکن‌است.... شمابرای اینکه من حسادت کنم ایـــن حرف را میزنید !

• • •

مریض ـ آقای داکتر ...

این عملی جراحی بسیار خطرناك است:

داکتر ـنی جانم ... مگر باسیصد افغانی میتوان عمل جراحی خطرناك را انجام داد ...

• • •

بچه اولی ـ در اینصورت بدنیا آمده ای... برای تو قصه بگویند ؟

بچه دومی ـبلی بسیار دوست دارم .

بچه اولی ـ در اینصورت بدین آمده‌ای...

بدون شرح

استخدام

رئیس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها واوراق واسناد مردی که برای استخدام به‌آنجا مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :

ـبسیار خوب . شما از هر جهت برای‌کاری که مادر نظر داریم مناسب هستید .ولی من نمی توانم شما را استخدام کنم .

چرا آقای رئیس برای چه ؟

ـ برای اینکه شما ازدواج نکرده اید .

مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟

ـبلی جانم . چون من کارمندی که به اطاعت کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم .

عشق زودگذر

پس فیضی هفده ساله‌وارد معاینه خانه داکتر شد وگفت :

داکتر جان نجاتم بیتن چی شد ؟

ـدخترك گریه کنان گفت :

داکتر من عاشق پدرم شدم ولی او متاسفانه قبلا ازدواج کرده .

لااقل اینجابگذارید آدم راحت بخوابد!

درصنف

معلم : فصل رختم را برای‌تان می‌گویم گوش‌کنید :

معلم‌به شاگرد ان تشریح کرد .

ـیکی از شاگردان حواسش جای دیـــــگربود وبه حرف معلم گوش نمی کرد .

معلم : حسن از اینکه گفتم چه فهمیدی ؟

حسن : فهمیدم همه رفتند ، فقط من وشماماندیم !

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه وتنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـدشمن خطرناك زحمتکشان‌جهان‌ـ براعظم است‌ـ امرمیان تهی ـ مرکز یکی از ولایات کشورما ـواحد پول خارجی ـ۲ـ اله انتشار اخبار ـکشتی بان ـاز آنطرف از شعرای متقدم کشور ما‌ـ فوت‌نشده‌ـ زهره‌ـ بی‌سروفو شده یك حرف دردو خانه ـ۳ـ سرش را قطع سازید تاماه کوچك شود ـمرکزیکی از ممالك اروپایی

از آنطرف نوعی از سنگها است ـ از حروف مغاره انتخاب کنید ـ ناقل آب ـ نصف‌حیرت‌ـ محبت خودش ـنصف کندن ـ ۰ ـ٤ـ ضد خیرـ جدید ـمنظم آن اهدا است ـضمیر اشاره ـ از آنطرف دو پانزده ـمنظم آن در هااست‌ـ تکرارش آب مقدس است ـ ٥ـ حالا به پشتـو روز اول آن بنام کارگر تجلیل میشود ماتم دارـ خلال پراگنده ـنشر نشده ـنوعی از گوسفندان خان درهند وستان ـشروع اعداد ـ٦ـ مکتوبـ

نورنا تمام ـمنسوب به‌یمن است‌ـ سال‌ـ از کتابهای مقدس ـیك‌حرف ودوخانه‌ـ۷ـ رهنمایی به‌جوزجان منسوب است ـ در ردیف اول‌افقی قرار دارد‌ـ رفیق سوزن ـ از کشور های امرـ یکایی‌ـ۸ـ آکاماسپ به‌پشتوـ از شهر های شوروی ـ از مراکز افریقائی ـ۹ـاز آثارتاریخی کشور ماـازخوانندگان‌ایرانی ـدوستاره سینمای هند‌ـ یکی از انواع کریم ها ـ سرزمین‌فلاسفه‌ـ ـ۱۰ـ بین دو خانه ـجسم کوتاه ـ۱۱ـ نصف اسم نویسنده کتاب مادر ـردیف تیزاست ـ

سر حد بین کشور ماواتحاد شوروی ـ ازممالك اروپائی ـاز فزیکدانان مشهور جهان ـ۱۲ـ نویسنده کتاب اعترافات ـ در مکتب خوانده میشود ـ در گوشت میباشد ـ خودما ـاز حروف آهنگر انتخاب کنید ـ۱۳ـ یکحرف ودو خانه‌ـ تیز نامکمل‌ـبین غزنی وزابل‌ـ تنبل به زبـان عوام ـنداف سر بریده ـوقت آن گذشت ـمرکز اروپائی ـ خوك بی سر ـ۱٤ـ بایك حرف ولد می‌شودـ از آن طرف محل کارسکرتر را گویند‌ـ پوش درختان شکر معکوس‌ـ با تغییر حرف چهارم براتی میشود ـ۱٥ـ اسم بی آغاز ازآنـطرف یـکی از وزارتخانهای کشورماـ از ولسوالی های بدخشان ـدست به‌پشتوـقصرـ از کشور هایی شرقی ـ۱٦ ـ دو ولایت از کشورما ـرفیق شبانـ

عمودی :

۱ـ از اسمای دخترانه ـ جمع مجلس ـ۲ـاز آنطرف داور است ـمرکز تحقیقات علمی وهنری ـ۳ـ درنده ـآسمان عربی ـجز نیست ـ٤ـبامن از آنطرف علاقه‌نفی‌پشتو ـعمرـآغاز وانجام توت ـ٥ـ به‌معنی آنچه وهم وگمان متوجه آنشودـ ردیف جذرـ حرف ربطـ ٦ـ واحد پول یـکی از کشور های آسیایی‌ـ از کوه های مشهور عربستان‌ـ یك حرف ودو خانه ـ۷ـ ازآن طرف از غله جات ـازنام موچی انتخاب کنید ـمریضی دارد ـ۸ـ وادی غیر منظم‌ـراه کوتاه‌ـ۹ـکاشف میکروب سل ـ۱۰ـ حرف نفی عربی رابا نوع از سازها یکجا سازید ـ۱۱ـ اگر پایش را قطع کنید یکی از خوانند گان رادیو کابل میشودـ نصف رباط ـ۱۲ـخود یارهاـازآنطرف دوهنرمند سینمایی هند ـ۱۳ـ از آواز خوانان مشهور هندوستان (بدون حرف‌آخر)ـ۱٤ـ۱٥ـ ازممالك اروپایی که شکل موزه را دارد ۰ ـ۱٦ـ دیوار یك بر پنجم عربی ـ۱۷ـ دوحرف مختلف در دو خانه ـفوری ولحظه موجوده را گویند ـ۱۸ـ از جمله براعظم هااستـ شیر عربیـ ازآنطرف یك پرندهٔ خوشخوان‌ـ۱۹ـ ازآنطرف چوروچپاول تهی ـ با اضافه‌شدن (ی) گسیل‌میگردد ـ۱۲ـ سایکـلوژیـ ازآن نان درست می‌کنندـ۲۲ـ ابر را باران یکجا کنیدـ۲۳ـ مسند ناتمام‌ـ نصف سبقت ـ دو شهر بزرگ ازیك کشور آسیایی ـ اروپایی ـ۲٤ـ ضمیمه پشتوـ چهره ـفلم‌هندی به‌اشتراك منوچکمار ـ۲٥ـ حـرف ربطـ از شعرای مشهور کشورماـ یك حرف‌ودو خـانه ـ۲٦ـ براعظم میباشدـقصاب ـکلمه نفی ـ۲۷ ـ از آن‌طرف نویسنده کتاب «پطرول» مگربه املای ناقص ـ۲۸ـ درگردن اسپ بسته میشودـ۲۹ـیکی ازشهرهای ایران ـ۳۰ـروح پریشانـ دوحـرف‌مختلف درسه‌خانه‌ـ۳۱ـ از انطرف ردیف اخلاق ـ آمربه‌نرفتنـ نوعی‌ازگلها ـ۳۲ـ التهابی شده ـمیانش را خالی کنید تاتنش باقی بماند ـ ازآنطرف سراست ـ۳۳ـ باجمع حرفی درآخر . مجله هفتگی رادیوو تلویزیون میشود ۰ ـ مات بود سرش هم شکست ـ۳٤ـ دو کشور از دو قارهٔ جهان اسرائیلی ها ـ۳٥ـ زمین وآسمان ـمنسوب به ننگین است ۰

این شخص کیست؟

مابیو گرافی یکی از شخصیت های جها نرا برای شما شرح میدهیم بعداز خواندن بیوگرافی ومشاهدهٔ فوتویش اسم اورا برای ما بنویسید:

مردی که شهره عام و خاص است وشما خوانند گان عزیز نیزحتما بانام‌او آشنایی دارید زیراهمه ساله‌جوایز بزرگی رابه مختـر عیـن ومکتشفین وهمینطور به داکتران بـه بهتر ین نویسندگان ویابه اشخاصی که‌درراه صلـح در جهان گام نهاده اند تعلق میگیرد ۰ اودرسال ۱۸۳۳ درکشور سوید متولد گردیده او هوش ولیاقت راازپدر خودامانوئیل که بوظیفه‌مهندسی تعمیرات مشغول بود آموخت ۰ مدت کمی به مکتب رفت و تحصیلات کلاسیك راادامه داد اما

تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل علم مشغول بود ودرسن‌بیست ویك سالگی‌بدون اینکه کدام شهادتنامه به دست بیاورد دررشته کیمیا لیاقت خودرا نشان داد و هم با لسانهای فرانسوی ـانگلیسی ـآلمانی وروسی تسلط داشت ۰ با آنکه علاقه او به ادبیات بود۰ اما بیشتر توجه خودرا صرف تحقیق در باره مواد منفجره (نیترو گلسیرین) کرد تاآنکه موفـق به‌اختراع دینامیت گردید چندی بعدیعنی در سال(۱۸۷٥) (ژلاتـین‌منفجره) را اختراع‌کردکه قدرت انفجار آن ازدینامیت بیشتربود۰ سیزده

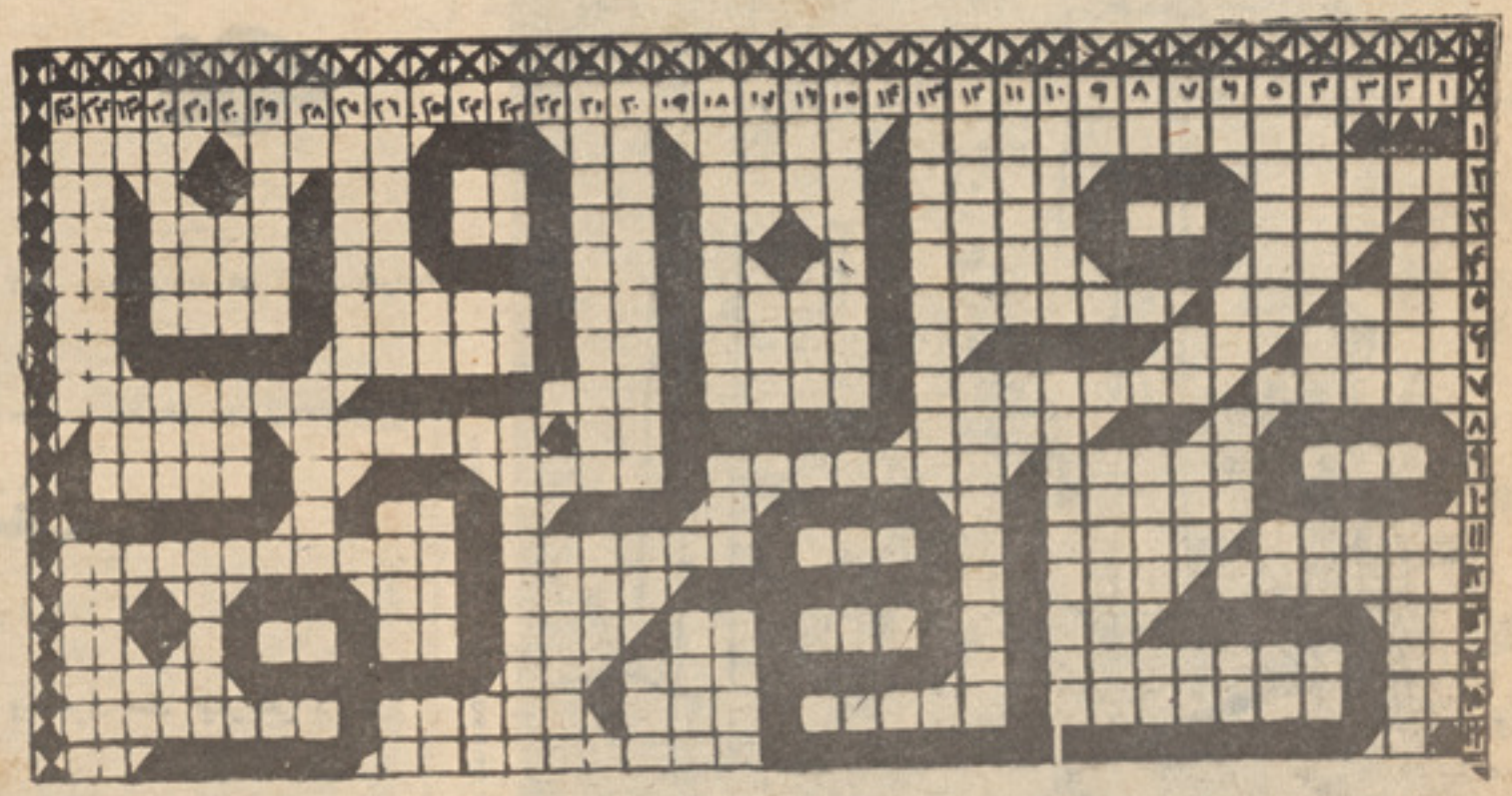

طرح از خالده عالمی صنف نهم وسیده عالمی‌صنف هشتم لیسه جهان ملکه ولایت غزنی ۰

سال بعداو موفـــق به اختراع (بالیستیت)شد که اولین باروت بیدود نیترو گلسرین می‌باشد ودر سال ۱۸۹٦ دیده از جهان فروبست ولی یکسال قبل از مرگش وصیت نامه مشهور خودرا که از بزرگترین‌وصیت نامه‌های تاریخی میباشد تنظیم کرداو در وصیت نامه‌اش تاکید کرد که بیش از ۳۱ میلیون کرون ثروتش را به صورت نقد در آورده وآنرا بعنوان سرمایهٔ بکار برند که‌از عواید آن‌برای اشخاصیکه منشابزرگترین فایده برای‌بشر بوده‌اند جوایز تهیه گردد • زمینه که وی مایل بود درآنها محرك پیشرفت شود عبارت ازفزیك ـکیمیاـفزیولوژی‌و یاطب ادبیات وصلح • دروصیت نامه‌خاطرنشان‌کرده که جوایز بین شایسته ترین افراد هر کشور داده شود وامر توزیـــع آن به سه موسسه سویدی ویك کمیته مخصوص منتخب پارلمان نـاروی واگذار گردید این زندگی مردی بودکه در زمان حیات خویش‌کلیه‌وقتش را صرف‌ساختن وبدست آوردن مواد منفجره کرد در حالی که قصدش ازین کار فقط وفقط این بود که ازین مواد برای خورد کردن سنگها وکوه ها وراه یافتن بداخل آنها واستخراج معادن وکارهای ساختمانی استفاده شود • او هیچگاه نمیدانست که اختراعات او روزی برای‌ازبین بردن بشر نیز بکار میافتـد واز جمله مهمترین و سیله‌حرب بشمار میرود • حالا اسم اورا برای ما بنویسید

یك تست بسیار جالب برای زنان و نامزد ها

این رامیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق وعلاقه او وشوهرش‌عشق دایمی‌وجاودا نه‌باشد وهمیشه کانون زندگی مشترك شان راگرم و پایدار نگهدارد برای آنکه گل عشق همیشـــه شاداب وروح‌نوازباشدلازم‌است همراه احساسات ظریف زنانه از خردمندی و عقل بهره ور بودو به‌کمك زیر کی ازچانسها وموفقیت های خوب برای حفظ عشق استفاده نمود • درین مورد مهم اینست که‌تعادل میان پیروی ازاحساسات و منطق رادر زندگی خود حفظ کنید شمابه تست ماجواب بگویید تابگوئیم که تاچه حد زیرك ودانا درزندگی زنا شویی خودهستید• ما یـك سوال مینمائیم به آن سه جواب داده شده‌است شما هم یك جواب را انتخاب کنید •ایـــن هم سوالات:

۱ـ تصور میکنید کدام اشخاص از دیدن شکل (۱) لذت میبرند ؟

الف : مردان احساساتی مهربان وآرام •

ب: مردانی که همیشه‌خودرا خشن وسرسخت نشان میدهند تا نقاط ضعف خودرا بهتر پنهان کنند •

ج: همه مردها بطور کلی •

۲ـ به نظر شما علت آنکه مردها خیانتکار

شکل (۱)

میشوند ودنبال زنان دیگر میروند چیست ؟

الف: آنها میخواهند اتکای بنفس بیشتری داشته‌باشندوبه‌این‌منظورجذابیت خودرا آزمایش میکنند و یابه منظور اینکه دربین زنان دیگر محبوبیت دارند ویا نه‌بخصوص‌درمورد انتقاد همسر ویانامزد شان قـــرار گرفته‌وبیشتر در ترس وهراس شده اند•

ب: چون دیگر علاقه به‌همسر و نامزدشان نداشته ومایل اند در کنار معشوقه ای دوست داشتنی دیگر وقت خود را بگذرانند •

ج: چون زنها اورا بدام می‌اندازند ؟

۳ـ کدام رفتارمردرا نمیتوانید نادیده‌بگیرید:

الف : به شما اهمیت قایل نباشد•

ب: وقتیکه او دوستانش رابخانه بیاورد وبه خوشگذرانی باآنها بپردازد •

ج: دروقت بیکاری ازخانه خارج نشود و دایما پیش تلویزیون بنیشند ودرعین حال او آرزو دارد همسرش چپوراست به‌او خدمت‌کند بدون آنکه متوجه باشدکه همسرش ازاو توقعاتی دارد •

٤ـ به عقیده شما چرا مردها خیلی سریـع روی شان سرخ میشود وبه اصطلاح خجالت میکشند ؟

الف : چون دروغ میگویند وخودشان از دروغ خود خجالت میکشند •

ب: چون‌میترسند کسی‌به‌اسرار شان‌فهمیده

شکل (۲) شکل (۳)

واز دستشان بگیرد •

ج: سرخ شدن مردها معنی بخصوص ندارد زنها هم بعضی اوقات زود سرخ میشوند .

٥ـ به‌نظر شما کدام یك از ادعاهای زیر واقعیت دارد :

الف: وقتیکه‌زن باشوهرش‌کاملا رفتار مادرانه داشته باشد شوهر آنقدر رام وانعطاف پذیر میشود که زن میتواند اورا مطیع وفرمانبردار خود بسازد وهر چه‌را که بخواهد بدست بیاورد

ب: مردهای مو طلائی دوستان خـــوبـــی میباشند •

ج: مردهاطالب حـــق‌شناسی هستند وآرزو دارند ازکارهای‌خود دایماتعریف وتمجید کنند حتی اگر قابل تعریف وتمجید هم نباشند •

٦ـ در شکل (دوم) سه مدال طلا راکه به‌شکل مدرن ساخته‌شده میخواهید به‌مناسبت روز تولد ویا عروسی خودبا زنجیر طلائی در گردن شوهر خود به اندازید کدام یك را انتخاب میکنید:

الف ، ب یا ج را ؟

۷ـ درشکل (۳) سه‌شکل هندسی‌را مشاهده میکنید که‌هرکدام سمبول یك رمز است فرض میکنیم که‌شروع اسم شما (ظ)واسم‌شوهرتان

شکل (٥)

(ب) باشد کدام علامت را انتخاب میکنید کـــه علامت روز نامزدی تان باشد • الف ،ب وياج را ؟

۸ـ شماو شوهر تان به اتفاق یك زن و شوهر دیگر ازدوستان ویا همکاران اوکه آنهـا را تابحال ندیده اید ونمی شناسید به مناسبتی به یك‌مهمانی‌دعوت‌میشوید مجلس‌رقص‌وپایکوبی آغازمیگردد مردها جمع‌میشوند وهمسران‌خود رابکلی فراموش میکنید مانند شکل (٤) درآن شرایط چه‌عکس‌العمل ازخود نشان بدهید ؟

الف: مهمانی راترك‌وبخانه میروید .

ب: نزد مردهامیروید وبه‌آنها سر گرم میشوید .

ج: کوشش میکنید تابازنان دیگر سر گرم شوید •

۹ـ فرض کنید در شرایطی قرار میگیریدکه شکل (٥) نشان میدهد : شما حتما ویا فرضابه یك مهمانی میروید ودر مهمانی شوهرتان بایك دختر زیبا سر گرم میشود وحرف های خوش می‌شنوند ومیگویند در آن وقت چه عکس العمل را نشان میدهید ؟

الف: همانجا ازاوباز خواست میکنید وبرایش چنین درسی میدهید که هیچ گاه آنرا فراموش نکند •

ب: بامردی دیگر آنقدر میر قصید تاشوهر متوجه شما شده وحسد ببرد .

ج: تاوقتیکه درآنجاهستید اتفاقی نمی افتد پس ناراحت نشده وهم‌بگذارید تاهرقدردلش بخواهد تفریح کند •

۱۰ـ شوهر تان‌از شمامیخواهد مانند یك خان از اولاد برایی کنید و همیشه خدمتکارش باشید مانند شکل(ششم) عقیده شما چیست ؟

الف این چنین کاررا تحمل کرده نمی‌توانید وعقیده دارید که‌هرکس مسوولیت‌خودراخودش انجام دهد•

ب: اگر شوهر شما هم متقابلا عمل کندباکی ندارد زیرا خدمت دو جانبه است •

ج: از خدمت کردن به شوهرتان لذت فراوانی میبرید ودرمقابل هـــم توقع ازاو نداریـــد

جوابات تادوهفته به‌آدرس‌مجله ژوندون بایك قطعه فوتوی خویش برای ماارسال دارید •وهم ناگفته‌نماند که‌این تست‌تنهابرای‌زنان ودختران نامزد میباشد .

حل کنند گان

حل کنندگان جداول ومسایل شماره‌هـــای قبلی ژوندون عبارت انداز: حمیده، محموده، ضمیره ، ولی الحـــمید ، عطا ء الله ، روح الامین، گل‌احمدپوپل وغیره که‌ازجمله‌فقط فوتوی گل‌احمدپوپل برای مارسید که‌دریـــن صفحه چاپ نمودیم•

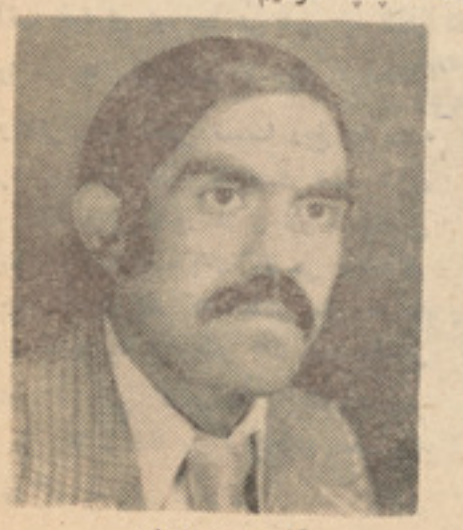

گل‌احمد (پوپل)

پیروزی تاریخی

۶۰۷ فر قه آلما ن نازی و متحد ین‌آنـــرا قسما از بین برد ه و قسما اسیر گر فـت نیرو ها ی بر یتانیا وامریکا یکصدو هفتادو شش فر قه دشمن را در عملیات جنگـــی در افر یقا وارو پا تا ختم جنگ شکست داد .

پیروزی جنگی اتحاد شوروی نیرو مند ی‌و توا نا یی سیستم حکو متی اجتما عی‌وسیاسی سو سیا لستی قا طعا نه بر ملا ساخـت دولت شوروی یك دو لت طر از نو ین‌است نهداب اجتما عی آن را اتحاد نا گسستـــی طبقـه کارگر بادهاقین ، منورین و اشخاص

مسلکی تشکیل مید هد که البته در را س آن نقش طبقه کا رگر عمد ه است . چنان و حد تی در آن حکمفر ما است که درکشور ها ی سر ما یه داری و انحصا را ت‌بورژوازی

وجود ندا رد . لیو نید بریژنف طی سخنرانی دریك گرد هم آیی انتخا با تی در حو زه باومن مسکو بتا ریخ بیست و دو فبرو ری ۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت « یکپا رچـــه

گی وو حد ت جا معه سو سیا لستی ثروت بی نظیر سو سیا لیزم را تشکیل مید هـــد

که‌نیروی گرانبها و شکست ناپذیر ما ست دشمنان ما بـــایستی در سهای تـاریـخ را بیاد داشته با شند بگذار این دشمنا ن‌بدانند که و حد ت خلق ها ی شوروی مظهر توانایی خاص در هنگا م تهد ید است .»

ایجاد سیستم متر قی و شرایط مطلو ب برای پیشر فت قا طع جنبش ازاد یبخش ملی و زوال سیستم استعما ری امپر یالیزم

یك روند مهم پیروزی شوروی و جنبش‌وسیع انقلابی آن درختم جنگ و سا لیا ن او ل بعد از جنگ به شمار می آید . تحو لا ت عمده که در صف بندی نیرو ها ی جها ن‌به نفع سو سیا لیزم پدید آمد ه منجر بـــه انحطا ط شیوه امپر یا لیزم گردید ه ودیگر امپر یا لیزم را مجا ل نخواهد داد تـــا سر نو شت ملل کو چك را به با زی بگیرد و مجبور است با نیروی روز ا فزو ن

کشور ها ی سو سیا لستی سیا ست خارجی توا نا و همبستگی انتر نا سیو نا لستـــی

شان برا ی صلح و تر قی کنار بیا ید .

با آنهم قوا ی ار تجا عی امپر یا لستی نمی خوا هد ما رش عینی تا ریخ را مدنظر بگیرد وتلاش دارد مسیر تـــا ریخ را بـــه عقب بر گر داند امپر یا لست هـــا ی ایا لات متحد ه و کشور ها ی ارو پا ی‌غربی دست بد ست هم داده بلاك نظا می تجاوزگر را بو جود آورده اند که بیشتر متو جـــه شوروی و کشور ها ی دیگر بلاك سوسیالستی است واطرا ف این کشور ها را با زنجیـــر صد ها پا یگا ه نظا می و بحری حلقـــه کرده اند که با این عمل شا ن تپ وتلاش

دارند ذخایر مرمی های ذروی را افزایش داده نیروی ضربه بحری را در تما م ابحـــار بکار اندا خته ومرمی ها ی با لستیك ومیدان

ها ی هوا یی بحری رابه منظور انتقا ل طیا را ت مسلح ذروی اعما ر نما یند .

در حا لیکه مسا عی همه مردم شورو ی متوجه حل پرابلم هابوده وآنهـــا مصروف سا ختمنا ن جا معه نو ین می با شند و همواره برا ی حفظ صلح و کا هش مسابقه

تسلیحاتی در تلا ش اند حزب کمو نست اتحاد شوروی نو عیت تجاوز گرانه امپریالیزم

رانیز مدنظر دارد. تدارکات نظـامی آ نهـــا را نا دید ه نگر فته با تما م قوا ی خود می کو شد ظر فیت دفا عی خود و نیروی مسلح خود را افزایش بخشد .

بحر یه شوروی قطعات جنگنده فوق‌العاده

جدید در اختیا ر دارد که مشتمل ا ست از تحت البحری ها کشتی ها ی عا دی، قوای هوایی بحری ، مرمی ها ی سا حلی ،قوای

تو پخانه ، تسلیحا ت‌انجنیری‌راد یویی والات کنترول که کمپیو تری والکترو نی ا کنو ن به پیما نه و سیع در بحر یه شوروی ازآن استفاده می شود .

اتحاد شوروی بحر یه جدید ی را بوجود آورده که البته به‌منظور تجاوز نبوده ومانند

کشور ها ی امپر یا لیستی در ابحار درحرکت نیست بلکه‌به منظور حرا ست کشورشوراها و کشور هـــا ی د یگـر متر قـــی

در حـال آ مـاده با ش است مـلا حـان شوروی می گو یند که کشتی ها ی جنگی

شا ن به مقصد جنگ طلبی و تجاوز درهیچ بحرو بحیره در حرکت نیست . بحر یـــه شوروی کما کا ن منحیث عا مل حفظ‌صلـح درروی زمین و استحکا م منا سبا ت ا تحاد شوروی با مردم اکثر ملل و قاره هـــا فعا لیت می کند .

قوای مسلح شوروی هما نطور یکه در حفظ امنیت سرزمین خود بیدار اند در عین زمان در حا ل اماده با ش است تا هـــر تجاوز و حمله را از هر جا ئیکه با شـــد عقب زده وبا اعتماد کا مل امنیت شوروی و کلیه جا معه سو سیا لستی را تا میـــن‌ کند .

مقصر ازدواج...

۴ـاین احسا س را در آنها بو جودبیاورید که شخصیت مطمئنی و ثابت داشته با شند زیرا گا هی دید ه می شود که دختر و پسر خورد سا ل با بزرگتر ها دو ست می شوند و در جمع با زی و صحبت آنها می پیو ند ند مگر در میا ن همسا لان خـود احساس بیگانگی و ما یوسی بـــه آ نهـا دست میدهد که‌پدر ومادر بـا ید این عقیده رادر فرزند خود ازبیـن ببـرد و بـرایش بفهماند که باهمسالان خود بپیوندد و هـــر به خا طر نشا ن بسازد که پدر و مادرش به اوعلاقه ودلچسپی دارند وحرفهایش را مـی شنوند و متو جه کردار ورفتار شان هستند وباید همیشه کارهای نیك‌وموفقیت شا نـرا تحسین نمایند.

۵ـگا هی اتفاق می افتد که دخترا ن و پسران نـو جـوان گردهم میایند بید آ نهـا را قبلا رهنما ئی نمود که در چنین مواقع ببازیها و سر گر می ها ی دست بز نندکه مناسب به اقتضای سنشان باشد.

۶ـدر مقابل فرزندا ن والدین بکو شنـد تااز تقلید ها ی بیجا ،لاف زدنها و ساخته کا ریها حتی المقدور پر هیزند .

ودر آخر با ید گفت که در انتخا ب فلم های سینماو کتب قصه و زما ن آنها را نیز رهنما ئی و مرا قبت نما ئید . زیرا اکثرافلم های تجا رتی و کتب غیر علمی برا ی‌پو ل بیا ز ار عر ضه می‌گردند وهد فشان تنویر اذهان نمی با شد بلکه دید ن چنین فلمها و خوا ند ن چنا ن کتا بها جز ا ینکـــه جـوانان رابه بیرا هه بکشا نـــد سر مشق دیگر ی برا یشا ن شده نمی توا نـــد و آنها زند گی خود را ما نند هیرو یاهیرو- نین فلم و کتاب عیار میسازند که با عث بدبختی خود، اندوه خـا نواده و تبا هـــی جا معه می گردند .

عشق به‌انسان

«هولگا» بسان سایر کودکان ســوالاتی در مورد چگونگی ترکیب رنگهای آتش . در مورد اینکه آتش چسان هم روشنایی وهـم حرارت تو لید میـدارد ... در مخیلـــه اش جـــا ن میگر فـت پسرك شا خـه هـــای خشکیده رابه آتش می انداخت ، از سوختن

آن خیلی ها حظ میبرد. انگار جهان‌اوغیر از جهان دیگران بود. پسرك باتعجب مینگریست که بمحض افتیدن علف های خشکیده روی آتش موجی از آتش به بالا میرود و سپس این موج دو باره فروکش مینماید .

«پیوتر» و «تلیانیکوف» دیگر مرزی میان خویش نمیدیدند ، آندو مصروف خـــوردن شوربای ماهی گردیدند، وسخنان شانرادنبال کردند ، از هر طرف سخن زدند ... ازغلبه برفاشیزم وشکست ننگین هتلـری هـــا . «تلیانیکوف» از پیوتر پرسید : راستی تو دردوران جنگ بافاشیزم در کجا بودی ؟

ـ درجبهه ... من سردستهٔ تروپ کارگران بودم ، من در جنگ نقش ارزنده داشتم .

ـ یقینا غلبه بر دشمن وپیروزی بافاشیزم برای هرفردمیهن مایك افتخاراست، افتخاراتی که همه بدان می بالند حتی آیندگان .

لختی هردو دوست تازه آشنا سکـــوت کردند . خاطرات گذشته و لذت لحظـــات پیروزی ها یکبار دیگر در وجود پیوتر زنده گردید .

سکوت، سکوت تر گردید ، از فرط ایـن خلوت وسکوت ، جز آشوب ماهیان بحر و صدای پرندگان دریایی بوضوع شنیده میشد

ودیگر هیچ صدایی نبود که این سکوت را مزاحم گردد .

آندو درین هنگام گویی به صلح وآرامش جاودانه می اندیشیدند ومی بالیدند، همه جا صلـح و آرامش بر قرار بود، درزمیـن و در آسمان ...، بااین سکوت هولگای کوچك هم سکوت کرد چون او هم صلح را دوست داشت، آری انسان های با عاطفه وحساس همه صلح را دوست دارند ... وصلح و آرامش

آورندهٔ خوشبختی ها برای بشریت است .

هوا تاریك وتاریکتر شده میرفت ، شب

ازراه رسیده بود ... از دور ستارگان در دل آسمان شفاف چشمك میزدند . پسرك حساس که همه چیز را از الفاظ موزون ونگـاه های

برمفهوم کاکاو تازه آشنایش را درك کرده بود ، زیرلب زمزمه سرداد :

ـ صلح، صلح ... چه کلمه خوشایند و مقبولی ! بایستی انسان ها رادوست داشت

بایست انسان های خوب، تامین کنندهٔ صلح وآورندهٔ خوشبختی ودر فرجام همه موجودات نافع را دوست داشت .

ودر نهایت برای هولگا یك چیز روشـن شده بود، آن اینکـــه پیوتر نمیخواست از سنگدلی کار بگیرد، اگر او فقط بابرافروختن

باروت اکتفاء میکرد، برای اینبود که آرزو- نداشت بخاطر سرگرمی ومصروفیت یك پسر

خردسال زندگی زنده جانی‌راکه چوچه هایش منتظر بر گشتنش بودند از او بگیرد وی این الهام را ازبی عطوفتی وقسی القلبی فاشیست های هتلری، عملا گرفته بود ... او میخواست در هرکجایی از جهان بایستی صلح حکمفرما باشد .

دو مرد مذکور وآنگهی «هولگا» را بخاطر احساس نوعدوستی اش بوسیدند و قایـــق شانرا بصوب منزل خویش برگردانده،راندند.

... هولگا در همچو لحظات خیلی هابتاش وسر حال مینمود .

پایان

توای دریا

توای آمو !
توای جوشنده بهر خلق‌زحمتکش
توای غر نده ه رستاخیز توفانی
توای سوزندهٔ غم ها
توئی منزل گه شوریدهٔ‌قرنها
تو ئی آرام گـــهٔ روح‌نشاط ما
ترا دانند مرز خوشدلی‌های زمان ما
ترا گویند رمز یکدلـی‌اندر میان ما
که از هر قطرهٔ اشکت
خروشد مهر انسانی
و ، روئید تخم همکاری
میان خلق مـــا و مهـدشورا ها
صدای دوستی تو ،
رود تااکهکشان ، تـــامشتری ، تاخانهٔ انوار
اگر در سطح آرامی
ولی در عمق پراز موج ها
بتو مینازم ای گنج گهرخیز زلال ما
بتو میگویم ای آمو !
بتو میبالم ای دریا .

چه کردند؟...

خفا شانیکه خون خلـــق خوردند
بجزاز نام زشت باخود چه بردند؟
سیه روی و ذلیـــل وسر نگون باد
جلا دانیکه مردم را فسرد نـــــد
هزاران لعنت و نفرین بـــرایشان
که دست بادشمن میهن فشردند
جـــان پیرو جـــوان بیگناه را
بخاك تیره باحرمان سپر دند
عدالت را یکی پـــامـــال کردنـــد
رزالت را فـــر و خدمـــت شمردند
«شفق» راخـــون دل‌کردند باخون
شهیدا نیکه بـــر ناحق بمردنـــد

شعراز : میر حبیب الله «شفق»

برگزیده‌هایی از میان نوشته‌های شما

ازمحما ناصر «نصیب»

سیر بهاران

از سازمان سبزه وگل جوش خرمی
بالد به کوهسار بوصف دیار بزم
وارسته طفلهای طبیعت ز خشم دی
سرشار و شاد خوار !
در منصه ی بهار !

• • •

رخشنده اختران فلکتاز شامگاه
در هر کنار پهنه‌ی آبی و نیمرنگ
با جست و خیز صحنه‌ی زرین آفتاب
خیزد فرا سحاب !
با طرفه آب وتاب !

• • •

لطف زمان صفای شگوفای سیمگون
در پیشگاهٔ حسن دلارای لاله زار
بر رسم ار مغان بهاران کند نثار
در پای آبشار !
با ذوق و افتخار !

• • •

وین ابر های تندو گهرریزو فیض‌بخش
ازجلوه های عشق‌ونشاط حیات ساز
مارا برمز کارو عمل سازد آشنا
ارزنده سهم کار !
به عمران این دیار !

• • •

مسرور باش زمرهٔ دهقان رنجبر
هستی روان تو بزرگر شادان بسوی کار
سامان بذرو کار نشاید نهی زکف
بستن کنون کمر !
به محصول بیشتر !

از غبار «حریف»

رنج‌شب

شبی بود سرد وخاموش ...
سرا پا خوف ووحشت !
به هنگام نیمه شب
ا ز ژرفنای خیره گـی های دلگیر ،
از اعماق ظلمت و سکوت ،
قاتلان تفنگ دار غدارانه‌وبی صدا !
بر فا میل بی گنا هی‌شب خون زدند ...
فریاد جانسوز تن غمگسارمادری پیچید
نالهٔ شب گیر قلب محزون خواهری سوخت ،
توفان اشك چشم کودکی‌بوسید ،
و در میـــان دهشـــت وخشونت !
جوان نیرومندی را :
ازبستر گرم خواب
از آغوش پر مهر مادر ستمدیده ای
از خر من محبت خواهرعزیزی
از الفـت معصـــومانهٔ کودکی
قربانی درازی شب سیاه‌کردند !
جو ان لب به اعتـراض‌نگشود ...
مـــرگ شرافتمندانه ، افتخار جاوید نصیب شد .

قلعه جدید ـ زندان دهمزنگ

بقیه صفحه ۳۲

از آفرینندگی و خلاقیت تا دنبال روی و بی هدفی ...

• چرا نتوا نستیم در سینمای ملی خود تیپ آفرینی دا شته باشیم.

• • •

• سینمای ما فاقد حتی یکنفر سناریست و فلمنامه نویس حرفوی است.

• • •

• چرا سینما گران ما دنبال روروشس های ارائه تجار تی سینما ی هند وایران هستند ؟

• • •

• وسایل فنی سینمایی افغانستان برای تهیه فلمهای هنری بدرد پرو- دیوسهای کوتاه مدت خبری میخورد.

• • •

ـاما در سینمای معاصر این دایر کتر است که می‌سازد- بیشتر کارگردانان امروز چهره های مورد نظر خود را از کوچه وبازار انتخاب می‌کنند وبا تشخیص خصوصیت های آنها تیپ مورد نظر خودرا به وسیله شان می‌پرورانند بااین طرز تفکر مساله کمبود بازیکن حرفه وی خود بخود رد میگردد ؟

ـشیوه که تواز آن یاد کردی مورد علاقه فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری که چهره مورد نیاز خودرا باتوجه به خصوصیت های تیپ که می‌خواهد ارائه‌دهد ازمیان مردم برمی‌گزیند برای هریك از لحظات فلم خود هم مدت کار میکند وبرای ثبت آن «تك» های فراوان می‌گیرد تایکی رااز آن میان برگزیند واین کار هم پول فراوان می‌خواهد وهم امکانات فنی مساعد که ما آنرا نداریم - مثل که خیلی چیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نداریم ماتا کنون فاقدیك سناریست خوب ویافلمنامه نویس خوب هستیم-وسایل کافی ادیت «پیوند» نداریم -استودیو های مجهز نداریم وساحه این این نداریم ها آنقدر وسیع است که مجال ارائه هر گونه کار خوب رااز ما می‌گیرد .

مابه تجربه سینمایی نیاز داریم- دایرکتران ودیگر دست اندر کاران سینمای ما بایددر فستیوال های سینمایی شرکت داشته باشند تافلم های خوب را ببینند وتجربه های‌شان افزونی گیرد - باید وسایل اطلاعاتی کافی در اختیار داشته باشند تابیشتر بخوانندوبیشتر بدانند -باید در کنفرانس ها وسمینار های سینمایی که در سطح جهانی بر گزار میگرددو- انعقاد میابد شرکت جویند تابازی فکری‌شان بیشتر گردد باچنین زمینه سازی هایی،البته نواقص که تو یا داور آن میگردی به آهستگی رفع گردد .

ـموضوع دیگری که می خواهم پیرامون آن باشما بحث کنم این است که سینمای مابه پیمانه وسیع زیر تا ثیر سینمای تجارتی کشور های هند ، ایران وپاکستان قرار گرفته است این دنبال رویی سینما گرمارا وامیدارد تاچشم بسته خودرا دربین واقعیت های حاکم برزندگی اجتماعی خود نگه دارد -ازسوی دیگر این‌گونه برداشت هاجلوگیر خلاقیت هاو آفرینش های هنری میشود که شما پیشتر از آن یادکردید، چرا چنین می‌کنید ، چه احتیاجی دارید که روگردان ابتذال های سینمای‌دیگران رابه‌خورد مردم خود دهید ؟

ـدراین زمینه من هم نظر شما نمیباشم - مادر پرداخت های سینمایی خود الهام‌گرفته‌ایم اما کاپی نکرده ایم - بهترین مشاهد این ادعا دراین زمینه نو شته «لایل پیرسون»منتقد شناخته شده‌جهانی‌دریکی‌ازنشریه‌های پرتیراژ خارجی است که‌می‌نگارد ،سینمای نوپای افغانستان کمتر اتکابه‌کاپی گرایی میکند.

ـباآن هم من تاکید میکنم که ممکن است آقای لایل پیرسون فرصت نیافته باشد که‌به صورت مقایسوی مروری بر فلم های افغانی وهندی و ایرانی بکند ومتوجه برداشت های شان از همدیگرگردد وگرنه‌حداقل بعداز دیدن چند فلم افغانی به سهولت متوجه میگردید که چگونه زمینه سازی ها، حادثه پروری ها، قهرمان آفرینی هاوحتی تیپ سازی ها دراین فلم هاوجوه اشتراکی بافلم‌های هندی وایرانی دارد ؟

ـممکن است مقداری وجوه اشتراکی دراین فلم ها موجود باشد - اما من بهر صورت کاپی گری را کاری درست نمیدانم .

- صرف نظر از دفاعیه‌ی که شما به خاطر شرایط نا بسامان درگیر با سینمای‌تولیدی مابه بیان آوردید - فلم های هنری ما معایب دیگری هم دارد که به جای نارسای های فنی ازبی توجهی وشتابزدگی در کار تکمیل فلم مایه‌می‌گیرد- ازاین گونه بی مبالاتی‌ها چگونه دفاع می‌کنید ؟

ـراصح- تود رواقع مرابه محاکمه هنری کشانده ای - خوب مشخص‌تر انتقادات‌راطر ساز که ببینم چه جوابی به آن دارم .

ـبه عنوان مثال در صحنه ی از فلم «غلام عشق» که گناه کارگردانی آن هم بگردن خودت است هیرو وهیروین فلم رامی بینیم که در کنار جوی بزرگ‌ویا رودی که درسرازیری جریان دارد مشغول صحبت‌هستند آنها دیا لوك ها چنان در گوش هم فریاد می‌زنند انگار در کنار آبشار نیا گارا قرار دارند در حالیکه جریان آب آهسته است و صدای آن هیچ مزا حمتی رادر گفت وگوی آنها ایجاد نمیتواند این یکی درمورد صدا برداری-نمونه دیگر را ازهمین فلم‌درزمینه ادیت «پیوند» ذکر میکنم -غلام‌که‌باصحنه کشته شدن مادرش مواجه گردید ، باعجله نزد پدرش درزمین های زراعتی میرود واورا ازجریان می‌آگاهاند بعداز این‌شات هیچ شات‌دیگری‌وجودندارد که خاطره بافلش بك برای پدر تداعی گردد و تماشاچی در جریان اندیشه اودر شناسایی قاتل قرار داده شود- دیالوك هم کمکی نمیکند در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر چوب ارباب یعنی قاتل مادر غلام می‌بینیم که برای افشاء نشدن موضوع‌وی رانیز درزیرچوب به قتل میرساند. بااین شات های گنگ بیننده چطور بفهمد که‌پدر غلام‌باخاطره های که‌داشته است قاتل راشناخته ، نزداو رفته‌وبالاخره نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است.

- این معایب قابل دفاع نیست ، اما گناه آنرا باید باز هم به کمبود وسایل فنی حواله کنید - ماتاکنون وسایل صدا برداری مجهز برای فلم های‌هنری نداریم وآنچه در افغان فلم داریم به‌شمول وسایل دیگر مانند وسایل ادیت ولابراتوار همه برای فلم های کوتاه‌مدت میباشد، این است که‌گاهی درصدا برداری فلم ها نواقص از نوعی‌که‌شما یاد کردیددیده میشود ودر موضوع نارسایی های ادیت فلم پولی مارا درنظر بگیرید مااز وسایل افغان فلم‌به صورت کرایی استفاده می کنیم وهر- لحظه کارما مجموع پرداخت مارا بلند میبرد وچون پول کافی نداریم باشتابزدگی کار می‌کنیم تا صورت مصرف خودرا بلند نبرده باشیم -این عجله موجب میگردد که نتوانیم دقت کافی در پیوند فلم وسایل لابراتواری داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم اتفاق می افتد که‌شماهم مرض انتقاد داریدکه فقط انگشت روی نارسای ها میگذارید وبس .

ـارائه تصاویر درحالت‌کلوزاپ «درشت‌نما» در تاکید سینما گرروی خصوصیات عاطفی

نقش باید قوی وآزموده باشد ـدر نقش خود ودر تما م لحظات بازی اش‌حاکمیت داشته‌باشد تابتواند تاثراتش را درمایم چهره‌خود انعکاس دهد ـ من غالبا در صورتی از دادن نماهای درشت تصویری چهره دوری گزیده ام که‌موفق

نشدم حالت هارا در چهره باز یکنان نقش ها ایجاد کنم واکنون هم‌از همین مشی پیروی میکنم خواه مرادوست کلو زاپ بخوانید و یا دشمن آن •

ـبه اجازه‌شما کمی هم روی مسایل پولی وتجارتی تولیدات سینمایی صحبت کنیم ؟

ـبفرمایید !

ـحاضر یددر این زمینه بدون حاشیه روی وبا صداقت صحبت کنید ؟

ـمگر تاکنون صداقت کلام نداشته ام !؟

ـمنظورم این نیست‌ـمواردی هست که‌جزء اسرار به شمار میاید ـشما هم اگر از من بپرسید تیراژ ژوندون چقدر است ممکن است بگویم بیست هزار در حالیکه رقم واقعی تیراژ احتمالا ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکرشده باشد •

ـراستی تیراژ ژوندون چقدر است ؟

ـعددش را نمیگویم ، اما باصداقت میگویم که پرتیراژ ترین مجله کشور ماست•

ـخوب، سوالت را طرح‌کن ـمیکوشم باشیوه خودت جوابت را بدهم !

ـفلم های که تاکنون پرودیوس کرده‌ی از نظر عاید چطور بوده است ؟

ـبسیار ناچیز، تاحدی که‌حتی موفق‌نشدیم مصرف فلم رانیز عاید کنیم ؟

ـچرا ؟

ـفلم های تجارتی تورید شده از کشور های هند وایران که پرمشتری ترین فلم‌ها در کشور ما میباشند ـتماشاگر سینمای مارابد آموز ساخته اندبه گونه‌ی که اگر فلمی فاقد خصوصیت های این گونه فلم ها باشد فروش کافی ندارد وبعداز چند نمایش سالون های سینما خالی میماند•

برای جلب بیننده بد آموزشده، باید سکس داشته باشیم• برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم‌ـ زدو خورد های هیجا نی د ا شته با شیم که جمع آوری چنین صحنه‌های‌در فلم برای سینما گربارسالت غیر ممکن است •

وتاثرات کر کتر هاو شناساندن آن به بیننده نقش بزرگ دارد ـاز این رو کارگردان هادر تمام مواردی که‌ایجاب میکند تاثرات شادو ـ ویانا شاد دقیق تر تصویر آنرا در حا لت کلوزاپ قالب می‌کنند ، اما شما در فلم های ساخته خودبیشتربه‌لانگشات «تصویر ازدور» ومدیم شات «تصویر های نه درشت نماونه

خیلی از دور» تمایل‌داریدتاجای که بعضی‌شما را دشمن کلوزاپ میگویند، چرا چنیند ،ودلیل عدم رغبت شما به نما های درشت تصویر ی چیست ؟

ـمن انتقاد شمارا کاملاقبول دارم ـتصاویر در حالت کلوزاپ خصوصیت این را دارند که بینند ه رادر جریان‌تمام نکات ریزیك شیی قرار دهند واز همین رو وقتی چهره ی درحالت کلوزاپ تصویر بندی میگردد، بازدهی عواطف ونمایاندن عمق احساس کرکتر سینمایی‌آسان میگردد وانتقال مفاهیم ساده صورت‌می گیرد امااین تصاویر باید همراه باتمام خصوصیات مورد نیاز مایم چهره باشد ـ نگاه وحالت‌باید قدرت بازدهی تاثرات را داشته باشد وگرنه یك چهره فاقد حالت هیجان را نمیتواند باز گوکند ـ برای ارائه تصاویر درشت باز یگر

از سوی دیگر مساله رقابت کشور های تولید کننده فرا آورده های سینمایی درسطح جهانی مطرح است ، کشوری که فلم تهیه میکند ناگزیر است برای آن بازار یابی‌کند ووقتی بازاری رابرای فروش بد ست آ ورد آنرا آسان از دست ندهد• اکنون سال هاست که کشور ما بازارفروش فلم های تجارتی هند وایران وفلم های دیگر در همین ردیف

است وتولید کنند گان همین فلم ها هستندکه باتمام قوامیکوشند ازبپای‌استاده شدن سینمای افغانستان جلو گیری کنند آنها برای‌ناکام ساختن فعالیت های تولیدی در کشور ماشیوه

های زیادی را به کار می بندند قیمت موادخام را بلند میبرند ، در باره فلم های تولید شده درافغانستان تبلیغات سوء وجارو جنجال بپا می‌کنند که‌تماشاچی را ازدیدن فلم منحرف سازند ـ ماشین کارهای سینما را می خرندو وادار شان می سازند که‌خط سوندفلم راسوزن کاری‌کنند ، برای تکت فروشان پول میدهند تابه تماشاچی‌خریدار تکت بگویند که :

ـبرادر چرا پولت را حرام میکنی ؟ و از دیدن فلم منحرفش بسازند و خیلی کارهای دیگر از این قبیل •

به همین دلایل است فلم های تولید شده‌در کشور ما هیچ یك حتی فروشی که بتواند جوابگوی مصرف خود باشد نداشته اند•

ـپس دراین صورت چگونه توانستید به فعالیت های تولیدی خود دوام دهید ؟

ـتعدادی از دوستداران سینماباسر مایه گذاری های‌بسیار کوچك‌وقبول‌ریسك میکوشند سینمای مارا بپا ایستاده دارند ـدرهر فلم که تولید میگردد بیش‌از پانزده‌نفر وگاه بیشتر

ازبیست هزار افغانی تا یکصد هزار افغانی سرمایه میگذارند ـ مقداری هم از قرضه های بانکی استفاده میگردد ـاما نتیجه صفر است همین اکنون تهیه کنندگان فلم های هنری ماتا گلو در قرض غرق هستند وبازهم به کارخود دوام میدهند •

ـازنظر شما این نارسایی‌هاونابسامانی‌های اقتصادی چگونه حل میگردد ، دولت‌چه کمك های برای جلوگیری از رکودو توقف فعالیت های سینمای ما میتواند ؟

ـکار های زیادی هست که اگر به انجام آید میتواند پایه های نگهدارندهٔسینمای تولیدی ما تلقی گردد •

به نظرمن نخست باید مشکل کمبود وسایل فنی رفع گردد وافغان فلم از امکانات بیشتر برای تهیه های هنری‌سینمایی‌برخوردار شود،

قرضه های بانکی‌برای‌سینماگران باید افزایش داده شود وتکت پولی آن به‌منظوررشدو انکشاف سینما تقلیل یابد ، مواد خام تورید شده یا کلا ازمحصول معاف گرددویا لا اقل تخفیفی برای آن در نظر گرفته شود •

فیصدی سینما پالین آورده شود وبرای فروش فلم های تولید شده در کشور های خارجی بازار یابی شود •

وکارهای دیگری در همین ردیف که تاکنون‌به هیچ وجه عملی نشده است •

ـآقای شفق شمادر جای از صحبت خوداز برابر بودن تهیه کنندگان فلم های هنری با ـ مشکل باز یکن های زن بودید ، من فکر میکنم سینمای تولیدی مابه دلایل گوناگونی که‌بی تو جهی در انتخاب بعضی چهره هارا میتوان در شمار آن یاد کرد به پیمانه وسیع بدنام شده واکنون کمتر خانواده یی به خود اجازه میدهد به‌اعضای فامیلی اجازه شرکت دریك فلم هنری رابدهد ، برای رفع این دشواری نخست باید سینما از چهره های نامطلوب از دید گاههای اخلاقی پاکسازی‌گردد تامحیط سالم آن بتواند موجب جلب اعتماد خانواده ها گردد ،شما دراین مورد چگونه فکر می‌کنید واین طرز تلقی را چقدر وارد میدانید؟

ـحرف های شمارا قبول دارم ، اما فراموش نکنید که دست اندر کار های اولی سینمای تولیدی ما هم به خاطر برابر بودن باچنین تعصباتی بوده است که مجبور شده اند هر متقاضی زن را برای ایفای نقش های فلم های خود بپزیرند••• درمورد شفق) فلم‌میگویم و اصرار میورزم که باتمام امکانات خود کوشیده ایم از استخدام هر فردی که در میان مردم‌به نحوی بدنام باشد جلوگیری کنیم واین مشی‌را برای همیشه نیز دنبال می‌کنم •

ـاجازه بدهید صحبت امروز رادر همین جاپایان دهم تافلم «جنایتکاران» شمابه اکران آید ، آنرا به نقد آوریم واحیانا باشما نیز صحبت دیگری به صورت اختصاصی درباره‌این فلم داشته باشیم فعلا باتقدیم سپاس‌از جانب ژوندون الله‌یار میگویم وبه امید دیدار •

جواب به نامه های شما

سلام به خوانندگان وهمکاران عزیز !

به آرزوی سلامتی وسعادت شمامی پردازیم به جواب نامه ها :

دوست عزیز فخرالدین پایمرد محصل فاکولته حقوق !

چند پارچه رباعی شما رسید، خرسندیم که همکاری میکنید ودعا میکنیم که این همکاری‌قلمی ازگزندبادوباران مصئون بماند. اینك نمونه یی لزاشعار تان :

گل نرگس شگوفه باز کرده
بیادش نغمه بلبل ساز کرده
چو با چشمان دلدارم شبیه است
مرا با بلبلان همراز کرده

• • •

نگارم رفت و اشعارم بدستش
گل نرگس خمارم بدستش
دور از چشمان مست و دلفریبش
تو گویی چشم دلدارم بدستش

خوب است که چشم دلدار تان شبیه‌نرگس است وگرنه شما کجا وبلبل هزار داستان کجا. چه‌کاری شدکه دلدار شمااشعار رابرد وبه دلدار دیگری سپرد .. حوصله داشته باشید عجله کار شیطان است ودلدار فقط دل سدار است وراز دار ... خدایارتان ...

دوست عزیز عبدالغنی یوسفی مامور اداری مدیریت تعلیم وتربیه ولایت فراه !

عرض ارادت میکنیم ولی راستش « قبلا در هرجاییکه باشیم یکی بوده ایم» نبوده‌ایم. شاید منظور تان قلبا بوده باشد که سکهٔ قلب است وراسته اش چپه است ودرستش قلب است . بهرحال از قلب ودل بگذریم وبیاییم سر اصل مطلب . مضمون «انسان یك موجود کنجکاو وممتاز» شمارا به متصدی صفحه دوستان سپردیم که از نظر بگذراند ودر چاپش بکوشد، موفق باشید .

دوست عزیز محمد نوروز سلطانی متعلم مکتب سعدالدین انصاری !

ذوق وشوق تان را سپاس میگذاریم واز اینکه شعر «بیرق» سرودهٔ طبع شما از چاپ بازماند معذرت میخواهیم . مشوره میدهیم که شعر بسیار بخوانید تا بیشتر بفهمید به راز ورموز شعر گویی . موفق باشید .

دوست عزیز انوری شاعر معروف !

نامه‌یی شمابه اداره رسید واز اینکه روح شمادر آرامگاه ابدی هم آرام نیست متاسفیم وجزنشر اعتراض وشکایت شماچه میتوانیم کردکه شمارا خوش آید وبندگان خدارا نا خوش افتد .

«نامه‌ای از انوری شاعر خراسان :
شعر دزدی وشاعر دزدی :

روزی در خراسان از بازاری میگذشتم ، جمعیتی را دیدم که بدور مردکی گرد آمده، واو هم باکمال حرارت ، باصدای بلند شعر میخواند . چون خودم شاعر بودم ، علاقمند بشنیدن شدم ، اما زود دریافتم شعر ها ی که این مرد میخواند ، ازمن است .

پرسیدم ، برادر این شعری راکه خواندی ازکی بود ؟

گفت از انوری .

گفتم اگر منظورت از انوری همان شاعر معروف است آن که منم . مرد با کمال دیده درآیی به پاسخم گفت : دیگرش رانمیدانم، این شعراز من است ونام من انوری است، ازشنیدن این جواب گستاخانه، گیج شدم وگفتم شعر دزدی شنیده بودم اما شاعردزدی هم دیدم وفی البدیهه فردذیل برزبانم جاری شد :

دزد قباله دزد بدیدست هرکسی
یاران حذرکنید زد زد مقاله دزد

ازهمان وقت به بعد، در برابر اشخاصی که دست به سرقت ادبی میبرند سخت حساسیت دارم، زیرا این بی مایگان بهتر است دست به گدایی بزنند تا مضمون دزدی .

ولی با کمال تاسف باید بگویم که‌گاهی در عالم ارواح خبر میشوم که دامن این عادت نکوهیده هنوز برچیده نشده، ودرین قرن‌که بیستمش مینامند، نیز کسانی یافت میشوند که دست به انواع دزدی‌ادبی (که‌عین‌بی‌ادبی است) میزنند .

یك مثل سابقه است که میگویند : سرمه را از چشم میزند . همینطور گاهی میشنوم که حتی مضمون چتل نویس دیگری را از روی میز برمیدارند وآنرا در جای دیگر بنام خود نشر میکنند وگاهی نیز دیده شده که داستانی را اززبان دری وایس به زبان دری ترجمه کرده اند که این یك شاهکاریست بالاتر از انوری دزدی .

صرفنظر از این، اخبار سرقتهای خردوریزه چون فقره‌دزدی،جمله دزدی، پاراگراف‌دزدی فکردزدی که از شمار بیرون است .

بهر صورت توصیهٔ من به جوانانیکه‌واقعا میخواهند هنرمند شوند اینست که هرگز گرداینگونه اعمال نادرست نگردند ، زیرا علاوه از اینکه در نهایت هیچ سودی از این کار نخواهد برد در صورت گیرآمدن سرقت شان سبب سرافگندگی نیز خواهد بود .

در اینجا باید بگویم که هنر را ستین در خلاقیت است وایجاد تازه ها .. واما سارق ادبی مانند کسی است که دیوار خوشنمایی راکه قبلا بدست معمار هنرمندی بنا شده ، خراب کرده واز خشت وگل آن دو باره همان دیوار راباکمال بی هنری آباد میکند . درین صورت علاوه از اینکه چیزی بر دیوار نیفزوده ، به بافت ونقشهای هنری آن نیز صدمه زده است .»

جواب نویس نامه ها چه عرض کند به‌توای انوری ، بگذار تا دیگران از دستبرد قلم‌حرف بزنند ونشست رسوایی دزدان اد بی هر چه محکمتر وپر صداتر از فراز بامها به ز مین کوبیده شود ونقاب از رخ بی رخ سارقان ادبی برافتد .

کاتب ظالم به سنان قلم
دزدی بی تیر و کما ن میکند

• • •

دوست عزیز علی آقا همدرد از سرك دوم شاه شهید !

خوشحالیم که به مجلهٔ ژوندون علاقمندید. از شرح حال سیاه موی جلالی که اندك بود ومختصر گذشتیم واینك چند دوبیتی ارسالی شما که در کاغذ قشنگی نگاشته بودید :

اگر از در زنی از بام آیم
اگرهرصبح زنی هرشام آیم
دوپایم رابری گر تابه زانو
به سینه گر نیایم بیوفایم

چرا ای دوست عزیز، از در بزنید وبازچرا هرصبح مورد لت وکوب کردی وسر انجام چرا دوپایت را آن یارنامهربان خدا ناخواسته قطع کند که چون سوسمار به سینه پیش‌روی وبا ریختن اشك تمساح گونه یی اورا .... خدانکند .

مه قربان همو چشمان مستت
نکش سگرت میان هر دو دستت
نکش سگرت‌که رسم عاشقی‌نیست
مه قربان دل عاشق پرستت

مگر با انگشتان پای سگرت بکشد که رسم عاشقی باشد وترا پسند آید ...

دلم غرق خون است باکی گویم
غم از حد فزون است باکی گویم
عزیزان این دل شوریدهٔ من
شووروزغرق خون است باکی‌گویم

به‌دلدارمحبوب‌ومعشوق‌خود بگویید که چاردل را نماید ...

دوست عزیز، دوبیتی های‌راکه می‌گزینید، کوشش به خرج دهید که درست وکامل و صحیح وتمام بگیرید واضافه برآن تنها دو بیتی های بی قراری دل را در دل نسپارید وبما نفرستید بلکه دوبیتی های که سوژه اجتماعی ودردزندگی دارد به مابفرستید که به نشر بسپاریم در غیر ... خداحافظ .

دوست عزیز شمس الدین آرین از دواخانهٔ صالحی - ولایت هرات !

سلام میفرستیم وماهم آرزو داریم که همیشه وپیوسته موفق وکامروا باشید . مطالب ارسالی شمارا خواندیم واینك قسمت ازآن:

«دو قطعه نوت هزاری وچند چك اینجانب که مفقود شده بود در بکس همسرم بیداشد، بیخود دنبالش نگردید .»

شماخود ، بیخود خانم عزیز تانرا جور ندهید وسبب آزارش نگردید . از خیال پلو بی گوشت نیز بگذرید که نه نوت هزاری افغانی داشتید ونه چك چند ملیونی ونه‌کسی به جستجوی آن بود .

هزمین مرغوب در بهترین نقاط هرات باقیمت مناسب برای قدم زدن شماآماده‌است، تاگران نشده بیایید قدم بزنید، یا خا متعال وقادر بی نیاز از آن روز بترسیم قدم زدن بالای زمین نیز قیمت پیدا کند

دوست عزیز محمد عثمان متعلم‌لیسه‌ح

با سلام عرض شود که پارچه شعر ای وطنه» ی شما نواقص بسیاری دارد یکی آن همان است که در بالا از زبا من خاك بازبان شکسته وبسته‌انوری فرمود

دزد قباله دزد بدیدست هرکسی
یاران حذرکنید زدزد مقاله دزد

وفعلا یاران حذرکنید زدزدشعردزدکه وشاهد آن صفحه گلهای سرخ است شعر شما از آنجا بسیار آب خورده وپرور یافته است . خداحافظ

دوست عزیز سعیده عالمی وزیب ال عالمی ازلیسه جهان ملکی ولایت غزنی !

مطالب ارسالی شما رسید وآنرا سپر به متصدی صفحه مسابقات وسر گرمیها ترتیب اثربدهد وبالاخره شکایت تان ک نگاشته اید «دوست عزیز متصدی صفح سرگرمیها، گله داریم ، که چرا جدول ما راکه ازمدت‌دو سال‌به اینطرف بیش‌ازپان جدول ارسال کرده ایم فقط دو جدول آ چاپ شده است وبس . خواهش میکنیم ضرب المثل «زرنده که دپلارده هم په وارد رامدنظر گرفته ودر چاپش اقدام نمایید اگر لیاقت چاپ را نداشت به ما بگویید در طرح دیگر جداول سعی نماییم .»

ماهم همچون شما همین حرفها را بامتص صفحه مسابقات وسرگرمیها گفتیم وانت داریم که پاسخ شمارا تهیه بدارد وچرا نشرش نکوشیده است .

والسلام

یادونه

دژوندون مجلی دتیری گنی په‌دریم م کی د ا،خ،د،گ دمرکزی کمیتی دعمومی مت د ا،د،ج دانقلابی شورا رئیس او صدراعظ ببرك کارمل دوینا ددویم ستون ددیارل گرښی خخه وروسته دی دغه‌جمله زیاته ش «... فاشیزم دیر لوی قوت دشوروی اتح دستر قدرت په‌واسطه وټکول‌شو اوله مینظ لاړدخوشحالی ...» هیله‌ده چی‌گران‌لوستونک بدی هکله زموږ معذرت ومنی.

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرم
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان‌زاد
آدرس : انصاری واټ - جوار ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع وشکایات :۲۶۸۵۹

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹

۲۴ می ۱۹۸۰

شمارهٔ نهم

سال سی ودوم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی